



پیام فدائی

ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

مرگ برای پریالیسم
و سگهای زنجیریش

بهاء: ۱۰۰ ریال

اسفند ۶۸ - ۵۰ صفحه

سال چهارم شماره ۲۱

گزارش هیات تحقیق در خدمت تکلیف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی



نتایج کار این هیات در یک گزارش جعلی ۷۶ صفحه‌ای انتشار یافت و حقایق دیگری را بنمایش گذارد.
گزارش "هیات تحقیق" به طرز ناشیانه‌ای کوشید تا چهره "رسوای جلادان حاکم بر ایران را حتی الامکان بیپوشاند."
گزارش کوشید تا استان تا مرقق در خون دوزخیمان جمهوری اسلامی را در قتل عام در صفحه ۲

سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل به ایران و نتایج آن واکنشهای متفاوتی را در بین نیروها و جریان‌های اپوزیسیون برانگیخت.
اگر چه "هیات تحقیق" با سفر به ایران مدعی بررسی مسئله نقض متعادی بندهای ترین حقوق بشر در ایران توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بود، اما سر آخر آنچه که تحت عنوان

پیرامون جنگ ایران و عراق (وضعیت نه جنگ و نه صلح)

نزدیک به دو سال از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل توسط رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری آتش بس در جبهه‌های جنگ امپریالیستی ایران و عراق میگذرد؛ ولی علیرغم گذشت این مدت طولانی، هنوز صلح فیما بین دو دولت قطعیت نیافته است و حتی گاه طرفین جنگ با اصرار و تاکید بر مواضع و شروط متضاد خویش در رابطه با برقراری صلح، به تهدید یکدیگر پرداخته و از احتمال آغاز مجدد جنگ نیز سخن گفته‌اند.

طی مدت زمان یاد شده بارها نمایندگان دو کشور از کانال دبیر کل سازمان ملل، تحت عنوان انجام در صفحه ۲

تظاهرات دلیرانه توده‌های مبارز ایران و واکنشهای رژیم در قبال آن

در صفحه ۱۶

در این شماره

- ۱۷ - گفته‌ها و نکته‌ها
- ۱۸ - اعلامیه کمیته موقت ...
- ۳۷ - اخبار و گزارشهای خبری
- ۴۵ - کمکهای مالی
- ۴۶ - ایران از درجه آمار
- ... شهادت اسفند ماه چریکهای فدائی
- ۴۹ - خلق ایران و روز شمار

گزیده‌هایی از شهادت چریکها

در صفحه ۱۹

"بیاد شهادت گرانقدران اسفند"

در صفحه ۲۹

در گرامیداشت روز جهانی زن

در صفحه ۲۳

نگاهی به اوضاع مشقت بار کارگران در "تولید ارو"

در صفحه ۴۷

زنده یاد مبارزه سلطانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

پیرامون جنگ ایران و عراق (وضعیت نه جنگ و نه صلح)

از صفحه ۱

کوششهایی برای دستیابی به صلح و رفع موانع موجود بر سر راه این امر، به مذاکره پرداخته و در دوره‌های مختلف بر سر مسائل زیربسط ساعتها و روزها گفتگو نموده‌اند. در همین حال نمایندگان از سازمان ملل نیز بدفعات با ادعای ایجاد زمینه‌های برقراری صلح دائم فیما بین دو دولت ایران و عراق و رفع موانع سدکننده راه پیروفت مذاکرات، به تهران و بغداد سفر کرده‌اند. لیکن نه آن مذاکرات و گفتگوها به اخذ نتیجه مثبتی انجامیده و نه سودی از آن سفرها و از آن باصطلاح تلاشهای ظاهرا صلح خواهانه عاید گشته است. ماحصل آنکه پروسه آتش بس طولانی شده و دو دولت نه در حالت جنگ یا صلح بلکه در حالت نه جنگ و نه صلح بسر می‌چرند.

عمده موارد اختلافات که ظاهرا تاکید سرسخانه طرفین بر مواضع خویش در آن موارد، هر بار باصطلاح تلاشهای "صلح خواهانه" سازمان ملل را با بن بست مواجه می‌سازد، به گونه‌ای که همواره در رسانه‌های خبری، عنوان شده و مورد تبلیغ قرار می‌گیرد، شامل مواردی نظیر اختلاف بر سر حق مالکیت براروند رود (عط العرب) و اختلاف طرفین به موقوف کردن یا نکردن انجام مذاکرات مستقیم به خروج نیروهای عراقی از خاک ایران و

چگونگی استرداد اسرا و غیره می‌باشد. علیرغم شکست تاکنونی مذاکرات صلح، "تلاشها" در این زمینه همچنان ادامه دارد و اخیرا نیز دور جدیدی از گفتگوها و اقدامات به منظور ادعائی برقراری صلح فیما بین دو دولت ایران و عراق از طرف محافل مختلف زیربسطا این موضوع، بچریان افتاده است. در نزاین دور گفتگوها و اقدامات، مسئله‌ای که بطور بارز جلب توجه می‌کند اینست که چه ایران و چه عراق بیس از گذشته نسبت به برقراری صلح ابراز تمایل نموده و خود را برای این منظور آماده نشان می‌دهند. در این دور جدید آنها قبل از اینکه بر روی موارد اختلافات خویش، تاکید نمایند، بیس از پیش، از ضرورت دستیابی به صلح و یافتن راه حل‌هایی جهت حل اختلافات سخن می‌رانند. هر دو دولت به پیشنهاد میانجیگری رویزیونیستهای شوروی که از آنها برای انجام مذاکراتی در مسکو دعوت بعمل آوردند، جواب مثبت دادند و اخیرا نیز به پیشنهاد پرزدوکونیار دبیر کل سازمان ملل مبنی بر انجام مذاکراتی در نیویورک بر اساس طرح ۸ ماده‌ای جدید اراکه شده از طرف سازمان ملل، پاسخ رد نداده و اظهار نظر منفی ننموده‌اند. مجموع این مسائل و فاکتورها باعث شده است که توجه بسیاری از

توده‌های آگاه و مبارز ما به مسئله صلح در جنگ ایران و عراق جلب شده و این سؤال اساسی که در ورای دلائل ظاهری برای طولانی شدن پروسه آتش بس چه دلائل واقعی و کدام منافع اقتصادی نهفته است و یا بعبارت دیگر برقراری حالت نه جنگ و نه صلح فیما بین دو دولت متحارب بشع چه کسی است در میان آنان با برجستگی هر چه بیشتر مطرح گردد. براین مبنا جا دارد در اینجا به این موضوع بپردازیم.

اگر این واقعیتی است که جنگ ادامه سیاست منتها در شکل دیگریست و جنگ ایران و عراق نیز در ادامه سیاست ارتجاعی و ضد انقلابی مشخص و معینی بوجود آمده، باید دانست که وضعیت کنونی یا بعبارت دیگر برقراری حالت نه صلح و نه جنگ در روابط دو کشور نیز مبین سیاستی است که بالطبع نمیتواند منفک از سیاست حاکم بر جنگ و آن سیاستی باشد که جنگ ایران و عراق از آن نشأت گرفت. بنا براین برای توضیح وضعیت کنونی و ترک سیاستی که موجب هر چه طولانی تر شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق گردیده است، باید بررور مجدد "جنگ" پرداخت و با تاکید بر الزامات و دلائل موجد "جنگ" و بخصوص و مؤکدا با تشخیص منافی که پیشبرد

سیاست مذکور نصیب سازماندهندگان جنگ ایران و عراق نمود، نتایج لازم را در این زمینه اخذ کرد.

تاکنون در مورد جنگ ایران و عراق تحلیلهای گوناگونی از طرف نیروهای سیاسی مختلف ارائه شده. در این تحلیلهای اغلب علت جنگ بدلالی نظیر خواست رژیم جمهوری اسلامی به صدور "انقلاب اسلامی" تمایل او به احراز "مقام" ژاندارمی در منطقه و یا بدلیل کوشش رژیم جمهوری اسلامی جهت "تثبیت" و حفظ موقعیت خویش و غیره ارجاع شده است ولی این تحلیلهای در حالیکه بلحاظ صوری متفاوت از یکدیگر میباشند، همواره از يك نقص بزرگ بطور مشترک رنج برده اند. وجه اشتراك همه این تحلیلهای غیرعلمی و غیر مارکسیستی بودن آنهاست. اگر مارکسیسم بر آنست که در پشت هر سیاستی باید منافع مادی و در تحلیل نهائی منافع اقتصادی مشخص پیش برندگان آن سیاست را تشخیص داده در این تحلیلهای درست همین آموزش مارکسیسم از نظر دور داشته میشود. در باصطلاح پیچیدهترین (!!) آنها تعطیل کردن جنگ ایران و عراق را، جنگ آلترنا تيوها نامیده و تأمین منافع متضاد دو بورژوازی (!!) که آلترنا تيو یکی بان - اسلامیس و دیگری بان عربیس بوده و هر يك برای استیلای آلترنا تيو خویش میکوشند را "دلیل جنگ" قلمداد مینمایند، بدون آنکه قادر به معرفی چهره آن دو بورژوازی و منافع اقتصادی معین و متضاد آنان بوده باشند (۱۰). تنها تحلیل

مارکسیستی از جنگ ایران و عراق تحلیلی است که با تشخیص ماهیت امپریالیستی این جنگ، جنگی که توسط امپریالیستها و با همکاری رویزیونیستها پی ریزی گردیده به توضیح چگونگی تأمین منافع عظیمی که "جنگ" نصیب گردانندگان و سازماندهندگان خود میسازد، پرداخته و نقاب از چهره خونخوار دشمنان واقعی طبقه کارگر و متحدان او یعنی توده های تحت سلطه برمیدارد.

واقعیت این است که جنگ ایران و عراق در ادامه سیاست امپریالیستی سرشکن کردن بار بحران سیستم جهانی امپریالیسم بر روی خلقهای تحت سلطه و میلیتاریزه کردن منطقه و سرکوب انقلاب ضد امپریالیستی خلقهای خاورمیانه و از طرف امپریالیستها و با توافقی رویزیونیستها سازمان داده شد. در رابطه با این جنگ و از قبل آن میبایست درآمد و ثروتهای موجود در منطقه بخصوص در دو کشور ایران و عراق بمنابیه طرفین درگیر جنگ و بطرق گوناگون و طی مکانیسمهای مختلف به قیمت قرار دادن بار درد و مصائب بی شمار بر کرده توده های رنج دیده منطقه، به قیمت خانه خرابی، آوارگی و گرسنگی و به قیمت به زمین ریختن خون جوانان و نوجوانان دو کشور از دست آنان خارج و در خدمت غلبه بر رکود اقتصادی نظام جهانی سرمایه داری بدیدگ سرمایه جهانی سرازیر گردد. در طی این جنگ و به بهانه آن، ارتشهای محلی جهت پیشبرد سیاستهای امپریالیستی

در منطقه بر علیه خلقها هر چه بیشتر تقویت شده و خاورمیانه به نزی نظامی تبدیل میگفت. در عین حال توسط این جنگ و در طی آن بود که یکی از مهمترین مقاصد جنگ ایران و عراق یعنی سرکوب انقلاب توده ها - در شرایطی که فشارهای ناشی از بحران اقتصادی باعث اوچگیری اعتراضات و مبارزات آنان میشد - عملی میگردید. جنگ امپریالیستی ایران و عراق در طی ۸ سال خونین و فزاینده هشت سالی که خلقهای تحت ستم در هر دو کشور مصائبی را متحمل شدند که زبان از توصیف آنها عاجز است و جنایات و فجایع دهشتناکی که طی آن ترقی توده ها اعمال شده، ناخ ننگ بزرگ دیگری بر پیشانی امپریالیسم و سگان زنجیریش کوبید، در خدمت تحقق همه این اهداف ضد انقلابی قرار گرفت.

در طی جنگ ایران و عراق بود که منافع نظامی امپریالیستها و رویزیونیستها با شدت هر چه تمامتر بکار افتاد و در حالیکه از این طریق انواع سلاحهای مرگبار، به جیبه های خون و جنایت این جنگ ارتجاعی ریخته میشد و با زرادخانه ها را انباشته تر میکرد، سونهای نجومی را نصیب آنان ساخت.

در شرایط اشباع بازارهای جهانی از نفت و پائین آمدن قیمت آن، در حالیکه امپریالیستها خواهان عرضه کمتر نفت به بازار و افزایش قیمت آن بودند، این جنگ ایران و عراق بود که بطرق مختلف امکان چنین امری را به قیمت کاهش درآمد ارزی کشورهای نفت خیز منطقه و بسود شرکتهای

جنگ، "آلترنا تيو"ها، جنگ آلترنا تيوها مندرج در نشریه "کونیست" سال دوم شماره ۲۲

(۱۰) - بعنوان مثال رجوع شود به مقاله

مرگ پر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

امپریالیستی فراهم کرد و ندیم که چگونه در مرحله‌ای از جنگ اسکله‌های نفتی و پالایشگاهها و غیره آماج اصلی حملات نظامی قرار گرفتند. در این زمینه لازم است یادآوری شود که تنها در حمله آمریکا به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس که طی ماههای آخر قبل از آتش بس صورت گرفت، ایران روزانه ۵۰ هزار بشکه نفت از دست داد.

همچنین در طی جنگ جنایت بار ایران و عراق بود که با توجه به تنگ - آفرینی‌های مختلف در آبهای خلیج فارس و در رابطه با مورد حمله قرار گرفتن نفتکشهای کویت و عربستان بوسیله ایران، تاکتیک نصب پرچم آمریکا و انگلیس و ۰۰۰ بر روی این نفتکشها و نیز اسکورت آنها اتخاذ شد و به این ترتیب با افزایش هزینه صدور نفت از آبهای خلیج، امپریالیستها در حین نفی که از این طریق میبردند، عملاً موفق به کنترل قیمت نفت بسود خود در بازارهای جهانی شدند. تنگ آفرینی در خلیج فارس و مورد حمله قرار گرفتن کشتیها در این آبها، در عین حال باعث شد تا هم صنایع کشتی سازی امپریالیستها رونق جدیدی بخود بگیرد و هم نرخ بیمه کشتیرانی بسود شرکتیهای بیمه افزایش یابد.

در رابطه با دیگر اهداف ضد خلقی جنگ ایران و عراق و فوائد آن برای امپریالیستها و همپالگیها و مزدورانشان کافیست تنها به نمونه‌ها و فاکتلهائی اشاره نمائیم. منجمد در رابطه با امر تقویت ارتشهای محلی و دیگر ارگانهای سرکوب میتوان تنها مورد یابی گیری و هر چه بیشتر قدرتمند شدن " سپاه پاسداران " را یادآوری نمود که بنا به

اعتراف خود سردمداران رژیم قبل از جنگ ایران و عراق تنها دارای يك گردان " رزمی " بود که آنهم در کردستان در رابطه با سرکوب جنبش مسلحانه خلق کرد به انجام وظایف ضد خلقی میپرداخت. ۹۰٪ این ارگان سرکوب که اکنون دارای نیروهای گسترده زمینی، هوایی و دریائی گردیده است، در جریان همین جنگ ساخته شد.

سرکوب خواستهای برحق توده‌ها به بهانه شرایط جنگی و افزایش باج و خراج و اخانیهای گوناگون از آنان بدلیل کمک به جنبه‌ها و بعنوان دفاع در مقابل دشمن، مقابله با جنبشهای اعتراضی و مبارزات ضد امپریالیستی خلق از طریق به هز بریدن نیروهای انقلاب و کشتار و سلاخی جوانان در جنبه‌های جنایتبار این جنگ و غیره جنبه‌های دیگری از سودمندی جنگ را برای دشمنان خلق به نمایش میگذارد.

مسئله تشریح و توضیح همه جوانب مفید جنگ ایران و عراق برای امپریالیستها و همپالگیهای رویزونیست آنان، امری نیست که بتوان در اینجا بدانها پرداخت. ولی موضوعی که در همین جا باید مورد تاکید قرار بگیرد، آنست که علیرغم همه فواید این جنگ برای دشمنان خلق با لاکه پس از ۸ سال و آتش بس در جنبه‌های آن برقرار شد بدون آنکه موجبات جنگ و فاکتورهائی اساسی که سازمان دادن این جنگ را برای امپریالیستها الزام آور نموده بود، مرتفع شده باشند (۱۰).

(۱۰) - دلائل قطع جنگ ایران و عراق را اساساً باید در عدم کفش ماشین جنگی دو کشور برای پیشبرد جنگ در ابعاد بسیار عظیمی که جریان داشت و همچنین در شدت یابی مخالفت توده‌های تحت ستم با جنگ که مانع از جامعه خود بعبهت باهد آن بودیم و جستجو کرد.

این موضوع با عواقب و نتایج تبیی خود آن نکته در خور توجه و قابل تأملی است که با تکیه بر آن میتوان به توضیح وضعیت کنونی و سئوالات مربوطه در این زمینه پرداخت.

اگر این واقعیتی است که جنگ ایران و عراق در خدمت تأمین منافع امپریالیستها يك ضرورت بوده است برقراری آتش بس در جنبه‌های این جنگ در شرایط با برجائی فاکتورها و الزامات موجب آن، نمیتوانست و نمیبایست راه را بر بهره‌وریهای باز هم بیشتر امپریالیستها از جنگ، علیرغم قطع شدن آن ببندد. لذا میبایست شرایطی پدید آید که امر غارت و استثمار خلقهای ما را کماکان برای آنان میسر و منافعیان را بگونه‌ای تأمین نماید. این شرایط همان شرایط نه جنگ و نه صلح حاکم در منطقه میباشد که با طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق برای امپریالیستها حاصل گشته است.

درست است که با توجه به ظرفیتهای کثیر ناشی از جنگ و ایجاد زمیندهای کاملاً مساعد برای جولان سرمایه‌ها، شرکتیهای مختلف امپریالیستی که خود را در فردای خاتمه جنگ برای آغاز دور جدیدی از غارت و استثمار خلقهای دو کشور آماده ساخته بودند و هم‌اکنون بعقد قراردادهای پر منفعت و معامله‌های اقتصادی سودآور پرداخته و در شرایط قطع جنگ به این امر مشغول شده‌اند و باری علاوه بر این تحت شرایط جدید، منافع امپریالیستها بگونه‌ای دیگر نیز تأمین میشود.

اگر علیرغم آتش بس در جنبه‌ها، جنگ هنوز قطعاً پایان نیافته و " صلح و آرامش " در منطقه حاکم نیست و اگر

میگیرد .

اگر نیروز به بهانه جنگ ایران و عراق بودجه عظیمی صرف تقویت نیروهای نظامی میگفت ، امروز نیز بدلیل منتفی نبودن جنگ و عدم " آرامش و صلح " در منطقه ضرورت صرف بودجه هرچه عظیمتری برای قدرتمندتر ساختن این نیروها تبلیغ و در این جهت اقدامات عملی صورت میگیرد . در این زمینه خالب است به استدلالات رفسنجانی مکار در رابطه با اختصاص ۱۰ میلیارد دلار در برنامه ۵ ساله برای نوسازی نیروهای مسلح رژیم اشاره کنیم . او که در تاریخ ۱۳ ماه جاری در دیدار با فرماندهان مزدور نیروی زمینی ارتش سخن میگفت ، با تأکید بر این امر که " کشوری میتواند از حق خود دفاع کند که دارای قدرت باشد " اظهار داشت که " تجربیات گذشته به ایران ثابت کرد که آموزش ، سازماندهی ، اطلاعات و بکارگیری ابزار الکترونی و سلاحهای پیشرفته مطابق با زمان ، ضروری است و به مدرن بودن جنگ افزار باید بیش از پیش توجه شود " .

با طرح چنان استدلالی و درست تحت شرایط به صلح و نه جنگ میباشد که عراق اقدام به پرتاب ماهواره "صناعی" به فضا میکند و بعد از آن ولایتی وزیر امور خارجه با اظهار نگرانی (۹۱) از اینکه عراق به " برنامه جاه طلبانه تولید و ذخیره سلاحهای شیمیایی و میکروبی " خود ادامه میدهد ، مبادرت رژیم متبوع خویش به تقویت سلاحهای شیمیایی را موجه جلوه داده و بدلیل " تجدید خصومتها از سوی عراق " ، از " ناچار " جمهوری

دامنه بیشتری میداده ، امروز نیز درست با همین عنوان و با اظهار نگرانی از وضع منطقه ، اقدام به بستن قراردادهای نظامی میشود . معامله بیسابقه عربستان سعودی با بریتانیا در تیر ماه سال پیش که طی آن عربستان به خرید تسلیحاتی به ارزش ۱۶ میلیارد دلار مبادرت ورزید که به بزرگترین معامله اسلحه قرن مشهور شد ، (۹۲) تحت همان توجیه و بهانه ای صورت گرفت که امروز دلیل معامله های تسلیحاتی گوناگون و ترسلی پیشرفته تر از قبل ، شمرده میشود . در همین ماه گذشته بود که معلوم شد یک شرکت هلندی تحت عنوان ارسال تجهیزات برای انجام پژوهشهای زیست شناسی ، وسایلی برای تولید سلاحهای بیولوژیک در اختیار رژیم مزدور جمهوری اسلامی قرار داده است و در مورد این امر نیز که آیا در قرارداد بزرگ اخیر اسلحه با چین ، این کشور تکنولوژی پیشرفته تولید بمب اتمی و موشکهای بالستیک را نیز به ایران داده است یا نه طبق اطلاع خبرگزاریها ظاهراً تردید وجود ندارد . همه این قبیل معاملات اسلحه تحت شرایط نه صلح و نه جنگ با عنوان ضرورت بالابردن تکنولوژی با توجه به عدم امنیت منطقه صورت

(۹۱) - تحمیل چنین قراردادهای سنگینی به عربستان و عقد قراردادهای اسارتبار دیگر در شرایط گاهش قیمت نقت در بازارهای جهانی ، باعث گردیده است که این کشور که همواره بمثابه یکی از کشورهای ثروتمند منطقه از او یاد میشد ، اکنون با کسری بودجه ۸۹ میلیارد دلاری مواجه گشته و برای جبران این کسری دست به انتشار میلیاردها دلار اوراق قرضه بزند .

شرایط هنوز جنگی است ، پس همه اعمال و اقداماتی که تا نیروز در حین جریان جنگ در مسیر برآورده ساختن مصالح و منافع امپریالیستها صورت میگرفت ، امروز نیز میتواند و " باید " عملی گردد .

اگر تا نیروز حضور نظامی امپریالیستها در آبهای خلیج فارس با جنگ ایران و عراق توجیه میشد ، " شرایط جنگی " ، امروز نیز این حضور را توجیه و آنرا ضروری و منطقی جلوه میدهد . اگر اسکورت نفتکشها را نیروز با مصالح عدم امنیت در آبهای خلیج ، الزامی ساخته بود ، امروز نیز در شرایط عدم برقراری صلح در منطقه ، چنین امری کماکان باید با صرف هزینه های بسیار تداوم یابد .

بهبوده نبود که زاین تنها یکماه قبل از اعلام رسمی آتش بس در جنگ ایران و عراق ، با ادعای " کمک به ایالات متحده برای حراست از کشتیرانی در خلیج فارس " (فقط کمک !!!) برای بهبود سیستمهای مخابراتی هدایت کننده کشتیها در خلیج فارس یک بودجه ۱۰ میلیون دلاری به این امر اختصاص داد و پراپان اساس خرید دستگاههای پیشرفته مخابرات هدایت کننده کشتی را به عربستان (به مبلغ ۳ میلیون دلار) و کویت (به مبلغ ۲ میلیون دلار) تحمیل نمود .

شرایط جنگی و عدم امنیت در منطقه اگر نیروز توجیه گر خریدهای نظامی کلانی بود که اگرچه موجب رونق صنایع نظامی امپریالیستی میگفت ولیکن به ورشکستگی اقتصادی کشورهای تحت سلطه خریداران آنها

پیش پیروی تشکیل ارتش خلق

اسلامی برای حفظ "توانائی بازدارندگی" خود سخن میگویند و جالب است بدانیم که درست در همین رابطه دولت ترکیه ضرورت تقویت نیروهای نظامی و مجهز کردن خویش به سلاحهای هر چه پیشرفته تر، بدلیل "نگرانی" از مدرنیزه شدن سلاحهای کشورهای منطقه را مطرح نمود.

در این شرایط است که صنایع نظامی ایران از تولید موشکهای کاتیوشا بنام فجر ۳ با برد ۴۵ کیلومتر خیر میدهد و بالاخره تحت شرایط نه جنگ و نه صلح فرمانده نیروی دریائی سپاه پاسداران اعلام میکنند که باینگاه دریائی سپاه پاسداران در بندر جاسک "بمنظور حفاظت بیشتر از مرزهای جنوبی و پاسداری از امنیت آبهای جنوب کشور" (۹۱) افتتاح شد و این موجب تقویت آمادگی رزمی - نظامی جمهوری اسلامی میباشد.

اینها بمنابہ نمانهائی از سودآوری شرایط نه صلح و نه جنگ برای دشمنان خلق در اوضاع و احوالی است که امکان "تداوم جنگ" و بهره‌وری از فواید بیشمار و منافع عظیمی که این جنگ نصیب گردانندگان و سازماندهندگان خود مینموده دیگر وجود نداشته و مصالح عمومی امپریالیسم حکم به قطع آن داده است. شمای از موارد و نمونه‌هایی که مبین این حقیقت روشن میباشد که اگر

سرشکن کردن بحرانهای امپریالیستی به دوش خلقهای ستم‌دیده منطقه و امر تشدید غارت و استثمار آنها برای امپریالیستها، دیگر از طریق جنگ امکانپذیر نبود، با طولانی شدن پروسه آتش بس و ایجاد وضعیت نه جنگ و نه صلح، شرایطی حاصل گشت که امپریالیستها و همپالگهایشان کماکان و تا جاتی که مقدور است، منافع خود را از نبل آن تأمین مینمایند (۹۲).

(۹۲) - موارد و نمونه‌های دیگر از سودمندی

براین اساس باید با قاطعیت اعلام کرد که وضعیت نه جنگ و نه صلح بمنابہ سیاست امپریالیستی بوده و در ادامه سیاست غارت و استثمار و سرکوب خلقهای منطقه توسط امپریالیستها و مزدورانشان یعنی همان سیاستی که مبین اسباب و دلایل جنگ ایران و عراق میباشد، بوجود آمده است. بنا بر این طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق و وضعیت کنونی حاکم بر منطقه یعنی وضعیت نه جنگ و نه صلح تداوم سیاست موجد جنگ ایران و عراق با ویژگیهای خاص خود است. سیاستی که منافع کاملاً مادی پیش برندگانش در آن، تماماً مشخص بوده و با برجستگی هر چه بیشتری خود را آشکار می‌سازند.

این است آن توضیح درست و علمی از علل و دلایل طولانی شدن پروسه آتش بس در جنگ ایران و عراق. و با چنین تحلیلی است که میتوان سیاست حاکم بر دوران نه جنگ و نه صلح و منافعی که از این سیاست، نصیب پیشبرندگانش میگردد را تشخیص داده و دریافت برقراری چنین وضعیتی بنبغ کیست و چرا؟!

در ضمن در چنین چهارچوبی است که میتوان به کذب انعامهای گردانندگان سازمان ملل و یا مقامات ذیربط دیگر مبنی بر انجام کوشش و تلاشهایی برای

شرایط نه صلح و نه جنگ برای امپریالیستها و همپالگهایشان نیز قابل ذکر است. در وضعیت نه صلح و نه جنگ اگر صلح قطعیت نیافته اما در هر حال این وضعیت با قطع جریان جنگ مفهوم یافته است. لذا در شرایطی که جنگ مظهر تنفر شدید توده‌ها بوده و جنبشهای اعتراضی بر علیه جنگ بطور روزافزون رشد مینموده، این وضع در خدمت کاستن از بار شرایط انفجار آمیز ناشی از جنگ در بین توده‌ها و مخفی سازی قدرت بسیجی عمارهای ضد جنگ قرار نداشته است. در دوره نه جنگ و نه صلح نیز

برقراری صلح بین ایران و عراق با توجه به ماهیت آنان و وابستگی‌شان به امپریالیسم بی برد و فهمید که چرا همه آن "کوششها" تاکنون به نتیجه مثبتی نیا نجا میدهند و نمیتوانسته است بیانتجا مدتی در این چارچوب همچنین روشن میشود که تکیه بر موارد اختلافات نو دولت ایران و عراق و آنها را دلائل واقعی عدم برقراری صلح بین طرفین قلمداد نمودن، جز در خدمت فریب توده‌ها و لایوهای چهره جنایتکار امپریالیسم بمنابہ عامل اصلی تمام ادبار خلقهای منطقه نمیباشد. با این حال این موضوع دارای جنبه دیگری نیز هست، حقیقتی که همواره باید مد نظر قرار بگیرد و آن اینکه برخورد دو دولت ایران و عراق به موارد اختلافات خود و چگونگی پیشرفت روند مذاکرات صلح و اقدامات مربوطه، همگی میتوانند حقایقی از چگونگی روند پیشرفت سیاست امپریالیستی را در خود منعکس کرده و نموداری را در این زمینه که آیا سیاست امپریالیستی مذکور حکم بر تداوم وضعیت کنونی (وضعیت نه جنگ و نه صلح) مینهد و یا پایان دادن به این وضعیت بنا به مصالحی را ایجاب مینماید، بدست دهند. از این نقطه نظر توجه به دلائل ظاهری و نمونه‌هایی که از طرف متعیان نیروغین در صفحه ۳۲

مانند دوره جنگ بنام ضرورت دفاع در مقابل دشمن توده‌های ستم‌دیده مورد اخاذی قرار میگیرند و شرایط و اوضاع اقتضای کشور، بیکاری، فقر و فلاکت توده‌ها نیز همچون گذشته با عنوان الزام صرف بودجه برای امور دفاعی با توجه به عدم برقراری "صلحی دائم" بین دو کشور توجیه میشود و ...

به این نکته نیز باید توجه داشت که بالطبع تأمین منافع امپریالیستی در شرایط نه جنگ و نه صلح در تمام اجزای خود نمی‌تواند بهمان‌گونه زمان جنگ باشد.

گزارش هیات تحقیق، در خدمت تطهیر

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی

از صفحه ۱

رژیم ددمنش و ناقص بدبختی ترین حقوق شناخته شده انسانی، همواره در صدر لیست سیاه وحشی ترین حکومتهای نیکتاتور موجود در جهان قرار داشته و اتفاقاً در اجلاسهای سالیانه مجمع سازمان ملل حول بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران نیز، این رژیم کرا را و شدیداً محکوم شده بود.

بنابراین در شرایطی که کوس رسوایی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شکنجه و سلاخی کردن زندانیان سیاسی قهرمان و نقض ابتدائی ترین حقوق توده ها، بیش از هر زمان دیگر در افکار عمومی نواخته شده، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل خواستار بازدید مأمورین این سازمان از شکنجه گاهها و رژیم شد و بدین ترتیب به درخواستهای متوالی پیشین سازمان ملل در این زمینه پاسخ مثبت داد. سران رژیم جمهوری اسلامی با این تاکتیک، جفا از اینکه کوشیدند از تصویب دوباره قطعنامه ای بر علیه جنایات جمهوری اسلامی در این مجمع ممانعت بعمل آورند، اینگونه جلوه دادند که گویا دیگر از رویه جنایتکارانه پیشین دست کشیده اند.

از جانب دیگر همین مانور و شگرد فریبکارانه جمهوری اسلامی کافی بود تا بسیاری از عناصر و جریانها کوته بین و سازشکار به پایکوبی در مورد "عقب نشینی رژیم" و "پایان دوران نیکتاتوری" و "بروز" نشانهائی "از سر فصل آزادی و دموکراسی و تقلیل فشار بر زندانیان سیاسی و ابطال دیگری از این زمره بپردازند.

مخافا اینکه از مدتها پیش کوران تبلیغات مسموم امپریالیستی با نشر گسترده این اکاذیب در اشکال مختلف، همواره در حال زمینه چینی و ساختن جو مسموم و دروغینی حول این مسئله در جامعه و در سطح بین المللی بود. اما برغم جو فریبکارانه غالبی که از بابت قبول سفر این هیات به ایران، از سوی جمهوری اسلامی، تبلیغات رسانه های امپریالیستی و دوستان نادان خلق بوجود آمده بود، در حقیقت توطئه و حقایق دیگری در حال تکوین بود. چریکهای فدائی خلق در رابطه با این حقایق از ابتدا

و حتیانه زندانیان سیاسی، در شکنجه و قصابی انقلابیون و مبارزین، در "تمیز" و اعدام و تجاوز به زنان باردار و کودکان بیگناه، در اعدام ددمنشانه اسرای دربند تحت عنوان قاچاقچی و غیره و در یک کلام در سلاخی توده های دریندمیهمان حتی الامکان پنهان سازد. به اعتبار همین تلاش مذبوطانه هم بود که گزارش کنشائی این هیات با پیروختن توده های دربند و آگاه، یعنی آنها که بطور روزمره در معرض جنایات نیکتاتوری حاکم قرار نارند، مواجه گردید. بجز آن میتوان گفت که هیچ مترک دیگری جز خود همین "گزارش" موفق نمیشد سند محکومیت طراحانش و همچنین ورشکستگی مدعیان سینه چاک رعایت حقوق بشر در سطح بین المللی و همدستی آنان با رژیم خون آشام جمهوری اسلامی را بنمایش بگذارد. پیشووده نبود که این گزارش بیش از همه خود جلادان حاکم یعنی سران رژیم جمهوری اسلامی را خوب حال کرد. لیکن در میان نیروهای مخالف رژیم و گزارش هیات تحقیق یا مضمون اساس ساختگی اش، بنویسه خود به معیاری دیگر برای محک زدن بسیاری از قضاوتها بدل گشت. در تضام با این واقعیت بود که خیلی از نیروها و جریانها مدعی آزادی بار دیگر نقاب از چهره برکشیدند و نشان دادند که "دمکراسی" و معیار رعایت حقوق بشر آنها از چه قماش است و در برخورد با این مسائل در کجا ایستاده اند. اما پیش از ورود به این قسمت لازم است که یکبار دیگر در اینجا بطور اجمالی اهداف و ترازنامه واقعی سفر هیات تحقیق به ایران را مرور نموده و نشان دهیم که سفر این هیات و و رای تمامی تبلیغات گوناگون امپریالیستی برآستی در خدمت حل و پاسخگویی به کدام ضرورتها و مصالح قرار گرفت.

سفر هیات تحقیق سازمان ملل به ایران در شرایطی طرح و سپس از سوی رژیم مورد قبول قرار گرفت که در طول این سالها نام رژیم جمهوری اسلامی، بدلیل ارتکاب به جنایات و فجایع ننگین در حق توده های ستم دیده ایران، بعنوان یک

و کوران تبلیغات امپریالیستی حول آن، در پشت پرده در خدمت تحقق منافع ضد خلقی قرار گرفته است که در توضیح آن چریکهای فدائی خلق اظهار داشتند: "بسیاری سفر هیات تحقیق حقوق بشر به ایران از طرف رژیم دقیقاً در خدمت برنامه‌های قرار دارد که در جهت باطلاح عادیسازی روابط رژیم با اربابان امپریالیستش، میکوشد در بین محافل بین‌المللی برای این رژیم کسب وجهه نموده و در بین افکار عمومی جهان او را بعنوان رژیمی که دیگر از اعمال تروریستی دست برداشته است، معرفی نماید."^(۱)

و بالاخره تنها با ترک صحیح و جمع‌بندی و تحلیل، زوایای مختلف مسئله در این چهارچوب نیست و انقلابی بود که این امر بندهی مشخص میگردد که: "پیش‌وسیع این اکا نسیب باطل در مورد نتایج شگرف دیدار این هیات از ایران و قبول و ترویج آن از سوی برخی نیروهای سازمکار و ابله و مفرضین متفاوت، جز بمعنای خاک پاشیدن به‌چشم توده‌های تحت ستم و تطهیر چهره، سیاه رژیم جلاذ جمهوری اسلامی نیست و اساساً این هیات با توجه به ترکیب، نیرو و ماهیت ضد خلقی گردانندگان خویش، هرگز قادر به بررسی واقعی نقض حقوق بشر در ایران نبوده و گزارش آن حتی در بهترین حالت باز نمیتواند بازگو کننده تمام حقایق مربوط به جنایات و فجایع ننگین رژیم جمهوری اسلامی در حق زندانیان سیاسی باشد."^(۲)

اینها برخی از رئوس اساسی حقایقی بود که چریکهای فدائی خلق ایران از زمان سفر هیات تحقیق حقوق بشر به ایران تا انتشار "گزارش" این هیات، آنها را صراحتاً با توده‌های دربند میهنمان در میان گذارند و سرانجام، فرجام کار هیات تحقیق بر صحت این مواضع و اصولی بودن آنها مهر تأیید زد. در گزارش ساختگی "هیات تحقیق" بند و رقت باری واقعیت موحد بسیاری از عملکردهای جنایتبار جمهوری اسلامی در حق توده‌ها و انقلابیون، افکار شده و یا بر آنها آب تطهیر ریخته شده است.^(۳) گزارش "متحون از تلاشهای بی‌ثابته است تا چهره، خونخوار این رژیم با پرده ساتری از جعل و ریاکاری

ضمن آنکه مانور ریاکارانه رژیم جمهوری اسلامی را يك "شگرد تبلیغاتی جدید" خواندند، با تکیه بر تجربه بی‌ش از یازده سال دیکتاتور امپریالیستی جمهوری اسلامی و سابقه خونریزیهای بی‌رحمانه جلایان این رژیم، متذکر شدند که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضد خلقی خویش هیچگاه بر خلاف اوها م ابلهانه ساده‌اندیشان حاضر نیست که حتی گوشه‌ای از واقعیات دیکتاتوری سیاه خویش در سیاهچالها را صادقانه به معرض قضاوت عموم بگذارد و بر اساس شناخت صحیح و انقلابی خویش نسبت به ماهیت سرسپرده جمهوری اسلامی، از آنجا که در پشت این تاكفیک ریاکارانه رژیم، چهره منحوس امپریالیستهای را تشخص میدادند که به مؤذنه‌ترین شکلی مشغول سازماندهی موج نوین دیگری از يك کارزار مسموم تبلیغاتی برای تحمیل توده‌های آگاه ما میباشد، سرسختانه به افشای این ترغیب پرداخته و در همان زمان به توده‌های مبارز خاطر نشان ساختند که سفر هیات مزبور به "یکی از داغترین سوزهای رسانده‌های امپریالیستی تبدیل شده تا آنها بار دیگر در جهت منافع خویش و رژیم مزدورشان یعنی جمهوری اسلامی به بهره‌برداریهای ضد خلقی معینی دست بزنند."^(۴)

مضمون این تبلیغات منحرف کننده نشان میداد که: "در اغلب تبلیغاتی که حول و حوش ورود این هیات به ایران در جریان است، رسانده‌های تبلیغاتی امپریالیستی کوشیده‌اند تا سفر هیات تحقیق سازمان ملل برای دیدار از ایران را چنان وانمود نمایند که گویا رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با اعلام توافق خویش با ورود این هیات به ایران، بر این عقیده است که دیگر نمیتواند با فشار زندان، شکنجه و دیکتاتور به حاکمیت منحوس انامه دهد و میبایست از در "سازش و گفتگو" با توده‌ها و سازمانهای بین‌المللی وارد شود. در این تبلیغات، امپریالیستها به دلیل آنکه بهیچ رو قادر نیستند نشان کثیف سران رژیم جمهوری اسلامی را که تا مرفق بخون نهها هزار تن از انقلابیون و مبارزان دربند آغشته است در جنایات یکدکه، اخیر بر علیه خلقهای محروم ما ببینانند، با زیرکی خاصی میکوشند اینگونه القاء کنند که رژیم جمهوری اسلامی با قبول آمدن هیات مزبوره، دیگر در مورد سرکوب و قلع و قمع توده‌ها تغییر رویه ناده و قهر و سرکوب لجام گسیخته را به کنار نهاده است."^(۵)

مجموعه شواهد عینی مبین آن بود که قبول غیر مترقبه سفر هیات تحقیق حقوق بشر سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی

(۱) - تمامی مطالبی که در این قسمت در گیومه آورده شده یا از مقاله را نیوئی "اوج ورشکستگی جمهوری اسلامی در نقض حقوق بشر در ایران" و یا از "هیات تحقیق کمیسیون حقوق بشر و تجمع خانواده‌های رزمنده زندانیان سیاسی در برابر دفتر سازمان ملل در تهران" مندرج در پیام فدائی شماره ۳۰ نقل شده است.

اکنون زحمت "تحقیق" در باره آنها را به این هیات ناده باشد؟ بالطبع جواب این سئوالات واضح و روشن است. اگر هیات تحقیق میخواست درباره "گوشه‌ای از واقعیت عملکردهای دهشتناک دیکتاتوروی سیاه رژیم جمهوری اسلامی و متجمله قتل عام زندانیان سیاسی طهران صریحا اظهار نظر کند، آنگاه میبایست رسماً تایید کند که دژخیمان رژیم حداقل از زمان آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق تاکنون هزاران تن از رشیدترین فرزندان مردم ایران را بجرم پایداری به اعتقادات سترگ خویش و خشیانه اعدام و آنها را به جان و نیمه جان در گورها ی دستجمعی مدفون ساخته‌اند و این واقعیتی است که اصولاً نمیتواند با روح "گزارش" هیات تحقیق همگن باشد. و درست بهمین دلیل است که تنظیم کنندگان "گزارش" با دیپلماسی فریبکارانه خویش تنها به گفتن این بروغ ظاهر پسنداکتفا میکنند که "در طول ۵ ماه گذشته در ایران اعدام علنی ای انجام نگرفته است، اما احتمالاً صدها نفر کماکان در انتظار اعدام بسر میبرند."

اما "گزارش" در یاد و سرائیمهای خویش، تنها در این نقطه متوقف نمیشود. وظیفه "گزارش" این است که بکوشد تا "اتهامات" دهشتناکی مبنی بر اینکه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی انقلابیون و نیروهای مخالف خود را با بیشرمی تمام تحت عنوان "قاچاقی" و غیره اعدام میکند را هم از چهره سیاه این رژیم پاک کند. این کوشش رفیقلانه نیز در گزارش مذکور بدینصورت تجلی مییابد که: "هیات تحقیق هنوز به مدرکی که اتهامات مخالفان را در مورد اعدام زندانیان سیاسی به بهانه "قاچاق مواد مخدر تایید کند، دست نیافته است" و یا "هیات تحقیق پیرامون این اتهامات اپوزیسیون که حکومت اسلامی برخی مخالفین خود را بعنوان قاچاقچی اعدام میکند، بهیچ دلیل قانع کننده‌ای دست نیافته است و تا هنگامی که این امر اثبات نشود نمیتوان چنان اتهامی را باور کرد."

البته "گزارش" در مورد چگونگی "اثبات" این امر نیز هیچ معیاری را ارائه نمینهد و همین نکته بخوبی "اثبات" میکند که در این اظهار نظر عوامفریبانه "هیات تحقیق" هم، هدف اساسی، حتی الامکان زدودن بار مکافات و رسوائی سنگین اعدام انقلابیون زیر لوای "قاچاقچی بین المللی"

لایوستانی گردد. و بالاخره "گزارش" در مجموع خود سند نفرت انگیزی است برای قانونیت بخشیدن به جنایات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بر علیه توده‌های ستمدیده ما. رجوع به برخی از بندهای این گزارش ساختگی و مرور کوتاهی بر آنها بیش از هر دلیل دیگری حقیقت فوق را آشکار میگرداند.

"هیات تحقیق" ادعا میکند که ۵ ماه است که اعدام علنی ای در ایران صورت نگرفته، اما احتمالاً صدها نفر کماکان در انتظار اعدام بسر میبرند.

اگر از لحن دیپلماتیک و ریاکارانه‌ای که گزارش در بیان این مطلب از خود بخرج میدهد بگذریم، خود این ادعا کذب محض بیش نیست. چراکه بنا به اعتراف خود بوقتهای تبلیغاتی رژیم از تاریخ ۱۱ دیماه ۶۸ الی ۲۱ اسفند همان سال تنها ۱۶۰ تن تحت عنوان قاچاق مواد مخدره حمل سلاح و مهمات و غیره در ملاء عام اعدام شده‌اند. در ثانی "گزارش" با این بیان سالوسانه در واقع میکوشد تا از اظهار نظر و اعتراف به اعدامهای متعددی که طی این مدت توسط رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بدکل مخفیانه صورت گرفته است شانه خالی کند. تنظیم کنندگان "گزارش" اگر قصد بررسی واقعیات این جنایات ددمنزانه را نداشتند مسلماً دسترسی به گزارشات متعددی مبنی بر اعدام و حلق آویز کردن انقلابیون و مبارزین در بند طی مدت یاد شده برایشان دشوار نبود. محض نمونه تنها در فاصله آورماه در سیاهال تیریز ۶ تن از امرای انقلابی توسط دژخیمان رژیم مخفیانه اعدام شدند که نام و تاریخ اعدام آنها توسط نیروهای اپوزیسیون انتشار یافته است. بهمین اعتبار گزارش اگر میخواست با واقعیات نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی در ایران برخورد کند، میتواندست و میبایست نظایر این موارد را نیز بررسی کند. ثالثاً پرسیدنی است که مگر وظیفه "هیات تحقیق" صرفاً بررسی موارد "اعدامهای علنی" در ایران بوده است که اکنون گزارش این هیات با زیرکی خاصی تنها در این مورد آنها بدروغ اظهار نظر میکنند؟ و آیا مگر رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در طول سالها از ۱۵۰۰ زندانی سیاسی اعدام داده‌ای که هیات تحقیق ادعا میکند لیست آنها را از قبل در دست داشته و چند مورد را "علناً" از دم تیغ گذرانده که

پیش بسوی سازماندهی مسلح توده‌ها

این زندان قرون وسطائی و واقمیت شکنجه‌های ددمنانده‌ایکه بطور روزمره در قسمت‌های مختلف آن بر علیه انقلابیون و مبارزین اسیر اعمال میشود را مخدوش سازد. در این زمینه در "گزارش" آمده است که رئیس هیات هنگام بازدید از سیاه‌چال اوین از مدیر سیاه‌چال می‌خواهد که "محوطه زیر زمین" اوین را برای بازدید به او نشان دهد. مزدور مزبور در جواب وقیحانه مدعی میشود که "در اوین محوطه" زیر زمینی وجود ندارد" و تنظیم کنندگان گزارش نیز برای "اطمینان خاطر" دادن به عموم از عدم وجود جایگاهی جهت شکنجه در زندان اوین و وهم و تصور خام قلمداد کردن شکنجه‌های وحشیانه دروخیمان رژیم به‌مراه خوفناکترین ابزار و سیستم‌های مربوطه در این شکنجه‌گاه، مینویسند: "بنای زندان اوین در شیب یک محوطه" کوهستانی قرار دارد و هنگامی که از بالا به آن نگاه میشود طبقه اول پائین‌تر مینماید و بهمین جهت مردم اغلب از طبقه اول بعنوان طبقه زیر زمینی یاد میکنند." (۹۱)

براستی که "هنر" ضد خلقی "هیات تحقیق" هنگام زیر پا گذاردن بدیهی‌ترین واقعیات بمنظور توثیق چهره جلادان حاکم در تنظیم "گزارش" غارق العاده است. و درست بدلیل وجود همین عنصر است که "هیات تحقیق" می‌کوشد با انکار قسمت‌ها و بناهای مخصوص شکنجه در سیاه‌چال اوین که دروخیمان جمهوری اسلامی بطور روزمره شنیع‌ترین جنایات و شکنجه‌های خویش را در آنجا بر جسم و جان انقلابیون اعمال میکنند، در واقع سیمای کریه دستگام شکنجه و انکیزاسیون جمهوری اسلامی ضد خلقی را حتی الامکان در گزارش جعلی خویش تظہیر نماید.

اما "ماه‌کار" گزارش در خوش خدمتی به منافع و اهداف رژیم جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیست‌ها هنگامی عیان میشود که تنظیم کنندگان آن به تحلیل و اظهار نظر در باره مبارزات عادلانه مردم بر علیه جلادان حاکم می‌پردازند و به عبارت صحیح‌تر چهره آنرا آگاهانه مخدوش می‌سازند. اگر قرار است که طرح‌ریزی و اجرای سفر "هیات تحقیق" و "گزارش" آن در خدمت تظہیر سیمای کریه دیکتاتوری امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرد و اگر قرار بر این است که سالها ددمندهای آشکار رژیم در نقض بدیهی‌ترین حقوق بشر در ایران توجیه گردد، پس قاعدتا باید سالها مبارزه و مقاومت دلیرانه‌ای که از سوی توده‌های تحت ستم بر علیه این مظالم و بیعدالتیها در جریان است حتی الامکان مخدوش گردیده و انعام عمومی را نسبت به ساهیت عادلانه آن منحرف گردانید.

توسط جلادان آبرویاخته رژیم جمهوری اسلامی است. اما برای آنکه این انعامی کذب هیات تحقیق نیز بیش از پیش روشن گردد لازم است یکبار دیگر چند مورد از اینگونه اعدا‌های وحشیانه را برای "باور" تنظیم کنندگان "گزارش" ذکر کنیم. مواردی که اگر براسستی هیات تحقیق قصد "باور" و یا تحقیق جدی در مورد حقایق جنایات بیکران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را داشتند تصدیق آنها برایشان بهیچ رو تا اینحد "دست نیافتنی" نبود.

در فروردین ماه ۶۸ در منطقه هفت جنارتهران دروخیمان رژیم ۳ زندانی را که یکی از آنها فریاد میزد من قاجاقچی نیستم و دیگری نیز هویت سیاسی خود را فریاد میزد تحت عنوان قاجاقچی با جرثقیل بدار آویختند. در آبانماه ۶۸ نیز در میدان پیروزی تهران، مزدوران، یک زندانی سیاسی را که میگفت من حتی رنگ تریاک را هم ندیده‌ام، من زندانی سیاسی هستم به اتهام قاجاقچی گری خلق آویز نمودند. در بهمن ماه ۶۸ جلادان جمهوری اسلامی ۳ زندانی دیگر را بنام قاجاقچی مواد مخدر در ملا عام بدار آویختند. پسر یکی از آنها فریاد میزد پسر من قاجاقچی نیستم. پسر من زندانی سیاسی است. عین همین صحنه دلخراش در ۲۲ بهمن در شهر آمل به هنگام بدار آویختن ۲ زندانی به اتهام ساختگی قاجاق مواد مخدر تکرار شد.

اما گویا این موارد کشتار وحشیانه انقلابیون تحت نام قاجاقچی مواد مخدر توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که اخبار آن در تاریخهای نامبرده از سوی نیروهای انقلابی منتشر شده برای تنظیم کنندگان "گزارش" "مترک" قانع کننده "محبوب نمیشوند."

"ماه‌هدات" هیات تحقیق از سیاه‌چالهای قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی و بالخصوص از شکنجه‌گاه اوین نیز حاوی نکات جالبی است که بخوبی خود رنالت تنظیم کنندگان "گزارش" مزبور را هر چه بیشتر در همدستی با رژیم وابسته جمهوری اسلامی و بر علیه خلقهای تحت ستم ما بنمایند می‌گذارد.

از آنجا که در طول سالها ساهمیت جبارانه رژیم جمهوری اسلامی، هر از چندگاه مطابق هفتتفاکی از شکنجه‌گاههای این رژیم و بویژه سیاه‌چال اوین به بیرون درز کرده و تصویر کریه حکومت خونخوار آنها را در افکار عمومی و انظار بین‌المللی بنمایش گذارده است، "گزارش" کوشش مفتضحانه دیگری را نیز در این قسمت بخرج میدهد تا تصویر وحشتناک مربوط به

ستم در برابر تمذیبات رژیم جمهوری اسلامی را "مقابله گروههای تروریستی" با این رژیم خطاب میکنند، این امر بدان جهت است که ایمان تلویحا با این تحریف آشکار میخواهند اینگونه جلوه دهند که رژیم جمهوری اسلامی در برخورد با "تروریسم" است که به چنین جنایاتی در حق توده‌های تحت ستم متوسل شده و در طول سالها هزاران تن از زندانیان سیاسی قهرمان و مبارزین و انقلابیون را از دم تیغ گذرانده است. این "نتیجه" گیری است که گزارشی با خطاب عبارت "مقابله گروههای تروریستی" با رژیم جمهوری اسلامی میکوشد آنرا به خورد توده‌های آگاه و مبارز بدهد. (۱۱) تفحص در این جعل آشکار "گزارش" دو نکته مهم را پدیدار میسازد.

نخست آنکه ترتیب دهندگان "گزارش" با غرض ورزی عامدانه‌ای و مطلقا به تاریخچه آغاز "تروریسمی" که از نظر آنها جریان‌ات انقلابی و ایضا رژیم جمهوری اسلامی پرچمداران آن هستند و "گزارش" ظاهرا علم "مخالفت" با هر دوی آنها را برافراشته است اشاره‌ای نمیکند. چه، این امر مسلما به طور اولی چهره کریه رژیم جمهوری اسلامی در سازماندهی و آغاز وسیعترین موج کشت و کشتار و بگیر و ببند خلقهای تحت ستم و انقلابیون را طی چند سال اخیر با برجستگی رسوا میسازد.

همه میدانند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با وجود اینکه چند ماه بیشتر از حاکمیت ننگینش سپری نمیگشت، در اولین فرصت ممکنه با رنالت تمام ضمن یورش نظامی سیمانه‌ای، جنگ غیرعادلانه‌ای را بر خلقهای ترکمن و عرب و کرد تحمیل کرده، خانه و کاشانه آنها را ویران نمود و خون بسیاری از توده‌های بیگناه و بی‌دفاع را توسط ارتش امپریالیستی و سپاه پاسداران و غیره بر زمین ریخت و از کشته‌های آنها پشته‌ها ساخت. همه میدانند که جمهوری اسلامی ضد خلقی علاوه بر همه اقدامات جنایتکارانه - از دستگیری و بدگرد و شکار انقلابیون و توده‌ها توسط باندهای سیاه و اراذل و شکنجه آنها در خانه‌های امن گرفته، تا ضرب و شتم و کشتار مبارزین توسط حزب‌اللهی‌ها و مزدوران حرفه‌ای خویش در کنار بساط تعریبات مخالف و غیره و غیره - که بطور پراکنده ولی با شدت و رنالت تمام در حق توده‌های مبارز ما مرتکب شده بود، در ۳۰ خرداد ۶۷ یورش وحشیانه‌دیگر و اینبار بطور سیستماتیک و گسترده‌ای را بر علیه توده‌های ستمدیده سازمان داد. یورش خونین و سراسری‌ای که دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی طی آن

بنا بر این هر قدر که تنظیم کنندگان گزارش "هیات تحقیق" سعی میکنند حتی الامکان از بار جنایات و رسوائیهای رژیم در قتل و سرکوب توده‌ها در گزارشی جعلی خود بکاهند، بهمان اندازه کوشش بیخروج میدهند تا مقاومت و مبارزه گروههای مبارز مخالف رژیم را مبارزه "تروریستی" و "مقابله" یک مفت "تروریست" با جمهوری اسلامی جلوه دهند. با این سافسه آشکار است که "گزارش" بشکل زیرکانه‌ای میکوشد کثرت اعدامهای وحشیانه انقلابیون توسط رژیم جمهوری اسلامی را ناشی از "مبارزه مسلحانه" و "تروریسم" گروههای مخالف قلمداد نماید. و این درست همان حربه‌ای است که امپریالیستها و جمهوری اسلامی ضد خلقی سالهاست در مجامع بین‌المللی آنرا بدست گرفته و فریبکارانه ادعا میکنند که اعدامهای وحشیانه مخالفین در ایران از آن روست که گروهکهای "ضد انقلاب" بر علیه این رژیم دست به اسلحه برده و "قیام مسلحانه" کرده‌اند. با این توصیف است که "هیات تحقیق" نیز در "گزارش" خود ضمن "تروریست" خواندن رژیم جمهوری اسلامی - چه "گزارش" خوب میفهمد که ادعای دیگری خلاف این واقعیت آشکار، فعلا بهیچ رو ممکن نیست. - تاکید میکند که اما "گروههای تروریستی" هم هستند که با این رژیم "مقابله" میکنند.

البته منظور گزارش از "گروههای تروریستی" روشن است. عبارت "گروههای تروریستی" واژه قلب شده‌ای است که مصالح تنظیم کنندگان گزارش ایجاد میکند آنرا به انقلابیون جان بر کف و شجاعی نسبت دهند که بمنابا ره‌یغ‌ترین فرزندان خلقهای تحت ستم ما، در شرایط حیات یکی از هارترین بدکلتا توریهای امپریالیستی حاکم بر ایران، با بر گرفتن سلاح، قد برافراشته و بر علیه رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی که جز بزبان گلوله و سرکوب با توده‌ها سخن نمیگوید، به مبارزه‌ای عادلانه اما خونین برخاستند و خون آنها در چهار گوشه مملکت از سیاه‌چالها و شکنجه‌ها گرفته تا میانین اعدامه از کردستان گرفته تا بلوچستان و از جنگلهای عمال گرفته تا خیابانهای تهران و بندرعباس و غیره در یکی از تاریکترین دورانهای سلطه جبارانه قداره‌بندان حاکم و وثیقه آزادی کارگران و زحمتکشان و خلقهای ستمدیده و تحق‌قوی عادلانه آنها شده و بر گهای سزخ دیگری در تاریخ جنبش انقلابی مسلحانه خلقهای محروم ایران بر علیه دشمنان خویش را ورق زده است. بنا بر این اگر تنظیم کنندگان گزارش مفرضانه این واقعیت بدیهی را زیر پا میگذارند و مقاومت انقلابی توده‌های تحت

(۱۱) - متأسفانه کم نیستند ابلهان و ساده اندیشانی که با تئوری بردازیهایی بی محتوا با این غافله همساز میشوند.

نبوده نیز "مقابله" با تروریسم بوده است؟ قطعا خیر .
اینها برخی از آن حقایق میرهتی است که "گزارش" با
سفطه جوئی تمام بر آن نام "مقابله گروههای تروریستی" بر
علیه رژیم جمهوری اسلامی میگذارد تا بدینترتیب زمینه را
برای موجه جلوه دادن جنایات رژیم جمهوری اسلامی در نقض
حقوق بشر در ایران آماده سازد .

و اما نکته دوم اینکه تاریخ ننگین سلطه امپریالیستی
در میهن ما همچون سایر جوامع تحت سلطه با فصلهای درخشان
از مبارزات مسلحانه و عادلانه توده‌های بیباخاسته و فرزندان
انقلابیشان درهم تنیده شده است . بهمین دلیل صرف نظر از
تلاش گسترده و شدید برای سرکوب و نابودی این شکل از
مبارزه توسط دشمن، در طول تاریخ یکی از شگرنه‌های رسوای
تبلیغات امپریالیستی کوششی رقت بار برای لجن پراکنی و
مخدوش کردن سیمای عادلانه مبارزه مسلحانه بر حق انقلابیون
مسلح جان برکف بر علیه سیستم امپریالیستی موجود بوده
است .

براین اساس ما شاهدیم که همانطور که در زمان زمامداری
حکومت آمریکائی شاه، وی و اربابانش همواره مبارزات مسلحانه
جریکها و مجاهدین را ستیزه جوئی مثنی "تروریست" و "خرابکار"
و غیره مینامیدند امروز نیز رژیم جمهوری اسلامی همچون
سلف برحق خویش یعنی رژیم شاه، بیاری تبلیغات گسترده
و کاذب امپریالیستی مساعی خود را مصروف این امر میکند که
چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی مبارزه مسلحانه انقلابی
بر علیه دیکتاتوری امپریالیستی خویش را مبارزه "عده‌ای
" اشزار" و "مفاسد" و "خندین و خدا" و "تروریست" جا
بزند .

با آگاهی و در راستای این ترفند شناخته شده است که
گزارش هیات تحقیق در این زمینه شاهکار خود برای خدمتگزاری
به منافع جمهوری اسلامی را رو کرده و وقیحانه مدعی میشود که
مقاومت مسلحانه‌ای که در طول سالها بر علیه حاکمیت
امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی تداوم یافته است هم
"مقابله" گروههای تروریستی " با این رژیم بوده است .
با توجه به آنچه که مختصرا در فوق بررسی شد روشن میگردد
که هیات تحقیق با وارونه کردن خقیقانه حقایق، با جعل
آشکار ماهیت مبارزه عادلانه توده‌ها بر علیه رژیم جنایتکار

هزاران تن از مبارزین و انقلابیون و مردم بیگناه را در سراسر
میهن تحت سلطه بجرم حرکت در تظاهرات بر علیه رژیم،
دستگیر و آنها را یا در همان خیابانها به گلوله بست و یا در
بیدادگاههای چند دقیقه‌ای به مرگ محکوم و به جوخه اعدام
سپرد . در نمایش این همه رذالت رژیم سر سپرده، گیلانی
جلاد را به صحنه فرستاد و وی با وقاحت بی نظیری اعتراف کرد
که دیکتاتوری حاکم در وقایع خونین این ایام بسیاری از مردم
و از جمله کودکان نابالغ را فقط بجرم به همراه داشتن قیچی،
فلکل و غیره از دم تیغ گذرانده است .

و بالآخره همه میدانند که در پی تمامی این جنایات و
اعدامها و شکنجه‌ها و خونریزیهای رژیم جمهوری اسلامی بود که
طیفی از دلیرترین فرزندان انقلابی و مبارز خلق برای دفاع
از حیات و حقوق پایمال شده خلق خویش و مقاومت در برابر
دشمن خونخواری که جز زیان قهر و گلوله را نمیفهمید و
برای ریختن خون توده‌ها عزم جزم کرده بودند به سلاح متوسل شده
و بعنوان واکنش و حق طبیعی یک خلق تحت ستم، برای پاسخ
به قهر ضد انقلابی و سرکوب انجام گسیخته جانان حاکم بمبارزه
مسلحانه اجتناب ناپذیری برای دفاع از حقوق پایمال شده
خویش پرداختند . بنا براین تا آنجا که منظور "گزارش" از
"گروههای تروریستی" این طیف از مبارزین میباشد، باید
گفت القاء این تصور که گویا جنایات رژیم جمهوری اسلامی در
حق خلقهای ستمدیده ما در واکنش به اعمال "گروههای
تروریستی" صورت گرفت کذب محض و ریاکاری سالوسانه‌ای بیش
نیست .

از اینها گذشته آیا مگر تنظیم کنندگان این گزارش در
نقش نمایندگان سازمان ملل در گذشته بکرات اعتراف نکرده‌اند
که از مقطع پذیرش آتش بس در جنگ ارتجاعی ایران و عراق،
رژیم خون آشام جمهوری اسلامی هزاران تن از انقلابیون و
مبارزانی که سالها در جنگال شکنجه‌گرانش اسیر بوده‌اند را
از دم تیغ گذرانده و کشتار خونین دیگری را بر علیه توده‌ها
براه انداخته است؟ و آیا مگر این کشتار وحشیانه بارها مورد
"اعتراض" دولتها و مجامع بین‌المللی قرار نگرفته است؟
آیا این موج عظیم کشتار و بیهوشی و کشتار منقول وار رژیم
جمهوری اسلامی در شرایطی که پای مبارزه مسلحانه در میان

زنده یاد خلق رزمنده کرده که برای آزادی میجنگد

این "گزارش" آنقدر به مذاق سردمداران جلاذ جمهوری اسلامی خوش آمد که آنها با بزی بسیار "دمکراتیک" از زبان هرنضی موسوی سخنگوی وزارت امور خارجه رژیم، طی يك مصاحبه رادیویی اعلام کردند "نخستین دینار آقای گالین دوپل بسیار کوتاه بود و شایسته است که وی دوباره به تهران بیاید تا با قوانین اسلامی بهتر آشنا شود" (۹۱) و رفسنجانی نیز با "رضایت خاطر" در تاریخ ۱۶ اسفند ماه عنوان کرد "گزارش" نماینده ویژه سازمان ملل در مورد وضع حقوق بشر در ایران آب سردی بود که بر سر "ضد انقلاب" و دشمنان مارپیخته شد و تبلیغات دشمنان را که اعلام میکردند شرایط در جمهوری اسلامی مطابق منشور حقوق بشر نیست نقض برآب کرد.

آنچه گفته شد گویای این حقیقت است که قبول سفر این هیات و تبلیغات جهانی حول آن اساسا در چارچوب يك برنامه از پیش طرحریزی شده میگنجد که مضمون اصلی آنرا تلاش در جهت تطهیر چهره ددمنر، دیکتاتوری امپریالیستی جمهوری اسلامی در سطح بین المللی تشکیل میدهد.

ادامه دارد



حاکم، اینچنین واقعیتها و حقیقتها را نقض حقوق بشر توسط رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در حق کارگران و خلقهای تحت ستم ما را تحریف میکند. با این توصیف پرسیدنی است که آیا قبول سفر هیج "هیات تحقیقی" تا این درجه میتوانست بروشنی به رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی خدمت کند؟

اگر لحن دیپلماتیک، بیان مودبانه و دروغهای ناعیانہ و کاملاً عیان را از گزارش هیات تحقیق بزدانیم، آنگاه در زیر آن سند متعفن را خواهیم یافت که اساسا برای تقویت مواضع ضد خلقی جمهوری اسلامی ساخته و پرداخته شده است. "گزارش" بنحو بارزی تا آنجا که مقدور و امکانپذیر بوده، سعی در انکار خوارها جنایت رژیم جمهوری اسلامی در حق تودههای تحت ستم و نقض بندهای ترین حقوق شناخته شده برای "انسان" نموده است. و آنجا هم که بخاطر ابعاد رسوائیهای این رژیم در سطح بین المللی امکان تحریرهای دلخواه وجود نداشته، حتی الامکان کوشیده است تا جنایات جمهوری اسلامی را کم رنگ و آنرا تطهیر کند. بر چنین اساسی بود که

تظاهرات و تیرانه توده های مبارز ایران و ...

از صفحه ۱۶

وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جامعه و سراسر و وحشت روزافزون ایادی حکومت از ریختن نفرت عمومی و جنبی توده های تحت ستم را نشان میدهد. از جمله این نکات اینک که در طول اسفند ماه و به موازات تسلاوم تظاهرات و درگیریهای پراکنده توده های محترس با رژیم جمهوری اسلامی، مطابق اخبار دریافتی، بسیاری از آخوندها و سایر استاندیکاران و حجتزده و مشهور رژیم، در مسدد خروج از کفور بوده اند که چندین تن از آنها به همسراه خانواده هایمان با مقادیر زیادی زبور آلات گرابهسا، در نرودگاههای مهم کفور و منجمله سهرآباد دستگیر می شوند.

همچنین موج تمایل به خروج از دستگاههای سرکوبگر جمهوری اسلامی و منجمله سپاه پاسداران ضد خلقی کسه از مدتها قبل در میان مزدوران رژیم رواج داشت، در این مدت ابعاد فزاینده تری به خود گرفته و برطبق گزارشات ابعاده و اصله ایادی رژیم بویژه در سپاه پاسداران با مراجعات

مکرر به مافوقهای خود تلاش کرده اند که به هر قیمتس و حتی با پرداخت مقادیر مختلفا بیبی پول از خدمت در این دستگاهها خارج شوند. اما دست اندرکاران رژیم پشت در مقابل این موج ایستاده اند. در همین رابطه سران رنگارنگ رژیم و منجمله خامندای رهبر جمهوری اسلامی طی ماه جاری با يك سری سخنرانیها و نمایشات دیگر به شدت به تکاپو افتادند که به مزدوران بسیجی و سپاهی و ارتشی رژیم روحیه داده و این موج را کنترل کنند.

تظاهرات ماه جاری توده های دربند و مبارز مسا در تهران و شهرهای مختلف، بار دیگر نشانگر حدت یابی خشم و نفرت بی حد و حصر توده های به جان آمده بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و ورشکستگی و بی پایگی تمام عیار دیکتاتوری آنها در نزد کارگران و توده های محروم میهنمان میباشد. واقعیت عینی ای که تحت رهبری راستین کمونیستی انرژی انقلابی توده های به پا خاسته را در سیر نابودی قطعی دیکتاتوری امپریالیستی در میهن ما کاندالیزه خواهد نمود و سرانجام به نیروی قهر انقلابی خلقهای مسلح حکومتی نوین یعنی جمهوری دمکراتیک خلقی به رهبری طبقه کارگر جایگزین ویرانه های نظام سرمایه داری وابسته خواهد شد.



تظاهرات دلیبرانه توده‌های مبارز ایران و واکنشهای رژیم در قبال آن

و ضمن اینکه حتی الامکان به صفوف تظاهرکنندگان نزدیک شده‌اند و بیشتر نرسد شناسائی سازماندهندگان و فعالین اصلی برآمده‌اند. مضافاً اینکه در برخی نقاط هم، مزدوران رژیم با وحشیگری تمام بر روی تظاهرکنندگان بنزیرین پاشیده‌اند. جدا از تظاهرات ۲۷ بهمن ماه در تهران و فشرده‌ای از اخبار مربوط به تداوم حرکات اعتراضی توده‌های برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف میهنمان و همچنین واکنشهای مختلف سران و حشود رژیم نسبت به این حرکات به قرار زیر است.

پس از تظاهرات قهرمانانه توده‌ها در ۲۷ بهمن در تهران و در فاصله روزهای اول تا پنجم اسفند ماه موجی از تظاهرات پراکنده برعلیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی بار دیگر پایتخت و شهرهای تبریز، اصفهان و شیراز، همدان و ارومیه را فراگرفت. در این تظاهرات مردم به جان آمده ضمن پاره کردن عکسهای رفسنجانی و خامنه‌ای در مسواری نیز به درگیری با پاسداران رژیم پرداخته و یک ماشین دولتی را نیز به آتش کشیدند.

پس از انتشار اخبار مربوط به این تظاهرات بود که رئیس دیوان عالی رژیم، آخوند مقتدائی در تاریخ ۱۸ اسفند ماه به صحنه آمد و خطاب به قضات پیدادگاه‌های رژیم تاکید کرد که " مجازات " افراد مخل امنیت " را با سرعت بیشتری انجام داده و " اگر کسانی مخل امنیت شدند در محاکمه آنها هیچگونه کوتاهی نکنند."

چند روز پس از این تظاهرات و بار دیگر میسدان ولی عصر، تبریز و راه آهن در تهران و همچنین شهرهای اصفهان و تبریز و شیراز به صحنه تظاهرات پراکنده توده‌های معترض برعلیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و درگیری بین تظاهرکنندگان و نیروهای سرکوبگر رژیم تبدیل شد. رژیم جمهوری اسلامی پس از این تظاهرات در عین حال که هیچ خبری

طرف ماه جاری موج نویی از حرکات مبارزاتی و تظاهرات توده‌ای برعلیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و شهرهای ایران را فرا گرفت. دامنه این حرکات که از تظاهرات قهرمانانه توده‌ها در تاریخ ۲۷ بهمن ماه در ورزشگاه امجدیه و آزادی تهران برعلیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی آغاز شده بوده و وسعت یافته و متعاقباً بسیاری دیگر از نقاط میهنمان به صحنه مصاف بین توده‌های معترض و به پا خاسته و سرکوبگران رژیم بدل گردید.

همانگونه که در شماره گذشته پیام فدائی به سمعان رساندیم در تاریخ ۲۷ بهمن ماه توده‌های معترض و خشمگین پس از اطلاع از لغو مسابقه فوتبال باشگاههای تهران که قرار بود در ورزشگاههای امجدیه و آزادی انجام شود، این مساله را به مستمسکی برای اعتراض تبدیل کرده و شروع به شعار دادن برعلیه سردمداران مزدور رژیم می‌کنند. در ورزشگاه آزادی هزاران تن از مردم معترض به حرکت درآمده و علاوه بر شعارهای مرگ بر خامنه‌ای و مرگ بر رفسنجانی و شعارهایی نیز در حمایت از زندانیان سیاسی تهران و برعلیه دیکتاتوری سپاه رژیم سر می‌نهند، با این مضمون که " زندانی سیاسی آزاد باید گردد " و " ما آزادی می‌خواهیم " و همچنین تظاهر کنندگان عکسهای رهبر معسوم جمهوری اسلامی یعنی خمینی جلاد را پاره می‌کنند و ترمییرهای خود چندین ساختمان و ماشین دولتی را به آتش می‌کشند که از جمله آنها می‌توان آتش کشیدن یک هتل در حوالی بهیج شمیران را ذکر کرد.

گرچه پاسداران مزدور رژیم در بعضی نقاط با گسودن آتش به سوی توده‌های معترض و بی دفاع چندین تن از آنان و از جمله یک کودک خردسال را از پای در می‌آوردند ولی گزارشات دریافتی حاکی از آن است که در چند نقطه دیگر که تظاهرات در آنها جریان داشته، مزدوران رژیم و اکثراً از دور نظاره‌گر توده‌های معترض و به جان آمده بوده

به باخاسته تحت عنوان " اغتشاشات تهران " اشاره شد و عنوان گردید " اغتشاشات تهران تامین امنیت ملی را تحت غریبه قرار می‌دهد " پس از این اظهار نظرها بود که دولتمردان مزدور حاکم و رسانه‌های تبلیغاتی‌شان در لفافه " به " تظاهرات توده‌های به جان آمده از مظالم رژیم " اشاره کرده و روزی نامه جمهوری اسلامی در یکی از شماره‌های نیمه اول اسفند خود اگر چه تظاهرات را " شایعه " خواند برای جلوگیری از " عملیات تخریبی دشمن " هوشیاری خود را حفظ کنند.

سرانجام با تداوم درگیریها و تظاهرات پراکنده توده‌ها بر علیه رژیم در تاریخ ۱۰ اسفند ماه رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی نوری وزیر کشور جلا خود را به صحنه فرستاد و او رسماً تظاهرات قهرمانه توده‌ها بر علیه سران حکومت در تاریخ ۲۷ بهمن ماه را تأیید کرد ولی بدست بر علیه اخبار مربوط به تداوم این حرکات موضعگیری نمود . نوری گفت " تظاهراتی که در روز ۲۷ بهمن ماه گذشته صورت گرفته پایان یافت و اینکه این تظاهرات ادامه یافته صرفاً تبلیغات میباشد " وزیر کشور درمانده رژیم ادامه داد : ناآرامی‌ای بعد از جریان فوتبال در ایران روی نداده است . در همین چارچوب رهبر جدید جمهوری اسلامی نیز به صحنه آمد

و تلویحا تمامی اخبار مربوط به تظاهرات توده‌های بجان آمده بر علیه رژیم را " شایعه " خواند . خامنه‌ای گفت : در این روزها خدا میداند چقدر شایعه دروغ بدست دشمن در میان جامعه ما منتشر کردند . بنده در جریان این شایعات دائما قرار میگیرم . حتی در بعضی از شهرها ، بعضی از شایعات بوده و دشمن منتظر بود بوسیله همین رادیوها . ولی علیرغم همه این ابطال مبارزات مردم سیر خود را میبیمود . در هفته دوم اسفند ماه تظاهرات دهها هزار تن از مردم بجان آمده در مناطق متفاوت پایتخت بوقوع پیوست که طی آن توده‌هایی که سالهاست کمرشان زیر بار تعذبات اقتصادی و از جمله گرانی و بیکاری سرسام آور خم گشته است ، با طرح شعارهایی در این زمینه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سران مزدور آن شعارهایی سردادند . در میدان ۲۴ اسفند سابق ، پاسداران مزدور رژیم ، وحشیانه با گشودن آتش ، بروی جمعیت بی‌دفاع چندین نفر را زخمی کردند . همچنین در هفته دوم اسفند ماه در خیابان دکتر فاطمی ،

در این زمینه را در رسانه‌های خود منعکس نمی‌ساخت و سکوت عامدانه‌اش راجع به تظاهرات توده‌ها را حفظ میکرد ، در بسیاری از نقاط حساس و مبادی ورودی و خروجی شهر تهران تدابیر امنیتی و ضد خلقی خود را افزایش داد و از جمله به ایجاد سنگرهایی در این نقاط و استقرار هرچه بیشتر مزدوران خود در سطح شهر مبادرت ورزید . مطابق اخبار دریافتی در نیمه اول اسفند ماه نه تنها بر تعداد گشت‌های سرکوبگر رژیم در سطح پایتخت افزوده شد بلکه پاسداران رژیم در بسیاری از خیابانهای اصلی شهر تهران با استقرار خودروها و چادرهای شبانه روزی بر امر کنترل و تفتیش و اذیت و آزار توده‌های بیگناه و بویژه جوانان در معابر عمومی در ابعاد وسیعی افزودند .

در تاریخ ۵ اسفند " شورای امنیت " رژیم به مناسبت ارگانی که از بالاترین مقامات و رده‌های امنیتی و سیاسی دولت بوجود آمده ، تشکیل جلسه داد و راجع به " اوضاع کشور " به بحث و گفتگو پرداختند . به موازات این اقدامات درست در همین تاریخ رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در یک تاکتیک سرکوبگرانه کاملا آشکار به منظور بدست گرفتن کنترل هرچه بیشتر اوضاع در دست خود ، زیر لوای تشدید مبارزه با قاچاق مواد مخدر لشکرکشی دیگری را بر علیه توده‌های تحت ستم ما در تهران و سایر شهرستانها تحت عنوان مانور ظرف یک سازمان داد . در این مانور چند روزه که به نحو کاملا آشکاری با هدف تشدید کنترل و تفتیش توده‌ها و همچنین پراکندن فضای رعب و وحشت در جامعه سازمان داده شده بود ، ۱۲۰ واحد متشکل از مزدوران رنگارنگ رژیم به صورت سیار و ثابت در قریب به ۱۲۰ نقطه پایتخت مستقر شدند . و در این فاصله اخبار دریافتی موبد تشدید بی سابقه فضای کنترل و سرکوب بویژه در تهران می‌باشد .

همچنین در همین ایام سران رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی ، در حالیکه همچنان سکوت ترس‌آلود خویش را از تظاهرات ضد دولتی ادامه می‌دادند ، جلسه دیگری را تحت عنوان " جلسه مشورتی " مرکب از سرکردگان قوه قضائیه و منجمله آیت‌الله یزدی ، وزیر دادگستری و دادستان کل رژیم تشکیل داده و اظهار کردند که با کسانی که " امنیت ملی " را مورد مخاطره قرار دهند ، قاطعانه برخورد خواهد شد . در این جلسه برای نخستین بار به تظاهرات توده‌های

نقد اعدام علنی ۴ تن از مبارزین و انقلابیون این شهر در انظار عمومی را باعث صورت پذیرفت. توده‌های معترضی که توسط مزدوران رژیم برای نظاره کردن نمایش وحشیانه اعدام چهار مبارز دریند به مراسم دعوت شده بودند، با فریاد اینکه «هیچکس نباید اعدام گردد» بندوخیمان رژیم حمله کرده و ضمن درگیری با آنان خودروی شان را نیز منهدم کرده و مزدوران و حشود رژیم را وادار به گریز می‌کنند. در تداوم این حرکت توده‌های خشمگین و بجان آمده طی چند رشته درگیری که در تمام طول روز ادامه مییابد چندین بار نیروهای سرکوبگر رژیم که هر بار با تجدید قوا و سازماندهی دوباره به صفوف مردم معترض حمله می‌برند را تارومار ساختند و آنانرا مجبور به هزیمت می‌کنند. سرانجام رژیم مسزودور جمهوری اسلامی حوالی شب چندین نفر را دستگیر کرده و با خود به سیاهچالها می‌برد. مطابق اخبار واصله در روزهای بعد مزدوران رژیم به طور پنهانی چند تن از توده‌های تظاهر کننده را در شهر اعدام می‌کنند.

همچنین در هفته دوم اسفند ماه چند تظاهرات ضد دولتی دیگر در شهرهای کردستان و منجمله سردسخت و مهاباده سنندج و پیرانشهر و بانه صورت پذیرفت و مطابق اخبار دریافتی رژیم جمهوری اسلامی در طول این ماه و بدنبال این ناآرامیها نیروهای سرکوبگر بسیاری را روانه شهرهای کردستان منجمله سردسخت و نقده سنندج کرده و فضای رعب و وحشت و کنترل را در این شهرها تشدید نمود.

نیروهای کمکی رژیم در اکثر مناطق حساس و خیابانهای اصلی این شهرها مستقر شده، تعداد گشتیهای خود را در حسد جمعگیری افزایش داده و مرتباً به تفتیش و بازرسی و بازرسی بدنی توده‌ها می‌پردازند. همچنین در اکثر شهرهای کردستان از زمان وقوع تظاهرات ضد دولتی، حکومت نظامی اعلام نشده‌ای از ساعت ۹ شب به بعد به اجرا گذاشته شده است. آنچه که شرح رفت غم‌دهنده‌ای از تظاهرات دلیرانه و درگیری‌های پراکنده توده‌های تحت ستم با رژیم مسزودور جمهوری اسلامی و واکنشهای متفاوت سردمداران رژیم نسبت به این حرکات بود. اما در حاشیه این حرکات بعضی نکات قابل توجه دیگر نیز وجود دارد که بخوبی بی‌بایگی رژیم در صفحه ۱۳

میدان خرو میدان راه آهن تظاهرات پراکنده‌ای صورت گرفت که از جمله شعارهای آن «مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی» ، «مرگ بر خامنه‌ای» و «مرگ بر رفسنجانی» بود. سران و حشود رژیم نیز بدون اینکه کوچکترین اشاره‌ای به ایمن تظاهرات بکنند، با ورشکستگی تمام گزارش دادند که در این تاریخ تظاهرات وسیعی از سوی معلولین و جانبازان در حمایت از رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تهران صورت گرفته است. اما با وجود تمام ماسعی سران رژیم در لاپرواخانی تظاهرات دلیرانه توده‌ها بر علیه حکومت، در نیمه دوم اسفند ماه نیز در شهرهای تبریز و ارومیه اعتراضات و حرکات دیگری بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی صورت گرفت.

در تبریز توده‌های معترض حتی به مسجدی در خیابان تربیت این شهر حمله برده و ترو پنجره‌های این مسجد را شکستند و ختم و نفرت خود را از رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. همچنین در ارومیه نیز در حوالی ایمن تاریخ توده‌های خشمگین و بجان آمده، طی تظاهراتی بر علیه رژیم، شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» سر داده و یک هتل را آتش زدند. مزدوران رژیم و منجمله پاسداران سرکوبگر با وحشیگری تمام با توده‌های معترض درگیر شده و به قلع و قمع این حرکت و بگیر و ببند مردم پرداختند.

در تهران نیز در این تاریخ گزارشات دیگری مبنی بر درگیریهای پراکنده مردم با مزدوران رژیم در خیابان کاخ و پستی کولا انتشار یافته است. بجز موارد نسوق در طول اسفند ماه برخی گزارشات دیگر مبنی بر وقوع تظاهرات و درگیریهای پراکنده در شهرهای کرمانشاه، مراغه، نجف‌آباد انتشار یافته که برخی از رسانه‌های غربی در سطح بین‌المللی آنها را تأیید کرده‌اند.

تظاهرات در کردستان

بموازات تظاهرات متعددی که در اسفند ماه در شهرهای مختلف میهنمان صورت گرفت، کردستان نیز شاهد وقوع چند رشته تظاهرات ضد دولتی توده‌های بجان آمده بر علیه مزدوران رژیم در این ماه بود. مطابق اخبار منتشره اولین تظاهرات در شهر سنقر در تاریخ ۳ اسفند و هنگامی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی

حمایت از جنبش اعتراضی ایمنی پناهندگان و آوارگان و نیروهای انقلابی

محل تجمع:

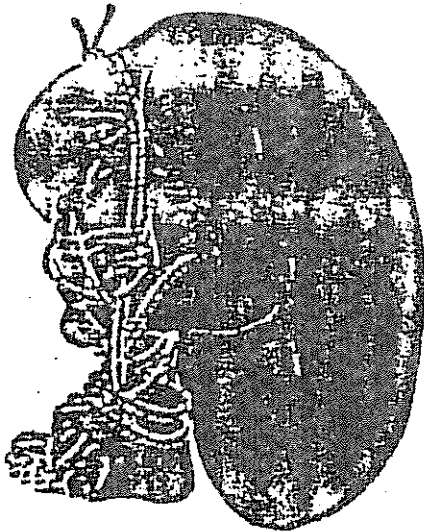
مقابل ساختمان مرکزی UNHCR

حبیان SKOUFA

تاریخ:

۹ صبح - روز چهارشنبه

۷ فوریه ۱۹۹۰



کمیته هویت برگزار کننده اکسیون

۹۰/۲/۴

زنده باد اتحاد و همبستگی مبارزاتی

پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان

پناهندگان، آوارگان، نیروهای انقلابی! نظریه تضییع حقوق پناهندگان و آوارگان در سراسر جهان و با توجه به خطر جدی استرداد پناهندگان و آوارگان ایرانی از سوی دولت های ارتجاعی ترکیه و پاکستان که پی آمد انعقاد قرارداد های شوم استرداد مهاجرین، بین این رژیمها و رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی ایران می باشد و مضافاً بر اینها، اعمال میاستهای منفعلانه و ضد پناهندگی از سوی شعب UNHCR در این کشورها، مسئله عدالت پناهندگان و آوارگان، هر روزه از اهمیت بیشتری برخوردار می گردد. طبق اخبار واصله ده تن از آوارگان ایرانی که به منظور اعتراض به میاستهای دفتر سازمان ملل در امر مهاجرت، اقدام به تعصن و اعتصاب غذا در مقابل دفتر سازمان ملل در کراچی نموده بودند، با پرداخت رشوه از سوی دفتر سازمان ملل، توسط پلیس فاشیست پاکستان دستگیر شده و روانه زندان و قیامگاهستان گردیده اند.

از سوی دیگر و با توجه به بیایه دسی شعبه UNHCR آن که دستار بیخ ابرار، عداوتها، اوظایف خود را در مقابل متقاضیان پناهندگی در حیوانات صریحاً اعلام داشته، امنیت نسبی پناهندگان و آوارگان در حیوانات نیز بدون تردید مورد تعرض قرار خواهد گرفت. با این همه، مقابله با این گونه توطئه های ضد پناهندگی، بدون هوشتیاری و اعتراض متعدهانه و پی گیری پناهندگان و آوارگان میسر نمی باشد.

بدین جهت ما، تعدادی از پناهندگان و آوارگان ایرانی در ایران در اعتراض به دستگیری پناهندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان و همچنین در پاسخ به فراخوان دانشجویی پناهندگان و آوارگان ایرانی، کراچی، پاکستان، شبی بر تبدیل یا ضرورتاً به یک کارزار وسیع تبلیغاتی بین المللی علیه توطئه استرداد پناهندگان و آوارگان پناهندگان و آوارگان آغاز کردیم تا بر اساس اتحاد و همبستگی مبارزاتی و به خاطر جلوگیری از استرداد پناهندگان و آوارگان ایرانی توسط دولت ارتجاعی پاکستان در مقابل دفتر مرکزی شعبه UNHCR آن، و نسیم و یادار چه به دفاع از جان آنان برخیزیم

گزیده‌هایی از صدای چریکها:

بنیاد جانبازان یا بنیاد غارتگران

۱۳/۱۲/۶۹

بنیاد جانبازان یکی از نهادهای غارتگر شناخته شده‌ای است که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی آنرا بتدریج و در طول سالها برای بسط هرچه بیشتر سلطه بورژوازی بوروکرات در شهر و روستا بر علیه توده‌های تحت مسم بوجود آورد و همیشه سایر ارگانهای غارت و سرکوبی کرد که از زمان رژیم شاه به ارث برده بسود.

تجربه زندگی کارگران و زحمتکشان ما تحت حاکمیت شاه رژیم جمهوری اسلامی بخوبی نشان می‌دهد که بنیاد جانبازان و نهادهایی از قماش آن نظیر کمیته اسناد امام و جهاد سازندگی و غیره برخلاف اسم پرطمطراقی و فریبکارانه‌شان نه تنها در طول سالها کمترین گامی در جهت رفع نیازهای جانبازان و مستضعفان برنداشته اند بلکه برعکس، این نهادهای غارتگر همواره ابزاری بوده‌اند در دست طبقه حاکم و رژیم

جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب زنان

۱۳/۱۲/۶۸

در طول یازده سال حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی و زنان طهران میهن ما همواره آماج یکسانی از وحشیانه‌ترین تعرضات دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر حیات و هستی شان قرار داشته‌اند. آنچه که جمهوری اسلامی در این مدت بر سر زنان ما آورده و در تاریخ کمتر رژیم ضد خلقی ای سابقه داشته است.

در طول تاریخ معاصر زن ایرانی هیچگاه تا بدین درجه زیر سرنیزه‌های خونین رژیم جمهوری اسلامی و در معرض توهین و تحقیر و بی‌حقوقی کامل قرار نداشته است. امپریالیستها که بتانسیل عظیم انقلابی و شور مبارزاتی زنان جامعه ما برای رهایی و آزادی را در حماسه‌های ۱۷ شهریورها و در جریان سرنگونی رژیم مزدور شاه بعینه دیده بودند و بعد از روی کار آوردن سگان زنجیری جنید خویش از هیچ تعدی و ظلم و ستمی برای درهم شکستن این نیروی

در صفحه ۲۲

بنهای کارگری یا تشدید غارت کارگران

۱۳/۱۲/۶۸

بنهای کارگری و یکی از ترندهای شناخته شده است که سالهاست بورژوازی وابسته و رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم منافع منافع طبقه غارتگر آن را در جهت تشدید تعرض به سرفه تنی کارگران معروف ما به کسار گرفته‌اند.

مطابق این ترنده رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی هر ماهه میالفسی از سترنج ناچیز کارگران را به جیب زده و در مقابل انعام می‌کند که برای دفاع از قدرت خرید کارگران معادل مبلغ به تاراج برده شده و به آنها احتیاج اساسی زندگی تحویل خواهد داد.

ولی تجربه سالها حیات محقت بار کارگران ما زیر دستگاه غارت و استثمار سرمایه‌داران وابسته و رژیم جمهوری اسلامی و به عینه نشان داده که بنهای کارگری نه تنها گرهی از مشکلات اقتصادی بهکران زندگی آنان را باز نمی‌کنند نه تنها قدرت خرید آنها را

در صفحه ۲۵

جمهوری اسلامی برای تشدید استثمار و غارت توده‌ها و بسط مرچه بیشتر حیطه نفوذ ضد خلقی بورژوازی وابسته زبرلوی دفاع از معلولین جنگ امپریالیستی و یا مستضعفان و غیره. در واقعیت امر بنیاد جانبازان جمهوری اسلامی ارگانی از جنس و ساخت نهادها و بنیادهائی نظیر بنیاد پهلوی زمان شاه و البته در اشکال متفاوت و برای ضرورت‌های امروزی حکومت سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم در مهن ما می‌باشند. با این تفاوت که از ۱۱ سال پیش و پس از سرنگونی رژیم شاه رژیم جمهوری اسلامی بحثا به تجلی جدید حاکمیت امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته، تنها با کمی تغییرات ظاهری و نهادین یک نام اسلامی بر همان بنیادهای غارت به‌ارث برده شده از زمان شاه کوشیده است به آنها رنگ و لعاب اسلامی زنده و گرفته آنچه که در عملکرد این گونه بنیادهای زبرحاکمیت سپاه جمهوری اسلامی هویتناست و کسب درآمدهای نجومی است که از بابت کار صدها هتل و سینما و کارخانه و کارگاه و املاک در سراسر کشور، سالانه به جیب صاحبان به اصطلاح مستضعف و جانبازان بنیاد جانبازان که کمائی جز سران دزد و فاسد جمهوری اسلامی نظیر موسوی اردبیلی‌ها، رفسنجانی‌ها و غیره نیستند ریخته می‌شود. بدون آنکه از عواید سرشار اینگونه منابع درآمد حتی کمترین گام جدی هم در رفع استضعاف میله‌یونها کارگر و زحمتکشی که جمهوری اسلامی با سازماندهی این ارگان غارتگر سنگ حمایت از آنها را بر سریده می‌زند و یار رسیدگی به اوضاع وخیم زندگی صدها هزارتن از معلولین و آسیب دیدگان

جنگ امپریالیستی برناشته شود.

آنچه که در نوبت مختصرا شرح رفت، توضیح کوتاهی برای آشنائی بیشتر توده‌های متمسکینه ما با ماهیت نهاد ضد خلقی بنیاد جانبازان می‌باشد. اما برای آشنائی دقیقتر با ماهیت و عملکرد این بنیاد رجوع به اعتراضات خودگردانندگان آن هم بی فایده نیست. در همین رابطه پرپر روز حبیبی قائم مقام بنیاد جانبازان طی سخنانی از رایوی چهره خوار دولتی و یکبار دیگر برده کوچکی از ماهیت غارتگرانه بنیاد جانبازان پرداخت. از جناب حبیبی سؤال شد که چرا هتل‌های تحت‌اناره بنیاد اینسان در جاپوس اخیرا افزایش نرخ زیادی داشته و مثلا کرایه یک اتاق دو تخته سه شبی ۲۳۰۰ تومان رسیده است؟ چون در این شرایط تنها سرمایه‌داران میتوانند از این امکانات استفاده کنند و افراد کم درآمدتر محروم می‌باشند؟

جناب حبیبی نیز به عنوان یکی از گردانندگان بنیاد غارت جانبازان با وقاحت تمام جواب داد که: "نرخ هتل‌ها رو قاعدتا برادران ما بایستی با نرخ هتل‌های مشابه در کشورهای دیگر مقایسه بکنن. ما متعدد نیستیم از هتل‌های مثل استقلال و آزادی نرخ کمتری بگذاریم یا احتمالا ضرر بکنیم و بعد یک اعتباری هم از چیزی که باید برای جانبازه‌ها بگذاریم. بگذاریم برای اداره هتل‌ها، اصولا راجع به سرمایه‌های بنیاد منجمله هتل‌ها اعتقاد ما بر اینه که ما حداکثر مجاز روبه عنوان نرخ اونجا قائلیم. درآمد این هتل‌ها رو صرف امور جانبازان بکنیم. ما اگر فرض کنید که در اون هتل‌ها بگیم بعضی از جانبازه‌های عزیز ما هم برن استفاده

بکنن یک درصد بسیار جزئی از جابه عظیم جانبازان می‌تونن استفاده بکنن نتیجه چندانیه هم به نظر من نخواهد شد. یکسری تبعات نوا هم بنظر مثل اینکه داشته باشد. بنا بر این هتل‌ها رو ما معتقدیم که باید سودآورانه بکنیم و سودی رو صرف جانبازان بکنیم. بله! بزم مزدوران فریبکاری نظیر حبیبی اگر هتل‌هایی که تحت اداره بنیاد غارت جانبازان در جاپوس قرار دارند و ظاهر هم باید در خدمت آنها قرار داشته باشند با کرایه‌های سرمام آوری معادل شبی ۲۳۰۰ تومان نراختسار " یک درصد بسیار جزئی" از سرمایه‌داران زالوصفت قرار گیرند و جانبازان رژیم کمترین استفاده‌ای هم از آنها نکنند این امر بسرای به اصطلاح بنیاد جانبازان نه تنها هیچ اشکالی ندارد بلکه جلوی یک سری "تبعات سو" راهم خواهد گرفت و اساسا بنیاد جانبازان هاین هتل‌ها را با حداکثر سود اداره می‌کنند تا هم جلوی ضرر جانبازان را بگیرد و هم عواید حاصل از آن را برای امسور جانبازان مصرف گرداند!؟ حبیبی با این فریبکاری میکوشد که اولاً ماهیت کثیف و غارتگرانه بنیاد جانبازان به مثابه ارگانی در خدمت سرمایه‌داران زالوصفت وابسترا بهوشاند و ثانیاً این فریبکاری رژیمانه خود را تحت لوای دفاع از منافع صدها هزارتن از جوانان معلول و از کار افتاده‌ای که در جریان جنگ همدتناک امپریالیستی قربانی سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی گفته‌اند و در مقابل از طرف این رژیم نام پرطمطراق جانبازان گرفته‌اند به پیش ببرند. اما این ریاکاری

از آنها انجام می‌نهد.

این اعترافات رنیلانسه تنها یکبارند. بوضوح بیشتری ماسکهای فریب و نهرنگ را از چهره کنیستف و وابسته به امپریالیسم سرنباران رژیم جمهوری اصلاحی و نهادهای و بنیادهای نظیر بنیاد جانبازان و امثالهم کنار میزنند و نشان میدهند که این بنیادها و نهادهای با نام مستضیفان برعلیه کارگران و زمینکمان، با نام جانباز برعلیه معلولین جنگ ارتجاعی ایران و عراق و الهی آخر مسئول انجام وظیفه ضد انقلابی و بیخبردی سیاستهای ضد خلقی طبقه حاکم یعنی سرمایه‌داران وابسته و تا مین منافع غارتگرانه آنها بسوده و می‌باشند. این واقعیت آشکاری است که سالیانست در پشت پرده‌های بنیادها و نهادهای غارت رژیم جمهوری اسلامی نظیر بنیاد مستضیفان، جهاد سازندگی، کمیته امداد اعطام و بالآخره بنیاد - جانبازان جریان دارد و الهی آن برای عموم، وظیفه هر یک از توده‌های آگاه و مبارز ماست.



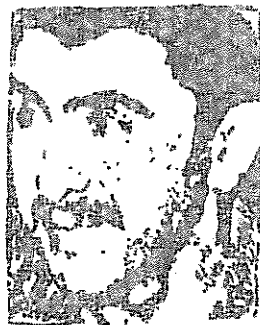
بیشتر در ارتباط با رفت و آمد است و بنیاد جانبازان مثلاً سانه تا بحال با توجه به نیازم، خود رو به من ندانند و همینطور نقاضای جواز کسب کسرم که ترتیب اثری ناده نند؟ خبیستی ریاکار در بست قائم مقام بنیاد غارت جانبازان رژیم و قیحه جواب میدهند: " راجع به خودروی اون برانره مسن خدمت شما عرض میکنم که در بنیاد تصویر شده که جانبازان بالاتر از ۷۰ درصد کلا حواله اتومبیل دریافت کنند! بله این اعترافات بیخبرمانسه صریحتر از آن هستند که احتیاجی به تفسیر و توضیح بیشتر داشته باشند.

بله بنیاد جانبازان رژیم که هر ساله از بابت سود ناشی از درآمد متلها ی عبی ۳۰۰ تومانی و میلیونها تومان به جیب میزنند حتی حاضر نیست به کسانی که در جریان جنگ امپریالیستی ایران و عراق نیمی از توانائیهای بدنی خود را از دست داده و از کار افتاده و علیل شده‌اند و حتی قدرت حرکت ندارند، حتی حواله بسک خودرو راهم بدهد در حالیکه همسسه امورات پر درآمد و غارتگرانه خویش راه اساسا با نام جانبازان و بنام دفاع

رسواتر از آن است که حتی مزدورانی نظیر خبیستی و سایر کارگردانسان بنیاد جانبازان نیز قانریه بیخبردی آن باشند. چرا که نگاه کوچکی بسه اوضاع وخیم کار و حیات صدها هزار معلول جنگ امپریالیستی، خواستهای و اعتراضات عادلانه آنها و حتی بدتر از آن آمار خودکشیهای همیسن قریبانی که بنیاد غارت جانبازان رژیم ناعیه رسیدگی و حمایت از آنها را نارد بقوی بی پرده از چهره به غایت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و بنیاد هائی نظیر بنیاد جانبازان کنسار میزنند امریکه حتی خود رنسنجانی نهمز چندی پیش دریدار با "جانبازان" ضرورانه بر آن مهسرتائید زد و اعتراف کرد که جمهوری اسلامی برخلاف تمام تبلیغاتش به اوضاع معلولین و ازکار افتادگان جنگ امپریالیستی رسیدگی نکرده است. همین واقعیت را بروی می‌توان در اراجیف جناب خبیستی نیز مشاهده کرد. در این رابطه یکی از معلولین از او توضیح می‌خواهد که چرا با وجود اینکه ۵۰ درصد از کار افتادگی نارم کنسه



چریک فدائی خلق
رفیق بیمن آژنگ



چریک فدائی خلق
رفیق عبدالکریم حاجیان سه پله

جمهوری اسلامی و تشدید...

از صفحه ۲۴

و طولانی‌راهی که زنان انقلابی ما باید با صفوفی هرچه فشرده‌تر و بیشتر در آن گام گذارند و در راه تحقق شرایط رعاشی و آزادی خویش که به امر پیروزی جنگ انقلابی و آزادیبخش کارگران و سایر توده‌های تحت ستم ما برعلیه امپریالیستها و سگسان زنجیریمان گره خورده است، مسلح برکف گیرند و بزمند.

جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب زنان

از صفحه ۱۹

مبارزاتی و خارج کردن آن از صحنه مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران خودداری نورزیدند. به اعتبار همین هدف غوم هم بود که ما شاهدیم با استقرار حکومت جمهوری اسلامی بمناب رژیم جدید منافع سرمایه داران وابسته، این حکومت منفور برای سرکوب زنان مبارز ایران آنچه از وقاحت در چنته داشته را بکار برده تا این نیروی انقلابی را از صحنه مبارزه خلق با امپریالیزم خارج کرده و پیوند مبارزاتی آنان با نهضت کارگران و زحمتکشان را بگسلد. جمهوری اسلامی از ابتدای حاکمیت منفورش با تمسک به لفافه های مذهبی و ارتجاعی و در چارچوب تأمین منافع بورژوازی وابسته در شرایط بحران به جنگ زنان آزاده ما شتافت. صدها هزار تن از زنان ما از کارخانجات و ادارات تحت لفافه ضد انقلاب و زیر پوشش مبارزه با فرهنگ غربی، بی بندوباری و فحشاء اخراج شدند و جمهوری اسلامی هیچگونه تمهیدی را در قبال تأمین زندگی آنان بعهده نگرفت. این رژیم کیسه های بیقواره ای را به زور سر نیزه تحت نام حجاب اسلامی بر زنان تحمیل کرد و با تصویب قوانین ارتجاعی ای که جز

در خدمت تأمین الزامات نظام بحران زده سرمایه داری وابسته نبوده با هزارویک طرفد سرکوبگرانه و کثیف کوشید تا بهر نحواز شرکت زنان در امور اجتماعی جلوگیری نماید. زیر سایه شوم حاکمیت امپریالیستها جمهوری اسلامی یکروز حق قضاوت را از زنان والای ما سلب کرد و روز دیگر آنها را همردیف لیواندگان و ناقص العقلها قرار داد. در یک کلام جمهوری اسلامی در طول این مدت همواره کوشیده است که از زنان آزاده ایرانی، بجای یک موجود فعال دارای شخصیت مستقل اجتماعی، بجای یک عنصر آزاده و انقلابی، موجودی تحقیر شده و بی هویت و مهمتر از آن بدون آزار برای نظام موجود بسازد که حداکثر وظیفه او پرورش روحیه تسلیم و تمکین، نخستن در کنج آسپزخانه و تربیت اطفال و مهمتر از آن عبادت در راه خدا باشد. بله! جمهوری اسلامی برای ساختن چنین شخصیتی از زنان مبارز ما از هیچ رذالت و عمل سرکوبگرانه ای خودداری نکرده است.

با توجه به این واقعیت است که اخیرا بار دیگر سران رژیم تحت لفافه مبارزه با بی حجابی و بدحجابی برصدد تدارک پرورش جدید تری به حقوق زنان

آزاده و مبارز ما هستند. در ایمن چارچوب نمایشات نماز جمعه دیروز تهران بار دیگر به صحنه فحاشی و تهدید سگان زنجیری امپریالیسم بر علیه زنان مبارز و آزاده ما تبدیل گردید. البته همانگونه که اشاره رفت در طول یازده سال گذشته توهین و تحقیر زنان با بستن اتهام فساد و فحشاء به آنان و نهایتا نیز تهدید و تشدید تعرض به آنان همواره یکی از اساسی ترین مسئولیتهای رژیم جمهوری اسلامی را در سرکوب خلقهای تحت ستم تشکیل داده است.

اما ظرف ماههای اخیر حمله به زنان و فحاشی بر علیه آنها از سوی سران جمهوری اسلامی یعنی از سوی کسانی که خود در فساد و فحشاء و قبیحکاری شهره عالمند، بویژه ایما د گسترده تری یافته است. به موازات این تلاشها آیت الله اردبیلی جلاد روز گذشته بار دیگر در مضحکه نماز جمعه تهران بخشی از اراجیف خطبه های خود را به تاختن به زنان مبارز اختصاص داد. وی گفت: مسئله حجاب، اون خانمی که حجاب اسلامی خود را حفظ می کند عفت عمومی را خدشه دار نمی کند، وضع را به هم نمی زند، زبان طعنه زنان، اشخاص طعنه زن را

خود مختاری خواست برحق خلق کرد است

به سوی ماها نراز نمی‌کنده، او نهایی که تا جویس عون رو مثل جانان حفظ میکنند، او نهایی که راههای کج نمیرن، اینها در حال عبادتن ۱۰۰۰"

اردبیلی فاسد و ریاکار پس از آنکه الگوی زن مطلوب و بی‌شطن را در فرهنگ ارتجاعی جمهوری اسلامی ترسیم کرد به سیاق همیشگی همالگی‌هایی شروع به عربده‌کشی بر علیه زنان آزاده و مبارز مانورده و گفت: «من همدار می‌دهم به اینهایی که فکر نمی‌کنند که می‌توانند این مسائل را زیر پا بگذارند.»

انام بختی برای آنکه با مثالی مفهوم آینده‌ال سرکوبگرانه مدنظر جمهوری اسلامی را زیر خورد با زنان بهتر به تماشاچیان خویش حالی کنده به جلادان حاکم بر عربستان سعودی تمسک جستند و اداسه ناده: «ببینید آقا ما یازده سال از انقلابمون گذشته، سعودی با اینکه اسلامی به عقیده ما اسلام امریکایی است، هنوز زن‌هاشون جرات نمی‌کنن سا فرآت و عاریات بیان بیرون. این همه شهید ناده شده، زن نمی‌تونه بی آرایش بیسازد بیرون؟ نمی‌تونه لباس نرست بپوشه؟»

وبالافره اردبیلی تبهکار با خط و نشان کشیدن برای زنان آزاده ما، نشان داد که جمهوری اسلامی از زنان جامعه ما انتظار دارد تا در يك کلام موجودی عزلت نشین و متعلق باشند، در کنج خانه محبوس شوند و حق کوچکترین انتخابی را در خصوصی ترین امور خود نداشته باشند، این الگوی زن مطلوب مورد نظر سران سزدوز جمهوری اسلامی است. یعنی همان زنی که بطور مثال هم اکنون زیر یکی از سیاهترین

دیکتاتورهای امپریالیستی موجود در منطقه یعنی در عربستان و زیر عدیدترین فشارها و سرکوبها، بزعم اردبیلی حتی جرات نمی‌کنند نسوخ پوشش خود را انتخاب کنند، و هر کس که از این الگو قصد تظلی هم نداشته باشد در زمره آنان اسنت که به زعم اردبیلی «راه کج» رفته‌اند.

امام جمعه تهران با این دندان نشان دادن به زنهای آزاده ماسراتجام اظهار کرد: «حتما با اینها مقابله خواهد شد» وی با وقاحت اناسه ناد که «شخصیت انسان، کرامت انسان، عزت انسان تقانا می‌کند انسان در رفتن راه مستقیم منتظر شلاق نباشه» (۹۱)

البته تهدیدات رنیلانه اسام جمعه تهران در به شلاق بستن زنان و مقابله با آنها در واقع تهدیدات رئیس قوه قضائیه رژیم بر علیه زنان در هفته گذشته را تکمیل کرده است. آیت‌الله یزدی نیز در جلسه پرسش و پاسخ روحانیون حوزه علمیه قم گفته بود: «مورد بدحجابی و مبارزه با منکرات رسیدگی به این موارد از وظایب مساف ناگاههای انقلاب است که با روشهای مختلف و طبق توانمسن موجوده با کسانی که ظواهر و شمائر اسلامی را رعایت نمی‌کننده، شدیدنا برخورد میکنند.»

همانگونه که ما بارها برای زنان آزاده و مبارز بیپنهان توضیح داده‌ایم و عربده‌کشی‌های اردبیلی نیز نشان میدهد واقیت این است که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی در طول یازده سال گذشته کوشیده‌اند تا تعرض خسود به حقوق زنان را ناشی از اعتقادات مذهبی خویش نشان دهند. به ایستن ترتیب سگان زنجیری حاکم تسلان

می‌ورزند تا با ساختن توجهات فریبنده مذهبی و دینی به خویش خویش بر علیه زنان و هرگونه مخالفت و مقاومت زنان مبارز ما بر علیه این تعدیات را نیز حداکثر متوجه عوامل فرعی‌تری نظیر دین و مذهب سازند.

به این ترتیب جمهوری اسلامی قصد دارد تا عامل اصلی ادبمار و بدبختی و بی‌حقوقی زنان یعنی سلطه امپریالیستی و نظام سرمایه‌داری وابسته را از آماج خصم و نفرت مبارزاتی زنان برخوردارده. اما زنان مبارز ما به هیچ رو نباید فریب این ریاکاریهای حاکمان وقت را بخورند و اعمال جنایت‌بار رژیم را در مورد زنان به حساب ادعاهای سران رژیم جمهوری اسلامی در مورد پای بندگی به لغافه‌های ارتجاعی و مذهبی و اسلامی بگذارند.

دشمن اصلی زنان و عامل اسارت و بی‌حقوقی آنان در درجه اول نظام اقتصادی - اجتماعی موجود یعنی نظام امپریالیستی است که توسط رژیم جمهوری اسلامی و قوای سرکوب نظام بالغافه‌های مذهبی از آن حراست و حفاظت میشود. بنابراین اینکه چرا جمهوری اسلامی تا این حد به سرکوب زنان ما اهمیت می‌دهد و چنین وحشیانه به سفت کردن زنجیرهای دست و پای آنان مشغول است، نه از اعتقاد به اسلام و مذهب بلکه از ماهیت ضد خلقی و اعتقاد راسخ این رژیم به دفاع از منافع امپریالیستها و نظام سرمایه‌داری وابسته ناشی می‌گردد. همان منافی که از ابتدای استقرار حاکمیت جدید و در شرایط تشدید رکود و بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری وابسته باعث شده

است که صدها هزار کارگر و کارمند زن که سرمایه‌داران وابسته به خاطر شرایط اقتصاد بحرانی خود به آنان نیازی ندارند، به آسانی با توجیهات منهپی و خرافاتی از کار اخراج شده و روانه گوفه آشپزخانه‌ها گردند. از سوی دیگر در حقیقت امر زنان نیمی از جمعیت جامعه تحت سلطه ما هستند. پس هرگونه یورش و تعدی حاکمیت در حق آنان به معنای سرکوب نیمی از جمعیت فعال جامعه و به همین اعتبار به معنی سرکوب نیمی از توان مبارزاتی جنبش خلقهای ما برعلیه امپریالیستها و سگان زنجیربسی میباشند. پس جمهوری اسلامی بد موازات سرکوب لجام گسیخته تمامی طبقات و اقشار خلق با سرکوب زنان تحت لفاظی‌های بی‌حجابی و بدحجابی نه تنها میکوشد سرکوب نیمی از آحاد جامعه را در این‌گونه کاتالها به پیش ببرد بلکه با تمام توان تلاش می‌ورزد در وحدت مبارزاتی پرتوان زنان و مردان جامعه شکاف بیافزاند. چنین ضروریات ارتجاعی است که امثال اردبیلی‌ها و یزدی‌ها را وادار می‌کند تا بار دیگر در نمازجمعه و سایر تریبون‌های تبلیغاتی رژیم برعلیه زنان و زیرلوی مبارزه با بدحجابی عربده‌کشی کرده و آنان را تهدید به تشدید سرکوب و علق نمایند.

اما از سوی دیگر لشکر کشی‌های اخیر جمهوری اسلامی برضد زنان درجه اول گویای یک واقعیت عریان مبارزاتی است. تناوب این عربده‌کشی‌ها و تهدیدات آنها به قول اردبیلی یازده سال پس از استقرار حاکمیت هوم جمهوری اسلامی و استفاده از تمامی

ترتفدهای سرکوبگرانه، درنجه اول نشان میدهد که جمهوری اسلامی ضد خلقی با وجود تمامی جنایات و اعمال فثاها و اذیت و آزارهای خود برعلیه زنان قادر به نیل به اهداف غموم خود در مورد درهم شکستن روحیه مقاومت و مبارزه آنان برعلیه نظام امپریالیستی موجود نشده است. بویژه اینکه باید توجه داشت که سگان زنجیری حاکم با این تهدیدات درحالی مضمحل تشدید هجوم خویش به بهانه بی‌حجابی و بدحجابی برعلیه زنان آزاده ما هستند که در تظاهرات اخیر ضد دولتی در تهران و سایر شهرها مطابق اخبار منتشره، زنان آزاده ما نقش شایسته و فعالی را برعهده داشته‌اند.

این واقعیت را در عین حال می‌توان از لابلای اظهارات زیوانه نمایندگان مزدور مجلس یافت که همین‌چندی پیش اعتراف کردند که حل مسئله بدحجابی و یا به عبارت صحیحتر حل مسئله مقاومت زنان مبارز ما در برابر تعدیات رژیم حاکم به یک مسئله غیر قابل حل بدل شده است.

با این وصف بردوش زنان آگاه و مبارز ما وظیفه بس‌خطیری قرار میگردد. زنان آزاده ضمن آنکه باید به هر طریق ممکن مقاومت و مبارزه عادلانه خویش برای آزادی و حقوق حقه شان را گسترش دهند، در عین حال باید بکوشند تا آگاهی انقلابی خود را در جریسان این مبارزه هرچه بیشتر صیقل داده و جهت جنبش و مقاومت انقلابیشان را به طرف دشمنان و عاملان اصلی ادبار و سیه‌روزی خود سازمان دهند. تا زمانی که جامعه به طبقات تقسیم می‌شود و تا زمانی که مالکیت خصوصی وجود دارد ستم بر زنان بیشتر از سایر آحاد

تحت ستم وجود خواهد داشت. همچنانکه در جامعه تحت سلطه ما به خصوص امروز که سرپای نظام حاکم برآن را بحران فرا گرفته است جدا از ستمی که از سوی امپریالیستها و سرمایه‌داران وابسته بر تمامی اقشار خلق وارد می‌شود، به زنان به خاطر ساختار و مناسبات ضد خلقی این جامعه بی‌حقوقی و ستمی بیشتر یعنی ستم مضاعف اعمال می‌گردد.

طبقه حاکم از یکسو با استعمار و غارت نیروی کار زنان زحمتکشی به آنها ستم روا می‌نارد و از سوی دیگر نیز می‌کوشد در چارچوب فرهنگ و قیودات ارتجاعی فئودالی و عقب مانده موجود و با تمسک به منهب از آنها بردگان خانگی‌ای که مجبور به فعالیت مستمر و خسته‌کننده در محیط کار و آشپزخانه می‌باشند بماند.

پس زنان آگاه و مبارز ما باید بدانند تا زمانی که این مناسبات ضد خلقی وجود دارد، تا زمانی که سلطه امپریالیسم و رژیمهای مزدوری نظیر جمهوری اسلامی از میهن ما برکنده نشده باشد و بالاخره تا زمانی که پایه‌های حاکمیتی انقلابی و نوین یعنی جمهوری دمکراتیک خلق برای گذار به سوسیالیسم و کمونیسم در جامعه ما مستحکم نشده باشد، امکان هیچگونه آزادی و رهائی واقعی و انقلابی برای زنان ما متصور نخواهد بود. تنها با استقرار سوسیالیسم در جامعه است که زنان همچون مردان از حقوق کامل خویش برخوردار شده

و قادر خواهند بود که با تمام توان در راه تکامل و پیشرفت جامعه و رهائی بشریت از کلیه قید و بندهای طبقاتی دوش به دوش مردان قدم بردارند. این راهی است بسیار دشوار

بنهای کارگری یا تشدید عارت کارگران

از صفحه ۱۹

افزایش نمی‌دهد، بلکه بالعکس ارائه این بنها به کارگران کانالی است که از طریق آن هر سال رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران زانو صفت مقادیر معتنابهی از حداقل وجبی که بابت استثمار و حیانه کارگران تحت عنوان دستمزد به آنان پرداخته‌اند را بار دیگر به جیبهای گشاد خود برگردانند. ضمن آنکه ما فعلا وارد این امر نمی‌شویم که حتی همین بنهای کنایی مسود انعای رژیم تراکتر مواقع ماههای مدید روی دست کارگران محروم مانده و کالایی به آنها تحویل داده نمی‌شود. در حقیقت امر، بنهای کارگری جلوه‌ای دیگر از ددمنشی سرمایه‌داران زالوصفت وابسته و سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارند. برای اینکه مفهوم عملی این واقعیات را وسیتر ترک کنیم بهتر است به خود بوقهای تبلیغاتی رژیم رجوع نمائیم. بوقهایی که هزار چندگاه یکبار بخاطر حدت بی سابقه معضلات کارگران محروم در حالیکه با فریبکاری تمام سنگ دفاع از کارگران را به سینه میزنند جلوه کوچکی از دردها و مشکلات بیکران آنها را بخش می‌کنند.

در تاریخ چهارم بهماه در برنامه کاروکارگر شخصی تلفنی اعتراض میکند

که "برجی ۲۰۰ تومان از ما کم میکنند. این ۲۰۰ تومان که برای یک بسن کم می‌کنند ۱ کیلو پنیر میدهند. یک بسن ۲ کیلو شیر می‌دهند اینها قیمتشان به آن ۲۰۰ تومان که از ما کم می‌کنند همیشه ۱ کیلو پنیر، ۲۰۰ تومان تمام میشه. ما می‌خواهیم بگوئیم یا مسئولین اینکار این ۲۰۰ تومان را کم نکنند یا اگر کم می‌کنند چیزی بدهند که به درد ما بخورد".

این جلوه کوچکی از واکنش کارگران در مقابل بنهای کارگری است که رژیم فریبکار و ضدکارگری جمهوری اسلامی آنرا رحمتی از سوی سرمایه‌داران وابسته برای کارگران جلوه می‌دهد. بله معلوم می‌شود قیمت اجناسی که گویا قرار است با بنها ارزان به کارگران داده شود بهار گرانتر از بازار آزاد است. مطابق آنچه از زبان کارگری در برنامه رادیوئی بخش شد با بنهای کارگری جمهوری اسلامی خرید پنیر کیلویی ۳۰۰ تومان و یا شیر بنرای کارگران کیلویی ۱۵۰ تومان تمام میشود. این است جلوه‌ای از عملکرد بنهای کارگری رژیم جمهوری اسلامی که تحت عنوان کمک به هزینه زندگی کارگران با منت تمام به آنها داده میشود. نمونه‌هایی از قبیل آنچه گفته شد بسیار است، از جمله کارگر دیگری

طی نامه‌ای به برنامه کاروکارگر رادیوی رژیم که در تاریخ سیزدهم بهماه بخش شد می‌نویسد "شما حتماً از وضع زندگی کارگران مطلع هستید و میدانید برای اینکه کمک به بهبود زندگی ما بشه و تورم ایجاد نشود بن کارگری را بعنوان قسمتی از مزد کارگر پرداخت می‌کنند و نمی‌دانیم اینرا چه کسی مطرح کرده و آیا واقعا نظرش بهبودی طبقه کارگر بود یا نظردیگری نداشت. اما اگر نظرش به نفع ما بود بایست بگویم نه تنها کمکی نیست بلکه مسئله بن و خودش در درهم شده است. حتما می‌پرسید چرا؟ شما نگاه کنید ماهی ۲۰۰ تومان کارفرما باید برای بنهای کارگری بدهد و فکر می‌کنند که بیشتر مواد زندگی ما را تامین میکنند که با این بنها ما احتیاجی به خرید نداریم. ولی واقعا اینطور نیست ببینید برای نمونه بنهای شماره ۶ و ۷ و ۱۲ ششماه اول سال و شامل ۲ کیلو نخود، ۵ کیلو برنج و ارداتی و ۱ حلب روغن نباتی بود. تمام قیمت این کالاها هم‌اکنون ۱۵۰ تومان می‌باشد در حالیکه در ازای آن ۱۸۰۰ تومان از این بابت گرفته‌اند. حالا ببینید کارگران حق دارند بگویند مزد ما کجا مسرود" در اینجا ذکر یک نکته در رابطه با صحبت کارگر مزبور لازم است، منظور از

اینکه کارفرما ماهی ۷۰۰ تومان باید بدهد اینست که کارفرما پول را از حقوق کارگران کم نموده و تحویل دولت می‌دهد تا دولت بنابر اختیار کارگران قرار دهد. کارگر زحمتکش بر اساس نامه‌اش می‌نویسد: «در یکی از روزنامه‌های هفته گذشته نوشته بود از این پولها ما برای کارگران تاجیکات ورزشی خواهیم ساخت. از قول من همه کارگران بگوئید ما را ضایع نیستیم مزی که باید صرف زندگی ما بشود صرف ساختن امکانات ورزشی شود. چه کسی این حرف را قبول دارد. ضمنا برای دریافت این کالها که نام برهم روزها و روزها را باید در صفت بر ببریم» وی در انتهای نامه با التماس می‌گوید که: «بیائید ترا خدا نامه مرا بخواند و ضمنا بگوئید این پول را به خودمان بدهند. ما بن درخواستیم»

کارگر دیگری در تماس با برنامه کذایی کاروکارگر به آشکارا ضمن به تمسخر گرفتن دولت ضد خلقی و بنهای کارگری آن می‌گوید: «والله می‌خواستم بگم که از دولت خیلی متشکریم که به فکر ماست و بسا نادن دو کیلو نخود با قیمت ۳۰۰ تومان توسط بن و کلی ما و خانواده رو مشغول کرد و ما توانستیم پس از ساعتها مشغول بودن و ۴۰۰ گرم آت و اغفال و سنگ از نخود بدست بیاریم»

سبب اعتراضات نسبت به بنهای کارگری رژیم و افشای ناهبست آن توسط کارگران به جان آمده همچنان ادامه دارد.

در تاریخ بیست و نهم آذرماه در تلفنهایی که به رانروی رژیم ویده پیش برنامه کار و کارگر می‌شود شخصی با

اعتراض به مجری این برنامه می‌گوید: «مگه نگفتی سری ۵ می‌خواد امکان کارگر زیاد بشه ۶ امکان خودمون زیاد تر شد ۷/۵ کیلو برنج نادن ۲۰۰ تومان از من و کارفرما پول گرفته در صورتیکه ۶/۵ کیلو برنج نمیشه ۲۰۰ تومان از اسال هم می‌خواد ۷۰۰ تومان بگیره» نادن بن به کارگران و کارمندان در ازای غارت مبلغی از مزد آنان، ترفند پست که سالها رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بکار بسته تا بدینوسیله بتواند هرچه به‌علاسه سر خلقهای زحمتکش و پویژه کارگران محروم میهنمان را سرکوبه نماید. رژیم مزدور جمهوری اسلامی که از هر وسیله‌ای برای به یغما بردن حاصل سترنج زحمتکشان استفاده می‌کند به برکت توزیع اجباری بن در بین کارگران و زحمتکشان و حذف مبلغ دیگری از دستمزدهای نازل آنان تاکنون مبالغ هنگفتی را نصیب سرمایه‌داران وابسته ز الوصفت و دست اندرکاران ریزودرشت خود نموده است. اما این رژیم در ابتدای کار برای اینکه بتواند پوره غارتگرانه خود زیر لافسه توزیع بنهای کارگری را در جامعه جا بیا نازد و به نیت پلید خود یعنی غارت بیشتر کارگران و زحمتکشان بنام بن‌نامه دهد بشیوه همیشگی خود به فریب و ریا متوسل گردیده

رژیم اعلام نمود که نادن بسن به جای مقداری از دستمزده فواید بیشماری دارد. از جمله اینکه کسانی که از این بن استفاده می‌کنند می‌توانند مقداری از اجناس را که می‌بایست از بازار خریداری نمایند از شرکتهای تعاونی به قیمت ارزانتری توسط بن خریداری کنند و اینکار هم کمکی

است به کارگران در جهت کاهش مشکلات زندگی خود رژیم همچنین وقیحاتی مدعی شد که توزیع بن در بین کارگران و زحمتکشان باعث می‌شود که از رشد تورم جلوگیری بعمل آید. ولی پس از گذشت مدت زمان کمی استفاده کنندگان بین مشوجه عدد نذکه اولابسیاری از این بنهای کذایی در حالیکه وجوه آنها از جیب زحمتکشان به بلااستفاده باقی می‌ماند و ثانیا اجناسی که توسط بن به آنها تحویل داده می‌شود بسیار گرانتر از قیمت معمولی است و ثالثا بن از این بن یعنی در ازای حذف مبلغی از حقوق بشور و نمیرشان و رژیم اجناسی که مورد نیازشان نیست با کیفیت بسیار پائین به آنان میدهد. این واقعیات باعث گردید که ترفند جدید رژیم زیر نام ارائه بنهای کارگری و کارمندی خیلی زود رسوا شده و چهره غارتگر سرمایه‌داران ز الوصفت و سران رژیم جمهوری اسلامی از زیر آن هویدا شود. برای این اساس اعتراضات بر علیه رژیم نیز شدت گرفت تا جائیکه امروزه دیگر هیچ کارگر و زحمتکش نیست که از بنهای فریبکارانه رژیم راضی باشد و همه خواهان حذف بن هستند.

اینها جلوه‌های کوچکی از عملکردهای ضدکارگری رژیم جمهوری اسلامی و تاثیراتی است که بنهای کارگری این رژیم بر زندگی کارگران محروم ما بجای گذشته است. این واقعیات به مثابه مشتق از خروار نشان می‌دهند که چگونه رژیم مزدور جمهوری اسلامی با ترفند بنهای کارگری و کارمندی و زیرلای کمک به قدرت خرید کارگران و زحمتکشان

به غارت دسترنج ناچیز آنان عدت می بخشد. این واقعیات نشان می دهند که چگونه رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی با به جیب زدن دسترنج کارگران تحت عنوان پرداخت بن کالاهای اساسی و چند قلم کالاهای بنجل را با کیفیت بسیار پائین و با چند برابر قیمت بازار آزاد به آنها قالب می کند. وبالآخره این واقعیات نشان می دهند که چگونه جمهوری اسلامی در شرایطی که ماهیت این عملکرد غارتگرانه اش در انظار توده ها رو شده است، برای خواباندن اعتراض کارگران و زحمتکشان و قبحخانه مدعی می شود که قصد دارد مبالغی را که از کارگران و توده های ستمدیده غارت کرده صرف ساختن تاسیسات ورزشی برای کارگرانی کند که مهم ترین معضل آنها فقر و گرسنگی دائم التزاید خود و خانواده هایشان است. این چهره واقعی بنمای کارگری و کارمندی جمهوری اسلامی و یا به عبارت صحیحتر سر جدیدی برای اخاذی و چپاول فزونتر توده های زحمتکش می باشد.

حال که بهتر با این ترند رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی آشنا شدیم، بهتر است مختصری هم درباره لفافه بافیها و توجیهات مسخره رژیم جمهوری اسلامی برای مقبول نشان دادن غارتگری خویش زیرلبی تا مین بن های کارگری بپروانیم. همانطور که از نامه های اعتراض آمیز کارگران هم برمی آید رژیم جمهوری اسلامی با تبلیغات کرکننده ادعا می کند که تحویل بن بجای بخشی از دستمزد باعث جلوگیری از تورم

و رشد آن خواهد شد. به عبارت دیگر سرمدناران زالمفت جمهوری اسلامی بسان پایه دلسوزتر از مادر برای کارگران محروم و غارت شده مانتلیغ می کنند که هر چه میزان دستمزد کارگران کمتر شده و یا ثابت بماند این امر به نفع طبقه کارگر است. جمهوری اسلامی اتفاقا با نظایر چنین عوام فریبی مسخره ای هم بود که در تمام مدت سال جاری از افزودن بر میزان دسترنج جاری نازل کارگران خودداری کرد و ایسن ددمنی خویش در حق کارگران گرسنه و بی خانمان را ردیلاته به حساب دفاع از آنان گذارد. در واقع رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی برای آنکه سرمایه داران وابسته امکان با بند تا بر عدت استثمار نیروی کار کارگران محروم بیا فزایند و اندک دستمزد پرداختی به آنان را هم با حیل هائی نظیر بن و غیره از آنان باز ستانند، در تبلیغات عوام فریبانه خویش اولاً رشد تورم در جامعه را وقیخانه ناشی از بالا رفتن دستمزد کارگران جا میزند و در ثانی مطابق همیسن اهداف غارتگرانه است که رژیم خونخوار جمهوری اسلامی قسمتی از حداقل مسزد کارگران را هم تحت عنوان بن کارگری حذف می کند تا ضمن به اصطلاح "دفاع از قدرت خرید آنان" مواظب باشد تا مبادا تورم در جامعه رشد کند! در حالی که بوج بودن ایسن تاکتیک لطائف الحیل را بیش از هر چیز خود واقعیتهای جاری نظام ستگرانه سرمایه داری وابسته و حاکمیت سیاه این رژیم روشن تر از هر ادله دیگری به اثبات میرسانند با وجود آنکه طی ۱۰ سال

حاکمیت جبارانه رژیم جمهوری اسلامی درصد ناچیزی معادل ۱۰/۵ تومان نا قابل به حداقل دستمزد کارگران اضافه شده، در عوض تورم لجام گسیخته با چنان شتاب سرسام آوری زندگی محقر میلیونها کارگر را زیربنجه های خونین خویش به سوی نابودی سوق داده که امروز پارسیمن به مرز ۸۱۰۰ رکورد جدیدی را برای حاکمیت ستگرانه جمهوری اسلامی به ثبت رسانده است.

مقایسه ساده این دو درصد بغوی نشان می دهد که رشد تورم اساساً حصول مناسبات ظالمانه نظام موجود بوده است نه ناشی از رشد ناچیز دستمزد کارگران محروم. این واقعیات یکبار دیگر نشان می دهد که چگونه رژیم فریبکار جمهوری اسلامی تحت عنوان پرداخت بن های کارگری به خاطر جلوگیری از رشد تورم و با ثابت نگه داشتن میزان حداقل دستمزد کارگران می کوشد در خدمت به امپریالیستها و سرمایه داران وابسته بار بحران نظام گندیده سرمایه داری وابسته ایران را بدوش کارگران بیاندازد و چگونه با تاراج دسترنج کارگران به اصطلاح به جنگ تورم می رود و از جیب تنی کارگران برای ایسن امر مایه می گذارد. اظهارات و اعترافات رژیم در این زمینه بیش از پیش چهره سیاستهای ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک رژیم وابسته به امپریالیسم در مقابل کارگران و زحمتکشان مایه نمایی می گذارد. حقیقت این است که امروز طبقه کارگر ایران در زیر سلطه یکی از وحشیانه ترین دیکتاتورهای بورژوازی وابسته

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

بساط دیکتاتوری سرمایه داران زالوصفت وابسته نرجیسان رشد و شکوفائی جنبش طبقه کارگر و تأمین رهبری آن بر جنگ انقلابی و رفائی بخش توندهای تحت ستم و بدست توانسای ارتش کارگران و زحمتکشان مسلح برافکنده شود و نظامی نوین و دمکراتیک که در آن کارگران به حقوق عادلانه و شایسته خویش دست یابند برقرار گردند.



بی درمان و بیگزان گریبانگیر زندگی فلاکتبار کارگران ما را حل نکرده است بلکه گرسنگی و فقر بیشتری را بر حیات آنان حاکم گردانده و به غارت و استثمار آنها توسط طبقه سرمایه داران وابسته حاکم ابعاد شدیدتری بخشیده است. به اعتبار همین واقعیت عریسان نیز هست که امروز کارگران ما اساساً بنهای کارگری رژیم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و به تمذیبات ضد کارگری اش در این باره معترضند. ولی سرانجام دیر نیست روزی که رژیم جمهوری اسلامی به همراه تمام

به حیات فلاکتبار خویش ادامه میدهد و روزی نیست که سرمایه داران زالوصفت وابسته به بهانه جدیدی و مورخ خویش به حیات وهستی مشقتبار کارگران ما را شدت بخشند. بنهای کارگری یکی از کانیهای تعدید این سوری غارتگرانه است که در کنار بیکاری سرسام آورده گرانی و تورم بی سابقه و فقر و فلاکت دائم التزائد و دهها مصیبت دیگر این نظام بردوش کارگران زحمتکش ما سنگینی می کنند. بنهای کارگری نه تنها هیچگونه بردی از دردهای

مناطق اطراف تهران میباشند. علیرغم اینکه در طی دو سال گذشته مبلغ ۴۰ هزار تومان از طرف کارگران به حساب شرکت تعاونی مسکن ریخته شده ولی تاکنون هیچ اقدامی از طرف این شرکت برای حل مشکل مسکن کارگران بعمل نیامده است. در پایان باید به این موضوع نیز اشاره کنیم که مدیریت کارخانه "تولید دارو" در خدمت به سرمایه داران زالوصفتی که انگل وار از قبل سترنج کارگران زندگی می کنند، مدت مدیدی است که از دادن مرخصی سالانه به کارگران خودناری می کنند.

نگاهی به اوضاع مشقتبار...

از صفحه ۴۸

ندارد و با فصل گرما یا سرما نیز متناسب نمیباشند. از اینرو اکثراً آنها مجبور می شوند با تحمل هزینه ای و مسائل مورد نیاز کار را، خود، راساً از بیرون تهیه نمایند. بی مبالائی در ارائه اقلام یاد شده تاکنون موجب حوادث ناگوار نیز گفته است. ذکر نمونه زیر این مورد را روشن می کند، یکبار کفشهایی در اختیار کارگران قسار ناده شد که کف آنها پلاستیکی بوده، پوشیدن این کفشها در بخش مایعات که کف سالن بدلیل ریخته شدن مایعات مختلف لیز و لغزنده می باشد باعث زمین خوردن تمام کارگران می گردید. حتی عواردی پیش می آمد که بهنگام زمین خوردن، خرده شیشه هائی به دست و صورت و چشم کارگران برود. بالاخره چنین لاقیدی در انتخاب کفش مناسب برای کارگران، حادثه ناگوار زمین خوردن یک کارگر زن را که باردار بود بدنبال آورد. حال وی پس از افتادن روی زمین بسیار وخیم شد و هنگامی که او را به بیمارستان رساندند، سقط جنین کرد و بجدهاش را از دست داد.

آنچه که شرح رفت تصویر بسیار کوچکی از شرایط کار و مصیبت کارگران محروم کارخانه "تولید دارو" تحت حاکمیت رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را نشان میدهد. وضعیت اسفبار کارگران زحمتکش "تولید دارو" نمادی از شرایط وخیمی است که سرمایه داران زالوصفت وابسته و امپریالیستها بر کارگران ایران تحمیل نموده و تحت نظام سرمایه داری وابسته ایران به غارت و استثمار شدید آنان می پردازند، بدلیل چنین حقیقتی است که کارگران ما برای اینکه زنجیرهای گران سالها اسارت و بردگی را از پای خود بگسلند، راهی جز نابودی این نظام پوسیده و جایگزین ساختن آن با نظامی نوین و دمکراتیک برای نیل به سوسیالیسم و کمونیسم نرپیترهای خود ندارند. هدف والا که تاریخ رسالت تحقق آنرا به عهده طبقه کارگر قهرمان مسافر قرار داده است.



از مسائل دیگر مربوط به کارخانه "تولید دارو" باید به مشکل کارگران در رابطه به تهیه مسکن اشاره کرده کارگران این کارخانه نیز همانند دیگر کارگران ستمدیده ایسران اجاره نشین بوده و ماهانه مجبور به پرداخت حدود ۴ هزار تومان اجاره خانه آنها در نقاطی چون شهرری و یا دیگر

” پیاد شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند “

آگاهی هر آینده با صداقت انقلابی توأم شود،

منشأ ایمانی تزلزل ناپذیر میگردد

تامل دستور ریختن خون آنها را صادر کند؛ به این گمان که با نابودی آنها راه آنها یعنی راه والای جریکهای فدائی خلق نیز نابود خواهد شد و این ” شیخ سرخ “ رخت بر خواهد بست .

اما دیگر بسیار دیر شده بود . نسیمی که از مدتها پیش و با شلیک گلوله های آتشین رزمندگان سیاهکل در بهمن ۶۹ ” جزیره ثبات و آرامش “ امپریالیستها در ایران را به لرزه در آورده بوده برغم تمامی تمهیدات و قدر قدرتیهای رژیم سرسپرده شاه ، بتدریج داشت به طوفانی بشیان برافکن تبدیل میشد و دشمن را با هیچ ترفندی یارای ممانعت از این جبر تاریخی که شهدای یازده اسفند نیز خونشان را وثیقه آن کردند نبود .

رفیق سمود و یاران او مرگ را بی هیچ تریخی و با این آگاهی والا پذیرا شدند که ” مهم این است که اسلحه ای که از دست رزمندگانه ای می افتد ، رزمندگانه ای دیگر باشد که آنرا بردارد ”

اما با شهادت رفقا موجی از ند به وزاری های سالوسانه ابورتونیستها و در راس آنها حزب خائن توده برای

به همت و فداکاری آنها آرام آرام در بطن جامعه رشد مینافت و وارد کتشد . بویژه اینکه دشمن ضد خلقی این جنایت رذیله را در شرایطی مرتکب شد که بجویی می دانست در راس این رفقا عنصر برجسته ای همچون رفیق سمود احمدزاده یکی از بنیانگذاران کبیر سازمان قرار دارد . رفیق کبیری که به خاطر درایت انقلابی و نبوغ بی نظیر خویش و با اتکا به سلاح دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم و موفق شده بود در شرایط سلطه ملید ” هیولای سنگین سرنیزه “ و حکومت ” انبوه کهنسال “ خفت و ترس و تسلیم طلبی ، سرانجام با اتکا به واقعیات جامعه تحت سلطه ماراه صحیح و عملی مبارزه با دشمن را کشف و تئوری انقلاب رهائی بخش کارگران و توده های ستمدیده ایران یعنی تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک را تدوین کرده و خود در راس تمامی یاران صلیقت در مسیر تحقق آن گام برداشته و در میدان بی بازگشت آن آگاهانه قدم بگذارد . بنا بر این وجود چنین تئوریسین بزرگ انقلابی و رفیق کبیر دیگر ، عباس مفتاحی ، به مثابه سازماندهی کم نظیر در راس شهدای یازده اسفند کافی بود تا دشمن بدون

در تاریخ سترگ جنبش نوین کمونیستی ایران ، یازده اسفند هر سال یادآور جانبازی جمعی از آگاهترین و دلیرترین فرزندان خلقهای مبارز میهنمان در راه آرمانهای رهائی بخش طبقه کارگر و توده های تحت ستم ماست .

۱۸ سال پیش در این روز سینه ستر رفقای کبیر سمود احمدزاده و عباس مفتاحی به همراه ۴ تن دیگر از پاکباخته ترین جریکهای فدائی خلق ایران ، رفقا مجید احمدزاده ، اسدالله مفتاحی ، حمید توکلی و غلامرضا گلوی ، در میدان چیتگر تهران توسط سلاحهای آمریکائی مزدوران شاه شلیک شد و خون سرخ این رهبران بیستاز و کمونیستهای اصیل و انقلابی ، داغ ننگ دیگری را بر سیمای کریه حاکمیت امپریالیستها و سگان زنجیریشان در میهن ما حک نمود .

رژیم وابسته به امپریالیسم شاه با اعدام و حبس این رفقا دشمن آنکه ترس و وحشت بی حد و حصر خود از جریکهای فدائی خلق و راه سرخ آنها را به نمایش گذارده در عین حال کودید تا ضربه سنگینی را بر ریبکر جنبش نوین و جریان بالنده ای که

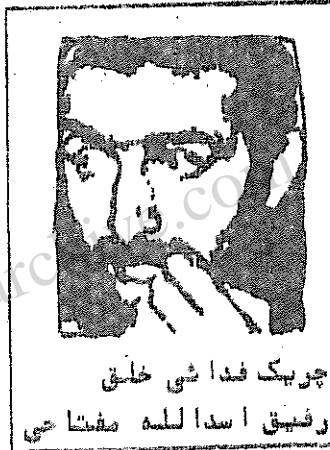
کوبیدن و تخطئه مبارزه مسلحانه بمثابه تنها راه انقلابی بسیج و سازماندهی توده‌ها و کسب قدرت سیاسی، آغاز سد حزب توده و شرکای ریز و درشتش که بنابه رسالت تاریخیشان در آن سالهای حساس سربرآوردن نخستین جوانه‌های جرات و مبارزه انقلابی برعلیه دیکتاتوری حاکم، جز اشاعه تبلیغ طلبی و معاشات جوئی با دشمن، وایفهای

و رشد جنبه نوین مسلحانه - انقلابی خلقهای ایران " دادن قربانیهای چنین گزاف اجتناب ناپذیر است " چراکه در شرایط یاس و رکود و خسود عمیقی که در اثر سالها دیکتاتوری رژیم شاه و خیانتهای بیکران حزب توده به مثابه کاریکاتوری از یسک حزب پيشاهنگ و مارکسیست، در جامعه به وجود آمده بوده جلب باور توده‌ها به پيشاهنگان انقلابی اثر جز باریختن

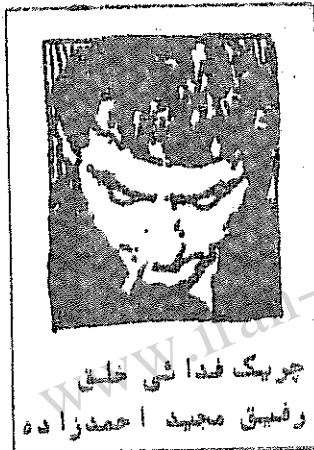
کار عظیم انقلابیشان مهم نبود و برای آنها مهم این بود که این راه پس از آنها توسط انقلابیون دیگر ادامه یابد. بر این مبنا بود که آنها می‌گفتند: ما به خلق خود و فرزندان پيشاهنگ، ایمان داریم و ضامن این ایمان خون ماست. ما جان خود را بر سر این ایمان گذاشته‌ایم. سیر رویدادها به سرعت اعجاب - آوری تجلیات درخشان این " ایمان " و " آگاهی " انقلابی را در صحنه پراتیک



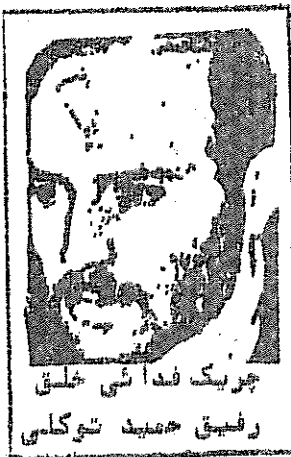
چریک فدائی خلق رفیق غلامرضا گلوی



چریک فدائی خلق رفیق اسدالله مشتاقی



چریک فدائی خلق رفیق مجید احمدزاده



چریک فدائی خلق رفیق سعید توکلی

برای خود قائل نبودند، با زست دایه نلسوزتر از مادر برای رفیق مسعود و یاران او، اشک ریختند و آنسان را " جوانان بزبور و احساساتی ای " خواندند که جانشان را بیهوده در راه مبارزه مسلحانه از دست می‌دهند. و اگر این شکل از مبارزه نبود چه بسا که از آنان " انقلابیون کبیری " برای آینده برجای می‌ماند. اما برغم تمامی این تلافی‌های خائنه حزب توده و همپالگی‌هایش که هدفی جز توجیه بی‌عملی مغرط خود و به اتلاف بسروپون انرژی انقلابی جنبه توده‌ها نداشت، شهدای یازده اسفند می‌دانستند و از مدت‌ها پیش بجاعانه اعلام کرده بودند که در مرحله حساس و ضرورت‌ساز تکوین

چنین خونهای پاک و شکوهمندی میسر نبود. بنا بر این شهادت رفیق مسعود و یاران او برغم خزعبلات اپورتونیستهای خائن و کنار گود نشینی، ناظر حزب توده نه نمایی از " غور " و " احساس " بلکه پاسخ به يك ضرورت انقلابی جامعه و حامل پیام نوینی برای خلقهای دربند در جهت مبارزه‌ای سترگ و نوین بود. و براساسی هم که بن بست مبارزاتی آن روزگار جز بسا خون بی دریغ نسلی از پاکترین جریکهای فدائی خلق به هیچ رو گشوده نمی‌گشت. بر اساس درك چنین ضرورت تاریخی ای هم بود که برای شهدای یازده اسفند زنده ماندن، خسود و بهره برداری از نقایح درخشان

به بار نشاند. تحولی که با این حرکت دوران ساز تار و بود جامعه را در تمام عرصه‌ها در نور دیده بوده، موجب رشد آنچنان جریان نوین مبارزه ای در میهن ما گشت که در طول سالها بسا وجود تمام تر فدهای دشمن و فرازونشیبهای يك دم قطع نگردید و بسیاری از فرزندان پيشاهنگ و آگاه خلق با الهام از همان " ایمان " و " آگاهی " سلاح برکف گرفتند و خواب خود را از امیربالیست‌ها و سدان زنجیریشان سلب نمودند. از سوی دیگر اگر رفیق مسعود و یاران او ایمان داشتند که در آن سالهای سیاه " قربانیهای که داده می‌شود، شهادتی که دلیرانه تا پای مرگ در برابر دشمن

مقاومت می‌کنند و اسرائیلی که قهرمانانه در برابر شکنجه‌های قرون وسطائوسی نژدیمان شاه مقاومت می‌ورزنده قطعاً باعث خواهند شد که نهال انقلاب ایران شکوفا گرده که فرزندان خلق به پا خیزند و آنگاه جنگ توده‌ای دیر یا زود آغاز گردد" سرانجام سالها پس از ریخته شدن خون پاک آنها، در پرتوراه سرخی که مسعود و یاران در این عبارات واقع بینانه ترسیم کرده بودند توده‌های به باخاسته، با پژواک پیام جریکهای فدائی خلق در قیام دلاورانه خویش و با شعارهای "ایران را سراسر سیاهکل می‌کنیم" و "تنها ره رهایی ره سرخ فدائی" طومار حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را در هم پیچیدند و بتدریج نخستین عمل‌های جنگی توده‌ای در سطوح مختلف افروزدن گرفت. ولسی افسوس که در این مدت فریبکاران با غصب نام پرافتخار جریکهای فدائی خلق و سنگر گرفتن در پشت ارزشهای والایی که بنیانگذاران کبیر سازمان و یاران آنان با خون خود پی ریزی کرده بودند میداندار شدند و نه تنها سازمان جریکهای فدائی خلق را از رهبری جنبش قدرتمند خلق در آن ایام و سازماندهی آن برای پیشرفت جنگ توده‌ای و طولانی باز داشتند بلکه از هیچ تلاشی خائنانه‌ای هم در جهت انحراف مسیر انقلابی آن به نفع دشمنان قسم خورده کارگران و توده‌های محروم دریغ نورزیدند. خیانت سازشکاران نفوذ کرده در سازمان جریکهای فدائی خلق به طبقه کارگر و خلقهای قهرمان ایران عامل بس مهمی در تحکیم قدرت رژیم مزدور جمهوری

اسلامی و سلطه یکی از هارترینس دیکتاتورهای امپریالیستی بر میهنمان بود. آنچه که در سالهای سیاه سلطه این دیکتاتور بر کارگران و سایر اقشار تحت ستم ما رفت به نوبه خود بار دیگر بر درستی و الزام تداوم "راه" شهدای یازده اسفند مهر تأیید زد و صحت این آموزه انقلابی آنها را ثابت نمود که اگر ساله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی و درهم شکستن ماشین دولتی است و مادام که چهارچوب حاکمیت امپریالیسم که اساساً بر اعمال روز افزون قهر ضد انقلابی توسط ارتش امپریالیستی و سایر زواشده متکی است - در جامعه برقرار باشد، هر رژیمی و با هر شکل و نمایی که بر سر کار بیاید جز تجلی اراده ضد خلقی امپریالیستها بر علیه توده‌های مردم نیست. به همین اعتبار نیز راه انقلاب و راه درهم شکستن قدرت ضد خلقی حاکم، جواز مسیر مبارزه مسلحانه توده‌ای و تشکیل ارتش خلق برای نابودی ارتش ارتجاع امکانپذیر نخواهد بود. "واقعیت‌های سرسخت زمینی" در طول سالها حاکمیت سیاه رژیم وابسته به امپریالیسم علی‌رغم همه تبلیغات منحرف فرصت طلبان و تلافی‌های مذبحخانه آنان بر علیه تئوری مبارزه مسلحانه، این حقیقت را بار دیگر و با برجستگی هر چه بیشتری برای خلقهای مبارز ما آشکار ساخت. همان فرصت - طلبان رنگارنگی که با جایگزینی رژیم جمهوری اسلامی به جای رژیم شاه هر یک با توشه نفرت انگیزی از رده بافی بر علیه تئوری انقلابی جنبش کارگران و توده‌های محروم یعنی تئوری مبارزه مسلحانه به میدان آمده و با بلند کردن پرچم "کار آرام سیاسی" هر یک به وسیله خود شروع بسد

فریب توده‌ها نموده و به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در تحکیم پایه‌های ضد خلقی خویش کمک‌های شایانی نمودند.

امروز ۱۸ سال پس از شهادت رفیق مسعود و یاران در غرایلی که جنبش خلق مقاوم ما از هر سو زیر تازیانه‌های وحشیانه امپریالیستها و رژیم وابسته جمهوری اسلامی قرار دارد و در غرائلی که این جنبش از درون نیز از سلطه درندک طیف رنگارنگی از اپورتونیستها و فرصت طلبان و دوستان نادان خلق رنج می‌برد، بر ماست که بکوشیم اندیشه‌های سترگ و جوهر انقلابی تفکر این شهدای پیشگام را هر چه بیشتر زنده نگاه داریم و ضمن مصون داشتن آنها از هجوم انواع تفکرات اپورتونیستی و تسلیم طلبانه، با تمام توان و وسیع خود در راستای تحقق شان تلاش ورزیم.

بر ماست که بکوشیم همچون شهدای پرافتخار یازده اسفند، با ایمان به پیروزی راه سرخ جریکهای فدائی خلق با تمامی توان و نیروی مبارزاتی خود، در هر غرایلی که قرار داریم پیگیر و خستگی ناپذیر، در جهت آرمانهای رهایی بخش آنها حرکت کنیم. بر ماست که بکوشیم به هر شکل افق روشن پیروزی را برای توده‌های آگاه و مبارز ترسیم کرده و هم‌دوش با آنها برای نابودی قطعی سلطه امپریالیسم و سگان زنجیریش و برای برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و نیل به سوسیالیسم و کمونیسم گام برداریم و راهی را که آنها با شاره‌های تابناک خون خود روشن کرده‌اند، تداوم داده و

فرصت‌ها ۳۶

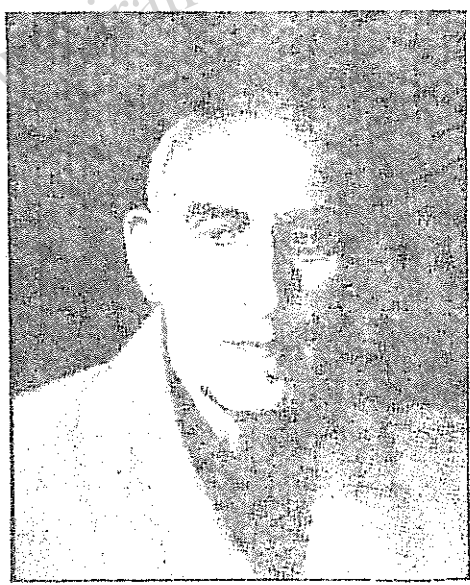


جاودان باد خاطره رفیق استالین تجسم اراده پولادین طبقه کارگر

پیرامون جنگ ایران و عراق ۰۰۰

از صفحه ۶

دست اندرکار تلافی برای ایجاد امنیت در منطقه بمشابه عوامل سدکننده پیشرفت کوششهای صلح خواهانه قلمداد میشود . امری لازم و ضروری است .
در پایان باید با تکیه بر دلائل راستین و موانع واقعی که تاکنون سد راه پایان دادن به دوره آتشی بس واعلام صلح فیما بین دو دولت ایران و عراق بوده اند و ما فوقا بدانها اشاره نمودیم - یعنی در يك کلام و بطور اختصار مصالح و منافع امپریالیستی - بگوئیم که دوام وضعیت نه جنگ و نه صلح و یا اتمام این دوره دقیقا به ایجاب مصالح و منافع امپریالیستی بستگی داشته و در گرو آن میباشد .



یساد مصدق

که در راه ملی کردن صنعت نفت و مبارزه برعلیه امپریالیسم فعالیت های ارزنده ای نموده گرامسی باد!



نشرهای پلیسی رژیم ارتجاعی پاکستان علیه پناهندگان و آوارگان ایرانی محکوم است .

مدراران پناخنده و آوارده ایرانی که به سفاکانه های بی شمار رژیم صحتی حیدری اسلامی ایران مجبور به ترک میهن خود شده اند در کشورهای پاکستان و ... در اوضاع بسیار بدی زندگی میکنند . بارها به دلایل واضحی مورد توهین و ضرب و شتم و بازداشت پلیس فاشیست پاکستان قرار گرفته اند . طبق اخبار واصله ده تن از آوارگان ایرانی که به منظور اعتراض به سیاستهای دفرمارمان ملل در امر حاکمیت اقدام به تعصن و انحصار غذا در مقابل دفرمارمان ملل در کراچی نموده بودند ، با پرداخت رشوه از سوی دفرمارمان ملل توسط پلیس فاشیست پاکستان دستگیر شده و روانه زندان و بیمارستان گردیده اند .

بدین جهت ما ، فدائیان پناخندگان و آوارگان ایرانی در پیوند در اعتراض به دستگیری پناخندگان و آوارگان ایرانی در پاکستان امروزه در پی راهی ۱۹۹۰ در مقابل دفرمارمان ملل در این اقدامات جمع نموده ایم .

زنده باد اتحاد و همبستگی سازمانی پناخندگان و آوارگان در سراسر جهان

بمناسبت گرامیداشت روز جهانی زن

مطلب زیر که از زبان يك زن پناهنده در ترکیه نقل شده در حالیکه گوشه‌ای از زندگی زنان ستمدیده ایران در ترکیه که بدلیل قرار داشتن در زیر تحقیر و توهین و تحمل فشار و تضییقات فراوان از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی از خانه و کاشانه شان آواره شده‌اند را نشان می‌دهد و در عین حال جنبه‌هایی از ستم و مظلومی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در جهت حفظ و تحکیم نظام بحران زده سرمایه‌داری وابسته ایران در حق زنان تحت سلطه و مبارز ما روا می‌نارد را نیز آشکار می‌کند.

این مطلب را از جزوه‌ای تحت عنوان " فریاد زنان ایرانی در ترکیه " که شامل مصاحبه‌های يك زن آلمانی با تعدادی از زنان آواره ایرانی در ترکیه می‌باشد در سالروز گرامی داشت روز جهانی زن با حذف قسمت‌هایی از متن کامل مصاحبه و در اینجا آوردم .

تو خیابون‌ها جرات نفس کشیدن نیست .
در قانون ، قانونی که باید حمایت
کنه؟! قانونی وجود نداشته که حمایتی
وجود ندارد ، همیشه تو سوری بوده .
تو سوری خوردن ، یا لا اقل این چند
سال این ساله بیشتر بوده . روحیه
من بخاطر اینکه فکر میکنم دارم مجسارزه
میکنم (بدنیمت) هدفم اینه که دو
تا دختر موه دو تا بچه مو در حال حاضر
خیلی کوچیکند و زنای آینده دنیا
هستن لا اقل موقعیتی ، نه مثل موقعیت
خودم برایشون جور کنم . نمی‌دونم تا چه
قدر موفق می‌شم . ولی تلاش را بعنوان
يك مادر بعنوان يك زن خواهم کرد و
آرزو میکنم که کسانیکه صدای منو
می‌شنون کمک کنن . دسامو بگورن
[گریه] نذارن توی منجالب ترکیه ناخون
بشم [گریه] . من نارم دیونه میشم .
روحیه‌ام خراب و ناخونه . ففسار

برسه . این وظیفه منه که با [بغض و
گریه] با فریاد با فریاد هام حالمو بپیم
بگم . حالا زنان ایرانی مثل من توی
ایران زیاده . خیلی زیاده ، ولی امکان
نیست ، امکانی برای فرار از این
گرداب نیست . موقعیت من ، موقعیت
روانی من ، به حدی ناخونه که فکر
میکنم ، هرکمی دیگه هم در موقعیت
من بود همین حال ، همین روحیه وشایسد
صد چندان بدتر برایش پیش می‌اومد . من
بخاطر تلاشی که در ایران بخاطر (حقوق)
زن ایرانی می‌کردم و با توجه به اینکه
در دو تا روزنامه عکس من بوده سعی
کردم همیشه حق زن بودنم را نسبت
بدیگران بدست بیاورم . زن . یعنی
انسان . فرق نمی‌کنه زن یا مرد . وقتی
حقوق بشر هست زن و مرد یکی هستنند .
متاسفانه در ایران و کشورهای امثال
ایران زن معنی ای جز يك برده (ندارد) .
يك برده‌ای که فقط و فقط يك برده‌است .

" چند وقته اینجا هستم؟ سه ماهه . سه ماه
خیلی بد . موقعیت مالییم خیلی خرابه ،
طوری که از خواهرم خواهر کردم که برام
یه مقدار پول فرستاد و منم متشکرم .
اینجا امکان کار کردن [گریه] نیست ،
هیچی . پول درآوردن ، حتی اگر آرزوی
راهم داشته باشی که بخوای کار
شراقتنندانه‌ای بکنی وجود نداره . با
دو تا بچه ، دو تا دختره دو تا زن آینده‌ای
که متاسفانه به هیچ عنوان آینده
خوبی [گریه] برایشون در ایران نمی‌بینم ،
اینجا هستم در کشوری که شاید از چند
سال پیش ایران عقب‌تره . متاسفانه
راهی را پیش گرفتم و ازین بالا می‌رم
که آخرین نامعلومه . نامعلومه ، خیلی
نامعلوم . نمیدونم صدای منو کسی
می‌شنوه؟ ولی آرزو می‌کنم بعنوان يك
زن ، يك زن ایرانی ، که در حال حاضر
مثل يك برده می‌مونه ، صدام به همه

مادی و فشار روحی وقتی بحقیقت نگاه میکنم میبینم هیچی نبوده، هیچی نداشتم. آزادی نبوده و وقتی جرات اینو ندارم که حتی حرفتو بزنم جرات اینو ندارم که انتخاب لباس بکنم و این چه زندگیه؟ البته مساله لباس پیش با افتاده است و مساله حجاب و يك مسئله ای که وقتی تو حد قانون قرار میگیری خیلی عادیه و ولی کدوم قانون؟ آیا بقیه قوانین درست هستند که آدم تعجب بکنه از این قانونمون؟ وقتی که در ایران، يك زن تار مویش بیرون باشه با شلاق روبرو میشه آیا با شلاق و زور میشه زندگی کرد؟ حق هراسناکيه که زندگی کنه، تلاش کنه، يك زندگی آرام داشته باشه. ولسی متاسفانه و متاسفانه، متاسفانه این زندگی از مازنای ایرانی گرفته شده. من تلاش میکنم، سعی میکنم و قسم میخورم اگر قدرت داشته باشم زنائی مثل خودم و یعنی زنای ایرانی در حالت بردگی نمونم. سعی میکنم که بینم (شناخت) بیشتری دنیا نسبت به ما زنها پیدا بکنه. بدونن که ما واقعا دلمون نمیخواد به این صورت برده باشیم. نمیخواهیم تو سری خور باشیم. نمیخواهیم بدبخت باشیم. روزی که از ایران میآیم آخرین روز سال گذشته بود. دم مسرز خانم عمت ساله ای را دیدم که بلندگو اعلام میکرد بانو خانم پرتو (فانیلی) را نمیدونم، خاطر نیست) بملکت بد حجابی بیست بار به شلاق محکوم شده. ابتدا فکر کردم دختری باید باشه و زمانی که آمدند حکم را اجرا کنند این خانم با شهامت [بخش] واقعا ستایش آور باید ستایش میکردیم یعنی باید بودین و میدیدین که با چه شهامت

و ایساد و گفت مدیون من هستید من دارم بی مورد شلاق میخورم و آیا کسی هست نفس بکشه؟ اعتراض کنه؟ واقعا کسی جرات نداشت. هیچکس. با تشنج اعصاب برگشتم به اتوبوس [گریه] خودم. باور کننید به اندازه دو روز تمام اعصابم ناراحت بود و هنوز فکر میکنم مسن مدیون او هستم. [گریه] مدیونم. باید صدای اونو به جهان برسونم. بیست ضربه شلاق رایك زن عمت ساله خورده فقط بخاطر اینکه تار موئی از بیرون بود. بخاطر اینکه در قانون اسلام زن پنجاه ضمت ساله ایرادی نداره مویش را نامحرم ببینه. دین باید بسا دنیا پیش بره. اگر بخوایم فقط روی دین حساب کنیم مثل برده های عهد وسطی خواهیم بود. عین غارنهنها. این چه قانونیه؟ هیچی!! دلم میخواد صداسو بشنویم. دلم میخواد واقعا تا آنجائی که امکان داره حتی اگر بمن کمک نمیکنید تلاشتون را بکنین. تلاش کنین، نگذارین زنائی مثل ما اینطور ناخسون بشن. برده وار اسیر باشن و و زنجیر بردگی بکنن. دلم میخواد برگردم ایران (ولی) دلم نمیخواد تو اون موقعیت بچه هام را بزرگ کنم. من در موقعیتی بودم که حالت روحی خیلی بدی داشتم. بملت راهبمائی ضد حجاب و شرکست کردن من در آن، از اداره منتظر خدمت شدم، شوهرم آنموقع سرباز بود. دختر کوچکم را نه ماهه باردار بودم به اداره مراجعه کردم. متاسفانه فقط با يك چیز بر خورد کردم و به مسئولین اداره گفتم: من این راهبمائی رو رفتم و کاری را که کردم قبول دارم و زیرش هم نمیزنم. این عقیده شخصی مسن بوده، برای عقیده شخصیم فعال هستم کردم و در حال حاضر شوهرم بالای

سرم نیست. دخترم یکسال و نیمه و من به شهر شیش محتاجم. شکم اونو نمیتونم سیر کنم. شوهرم در حال حاضر در جبهه داره. بخاطر این دولت میجنگه. اگر شهید بشه من جوابگوی دولت باشم هستم. جوابشون بمن این بود: شهید بشه چه ایرادی داره. این همه جوون شهید می شن و شوهر توهم روش. پول خوشو در خونه بپشت می دن. شما فکر میکنین اگر هرکس دیگری جای من بود به چه حالی می افتاد؟ واقعا به جنون کشیده می شد من با پنج تومن و پنج تا تک تومنی ایرانی اونم تو خیا بون و گریه کتان سوار ماشین شدم. راننده فکر میکرد که من موقع زایمانم و فکر میکرد که منو باید به بیمارستان برسونه. از من خواهش کردم که منو بسه منزلم برسونه، چون حال روحی خیلی بدی داشتم. باور کنین این مساله رو وقتی برای هر کس تعریف میکنم دیرونده میشه. آدم تا جای کسی نباشه نمی تونه موقعیتی را ترک بکنه. من به میرغیب بچه یکسال و نیمه ام محتاج بودم بچه دیگه رانه ماه باردار بودم که هر لحظه امکان زایمان داشتم. شوهرم بسالای سرم نبود دلواپس او بودم که توی جبهه داره میجنگه ولی جواب او نایمن بود: خوب شهید بشه چه مسالسه ای است؟ اینا پراشون زن و مرد فرق نمیکنه ولی بملت اینکه زن از نظر قدرت ضعیف تره سعی میکنن مساوی زور بیاورن. اونو زور و فشار ناخون کنن. در حال حاضر زنای ایران موقعیت خیلی بدی دارن. تو خیا بون با شوهرت داری راه مبری. گفتم که میرسه مدرکی نداشته باشی که ارائه کنی که شما زن و شوهر هستید باید

کردم و بخاطر همین هم تا اینجا خودم
کشورم.

برسه، چون واقعا با استعداده، ارزش
اینو ناره و بخاطر همین هم من تلاش



کلی جاها برین تا بتونین مدرکی روه رو
کنین - تازه شاید از مخصه نجات
پیدا کنید.

ما چیزی نمیخواهیم، ما فقط آزادی فردی
میخواهیم - ما فقط میخواهیم که دنیا
بما مثال ما نگاه کنه - شاید بشه این
فریادهائی که در سینه ما خفه شده بگوش
دنیا برسه - امیدوارم من بتونم با همین
چند دقیقه صحبت کردن حق زن بودنم را
ادا کرده باشم، و صد مویه آنجا هائیکه
باید برسه رسانده باشم.

من بر حضور دو تا فرزندم قول میدهم
تا آنجا تیکه بتونم و خون در رگ ناعنه
با هم تلاشی کنم و تلاش کنم و بهشون یاد
بدم که همچون یک زن واقعی، انسان
واقعی از حق خودشون دفاع کنند. این
حق هر کسی هست - مخصوصا حق یک زن
است که از حقش موقعیتش از شرایطش
دفاع کنه - حقیقه که نفس بکشه و باید
این حق رو بدست بیاره - حتی ترقانون
جنگل هم این حق وجود ناره که برای
نفس کشیدن تلاشی می کنند - برای زنده
بودن تلاشی می کنند.

من به دو تا دخترم یاد میدهم و باید
یاد بگیرند که خیلی بیروز بلدانسه و
سر بلند و افتخار آمیز بگن که زن
هستن - شاید من نتونم بخاطر ضعف
مالیم به موقعیت آنجانی آنها را
برسانم ولی میدونم بالاخره روزی
خواهد رسید که آنها این تلاشی مسرا
بی ارج نخواهند گذاشت - مخصوصا دختر
بزرگم که با این همه استعدادی که
من در او می بینم باید روزی زنی بشه
جزو زنان نامدار دنیا - شاید خیال
شامی باشه، شاید بمن بخت دیده و لسی
من تلاش می کنم و حقیقه که به آن مراحل

«بیاد شهدای گرانقدر ۱۱ اسفند»

از صفحه ۳۱

تا نیل به پیروزی بیمانیم. این یگانه راه اصولی و انقلابی بزرگداشت شهدای پرافتخار یازده اسفند و تمامی شهدای گرانقدر و به خون خفته خلق است.

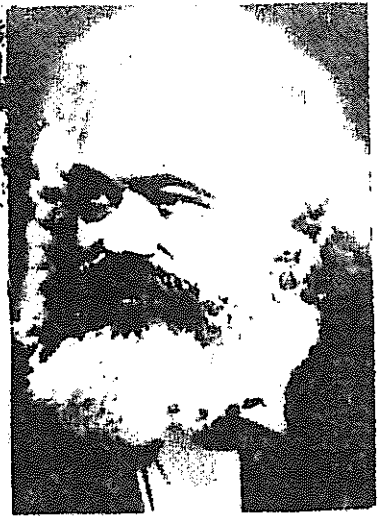
جاودان باد خاطره شهسای پرافتخار یازده اسفند

جاودان باد خاطره تمامی شهدای بخون خفته خلق

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است

مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر



جاودان باد خاطره کارل مارکس
اندیشمندی کبیر پرولتاریا
نابغهای که همه زندگی خود را
وقف رهایی کارگران از یسوع
سرمایه نمود.



گرامی باد ۱۷ اسفند (۸ مارس)

روز جهانی زن

زنان

در شرایطی که رکن سود اقتصادی حاکم بر سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران باعث اخراج های دسته جمعی کارگران، افزایش فقر و فلاکت و ستم و اجساد در جامعه ما شده، با توجیه اسلام خواهی جمهوری اسلامی پیش از همه آماج حمله قرار گرفتند.

پس

توجهات جمهوری اسلامی برای تحقیر و توهین زنان و تحمیل قید و بندهای فئودالی بردست‌ویای آنان در خدمت امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته قرار دارد.

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۷/ اسفند/ ۱۳۶۸ (۸ مارس)



گرامی باد ۸ مارس (۱۷ اسفند)

روز جهانی زنان

مبارزه و زخم‌کشش

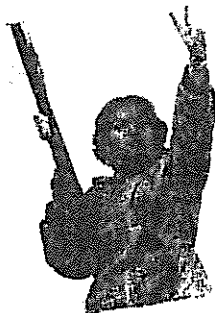
در راه آزادی زنان

دروغ به زنان مبارز ایران که

هرگز تسلیم زورگوشی های رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی نشده و دوشادوش مردمان برای رهایی از قید امپریالیسم و مکان زنجیرش مبارزه می‌کنند.

با ایمان به پیروزی راهمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۷/ اسفند/ ۱۳۶۸ (۸ مارس)



اخبار و

گزارشهای خبری

بداصلاح نماینده مردم سرخس و فریمان در مجلس شورای اسلامی خطاب به همپالگهای خود گفت: "مردم سرخس به لقمه نان خشک قناعت کرده اند ولی بعضی از آقایان که فکر می کنند این مشکلات را می توانند با سرکوب کردن مردم و ایجاد رعب و وحشت حل کنند سخت در اشتباهند" او در طس این سخنان آشکار نمود که عده ای از اهالی زحمتکش سرخس که بدلیل شرایط و خامت بار زندگی خود لب به اعتراض گشوده و گفته اند "ما گرسنه ایم زمین می خواهیم، ما گرسنه ایم نان می خواهیم" توسط دادستان عمومی مشهد دستگیر و زندانی شده اند.

- در ادامه دعاوی مالی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و شوکت های امریکائی که خارج از دادگاه لاهه مورد بررسی قرار می گیرد، رژیم مجبور به پرداخت ۹۲ میلیون دلار غرامت به شرکت امریکائی فیلیپس شده است. - در تاریخ ۱۶/۱۶ در شرایطی که نرخ تورم بنا به آمار رسمی به ۱۰۰٪ رسیده و فریاد اعتراض کارگران نسبت به شرایط فلاکت بار زندگی خود در همه جا طنین انداخته است، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی روزانه ۱۷ تومان به حداقل دستمزد کارگران اضافه نمود و به این ترتیب حداقل دستمزد کارگران به جای ۸۳ تومان به ۱۰۰ تومان تعیین شد.

- ظرف روزهای اسفند ماه تخت وزیر ترکیه در راس یک هیأت بلند پایه وارد تهران شد. در طی ملاقات های هیأت مزبور با سردمداران رژیم جمهوری اسلامی طرفین خواهان گسترش روابط خود در همه زمینه ها شدند و در زمینه مبادلات اقتصادی، پروتکلی را به امضاء رساندند. براساس این مبادلات اقتصادی بین ایران و ترکیه ۱/۵ تا ۲ میلیارد دلار افزایش می یابد.

- در تاریخ ۱۳ اسفند رفسنجان در جمع عده ای از فرماندهان نیروی زمینی ارتش تاکید کرد که "ارتش حتی باید در زمان صلح پایدار هم دائما در آموزش و حفظ آمادگی بسر ببرد و کشوری می تواند از حق خود دفاع کند که دارای قدرت باشد" او در حالیکه در طول سالها میلیاردها دلار از درآمد مملکتی به کام ماشین جنگی و سرکوب رژیم ریخته شده و قبحانه از سخنان خود صرف مبالغ بازم بیشتر برای قوای سرکوب و قرار دادن امکانات مختلف در اختیار نیروهای نظامی را نتیجه گرفت و گفت "این امر ما را و انار می کند تا بخشی از امکانات مادی و اقتصادی و انسانی کشور را صرف کسب قدرت نظامی بکنیم"

- رئیس سازمان عفو بین الملل "بیته دانی" اخیرا اعلام نمود که رژیم جمهوری اسلامی تنها در سال میلادی گذشته ۱۵۰۰ نفر را بدون محاکمه اعدام نموده است. - در طی ماه جاری رژیم به اعدام ۶۹ نفر دیگر تحت عنوان اشرار و قاچاقچی اعتراف نمود. مطابق گزارش دادستانی کل کشور ۳۹ تن از این تعداد در شهرهای گنبد، ملایر، شاهرود، تربیت جام، خیراز، قم، نهابور، سنجان و بوشهر بم، گرمسار و گرگان در ملا عام بدار کشیده شدند. لازم به یاد آوری است که در سه ماه اخیر حدود ۱۶۰ نفر به عناوین مختلف و به شیخ ترین وجهی نظیر سنگسار، گردن زدن یا شمشیر و بدار کشیده شدن و غیره از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ملا عام اعدام شده اند.

- در اثر بارندگی شدید سیل مهیبی بخشها و روستاهای شهرستان میناب را فراگرفت و خسارات فراوانی به توندهای محروم این منطقه وارد ساخت. در اثر این سیل بیش از ۲۰۰۰ هکتار از زمینهای مزروعی دهقانان محروم این منطقه به ۱۰۰ حلقه چاه آب، ۵۰ هزار راس دام، یکصد هکتار باغ مرکبات و همچنین بسیاری از منازل مسکونی اهالی محروم این منطقه از بین رفت. هنوز تعداد کسانی که در اثر این سیل مهیب و بدلیل فقدان امکانات و موانع جلوگیری از خطرات سیل قربانی شده اند معلوم نیست. رادیسوی رژیم خسارت وارده به مردم را ۵۷۰ میلیون ریال ذکر کرد. - در اثر شدت فقر و تنگدستی در برخی از نقاط ایران خانواده های تهی دست برای ۲ فرزند مدرسه روی خود تنها یک کفش تهیه می کنند، فرزندی که دانش آموز شیفه صبح است باید ظهر با عجله به خانه برگردد و کفش خود را به برادر یا خواهرش بدهد تا او بتواند به شیفه بعد از ظهر مدرسه برسد.

را در اردن برعلیه رژیم حاکم بر این کشوره بوجود آورد.

- در طی روزهای نیمه اول اسفند ماه در جریان مانور ظفر یک، مزدوران رژیم اقدام به دستگیری صدها تن تحت عنوان معتاد در سطح شهرها نمودند. در ضمن اعلام شد که ۴۰۰ تن از معتادان به اردوگاهی در آستارا تبعید شدند.

- دیوان ناوری لاهه رسیدگی به یک پرونده دیگر از موارد اختلاف مالی بین جمهوری اسلامی و شرکت های غارتگر امریکائی را که ظاهراً به نفع ایران بوده به تصویب انداخت. در این پرونده مشخص شده است که شرکت امریکائی سازنده بی سیم های نظامی محکوم به پرداخت ۳۶۰۰۰۰۰ دلار خسارت به ایران شده است. دیوان عالی لاهه بدلیل امتناع شرکت امپریالیستی مذکور از پرداخت این مبلغ و طرح ایسین ادعا که ایران با متوقف ساختن پرداخت بهای تجهیزات دریائی خود، قرار دادی را نقض کرده از رسیدگی بد این پرونده خودداری کرد.

- طبق اخبار منتشره چندی پیش کارخانه لیفتراک سازی تبریز که کارگران و کارکنان آن به ۵۵۵ نفر می رسد، شاهد اعتصاب غذای کارگران مبارز این کارخانه بود.

اعتصاب غذای کارگران زحمتکش این کارخانه در اعتراض به سیاست های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و از جمله کسب حقوق صورت گرفت. اعتصاب پس از آنکه مدیر عامل وعده رسیدگی به خواستهای کارگران را ناد بعد از ۲ روز پایان یافت.

- در شرایط رشد روزافزون مبارزات توده ها و کشیده شدن مبارزات به پهنه خیابانها، بحث در مجلس ضد خلقی شورای اسلامی پیرامون اثرات سیاست اخاذی از توده ها و سرکشیه کردن آنان جهت تامین هزینه های دولتی و جبران کسری بودجه و همچنین "حفظ امنیت اقتصادی و حیثیتی مردم" بالا گرفت. در این رابطه در تاریخ ۱۶ اسفند یکی از نمایندگان گفت: "دولتمردان هرچه زودتر باید نسبت به کاستن فشاری که فعلاً بر دوش قشر نارای درآمد ثابت است و تدبیری بیاندیشند" و یادآور شد که "برعکس گرسنه و عالم فقر هیچ تبلیغی و هیچ کار فرهنگی نتیجه مطلوب نمی دهد. دولت نباید به بهانه تامین هزینه ها بر فشارهای منفسی و صنعتی مثل عوارض شهرناریها و صدها چیز دیگر مرتب بیافزاید"

- امسال نیز تهیه حداقل سوخت مورد نیاز توده ها

- پس از گذشت بیش از یکسال از قطع شدن جنگ ارتجاعی و جنایت بار ایران و عراق، اخبار منتشره یکبار دیگر از معاملات اسلحه فیما بین رژیم جمهوری اسلامی و شرکت های امپریالیستی که از قبل این جنگ سودهای سرشاری بردننده برده بر می دارند. در این رابطه اخیراً فاش شد که یک شرکت بزرگ در اتریش در سالهای جنگ بین ایران و عراق مرتباً ساز و برگ جنگی در اختیار مزدوران جمهوری اسلامی قرار میداده است. از جمله در طی سالهای ۶۵ و ۶۶ این شرکت دو محموله بزرگ به ایران فرستاده است.

- با تداوم تظاهرات و اعتراضات توده ها رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در هراس از تشدید و وسعت یابی مبارزات مردم به استقرار پاسداران در نقاط حساس و اصلی تهران پرداخت. در این نقاط پاسداران اقدام به برپائی چادرهایی نموده و واحدهای مسلح خود با خودروهای مربوطه اشان را به طور شبانه روزی در آنجا مستقر ساختند. آنها در تمام ملت به تفتیس و بازرسی پرداخته و بویژه جوانان را مورد بازرسی قرار میدهند.

- آقازاده رئیس تشکیلات قضائیه استان آذربایجان شرقی در واکنش به تظاهرات بی باکانه اخیر مردم مبارز تبریز برعلیه رژیم با عربده کشی اعلام کرد "با کانی که بخواهند امنیت جامعه را مختل سازند، شدت برخورد خواهد شد" و در خطاب به زنان آزاده به بهانه تأکید بر لزوم مبارزه با به اصطلاح بد حجابی گفت "با اینگونه افراد شدت برخورد داده و هیچگونه اغماضی در این زمینه صورت نخواهد گرفت".

- در تاریخ ۲۰ اسفند یک هیأت ۷۰ نفره تحت نام فدراسیون سازمانهای اقتصادی ژاپن وارد تهران شدند. رئیس این هیأت در دینار با ولایتی وزیر امور خارجه و آمادگی حرکت های امپریالیستی ژاپنی را جهت مشارکت در بازسازی و اجرای برنامه پنجساله رژیم اعلام نمود.

- اخیراً فاش شد که هیأتی از کارشناسان بانک جهانی برای انجام بررسی هایی جهت اعطای وام به رژیم جمهوری اسلامی در تهران به سر میبرد. بدنبال این امر رفسنجانی ضمن اعلام بعضی تصمیمات مربوط به برنامه پنجساله آشکار ساخت که سوبسید بعضی کالاهای اساسی لغو خواهد شد لازم به یادآوری است که یکی از شروط اعطای وام بانک جهانی به اردن در اوایل سال جاری لغو سوبسید چند کالای اساسی بود که بدنبال خود اعتراضات و تظاهرات گسترده توده های

چندی را در جهت احیای پیمان سختو آغاز نموده‌اند. پیمان سنتو بمثابه يك پیمان نظامی و "امنیتی" در زمان شاه مزدور برای ایجاد هماهنگی های ضد انقلابی هرچه بیشتر بین رژیم های وابسته به امپریالیسم در سه کشور ایران و ترکیه و پاکستان برای مقابله با نیروهای سیاسی - انقلابی و در جهت سرکوب هرچه گسترده تر توده های مبارز سه کشور بوجود آمده "سازمان همکاری های منطقه ای اکو" در رابطه با این پیمان و ظاهراً برای گسترش همکاری های اقتصادی فیما بین سه کشور ایجاد شده است.

- در چهار چوب تحکیم روابط و مناسبات ضد خلقی بین دیکتاتوریهای امپریالیستی در منطقه دو رژیم وابسته به امپریالیسم ایران و پاکستان تلاشهای ضد خلقی جدیدی را برای هماهنگ کردن اقدامات سرکوبگرانه خویش بر علیه انقلابیون و خلقهای مبارز منطقه آغاز کرده اند. بر این اساس در طی ماههای اخیر هیات‌هایی از مزدوران دو کشور به دیدار یکدیگر شتافته و موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای چندی که محتوای آنها را همدستی در سرکوب توده‌های مبارز ایران و پاکستان و بالاضافه فشار به نیروهای سیاسی انقلابی و مبارزین پناهنده ایرانی در پاکستان تشکیل می‌دهد، امضا نمودند. در چهار چوب اهداف ضد خلقی فوق در روزهای اول ماه جاری رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان به همراه هیاتی به ایران آمده و با رفسنجانی دیدار و گفتگو نمود. رفسنجانی مزدور در این دیدار به همبستگی پاکستانی خود در مورد آمادگی جمهوری اسلامی برای توسعه همکاریها "در همه ابعاد" اطمینان داد.

یکی از معضلات را تشکیل می‌داد. از جمله توده‌های ستمدیده خلخال با سرمائی به میزان ۳۰ درجه زیر صفر در بهمن ماه حتی قادر به دریافت به موقع و مکفی حداقل سوخت بپوشش بیخی شده کوبنهای دولتی نیز نشدند. در شهرهای سردسیر مرزی نظیر سردشت نیز با توجه به برودت هوا مردم از کمبود مواد سوختی در عذاب بوده‌اند. در این شهر هر بشکه نفت و گازوئیل بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ تومان فروخته می‌شود. آقا زاده وزیر نفت در يك گفتگوی مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی به تاریخ ۱۷ اسفند علت بروز مشکل در توزیع نفت سفید و گازوئیل را ناشی تحولات رومانی و آنر بایجان شوروی ذکر نمود و اعلام داشت که از آنجا که فرآورده‌های نفتی مورد نیاز مناطق شمال کشور از طریق شوروی و مناطق جنوب از رومانی به ایران وارد می‌شود، بدلیل بروز حوادثی در این دو کشور امکان ارسال این فرآورده‌ها به ایران وجود نداشته است ...

- در تاریخ ۲۷ اسفند مردم تهران در خیابان جمال زاده شاهد انفجار مهیبی بودند که منجر به کشته و زخمی شدن يك عده ویرانی چندین آپارتمان، آسیب دیدن بیش از ۱۵ آپارتمان دیگر، انهدام چندین اتومبیل و ایجاد حریق در نقاطی از این منطقه گردید. رادیوی رژیم علت این واقعه انفجار را انفجار لوله‌های گازی عنوان نمود که کارگرانی در حال تعمیر آنها بودند. تعداد قربانیان این حادثه طبق آمار رسمی ۱۳ نفر بوده است.

"کوشش برای احیای پیمان ضد انقلابی سنتو"

در پی گسترش همکاریهای ضد انقلابی بین رژیم مزدور جمهوری اسلامی و رژیم های وابسته به امپریالیسم ترکیه و پاکستان بر علیه توده‌های ستمدیده و نیروهای انقلابی در هر سه کشور، اخیراً در دیدار نخست وزیر ترکیه بارفسنجانی، طرفین بر ضرورت احیای همکاری سه جانبه بین ایران و ترکیه و پاکستان پای فشردند. در این رابطه نخست وزیر ترکیه ضمن آنکه خواستار احیای سازمان همکاری های منطقه ای "اکو" شده، ابراز امیدواری نمود که مجلس شورای اسلامی ایران موانع حقوقی در این راه را برطرف نماید. ولی همکاری "سه جانبه" به همکاری در سازمان اکو محدود نبوده و بهمانگونه که در دید و بازبینیهای فرماندهان ارتش ایران و پاکستان از این دو کشور مشخص شده، مقامات مزدور زیربط کوششهای عملیاتی

"نکاتی از سمینار بازسازی اقتصادی"

در این سمینار که بمدت سه روز (۱۹-۲۱ - درمهرماه) بمنظور بررسی و ارزیابی اوضاع اقتصادی کشور تشکیل شده هر يك از شرکت کنندگان با ذکر گوشه‌هایی از اوضاع و احوال و باار اقتصاد وابسته ایران، به ارائه راه‌های عملی پرداختند. ما در اینجا جهت اطلاع خوانندگان پیام فدائی به شرح نکاتی از سخنان آنها می‌پردازیم.

محمد نوربخش، وزیر دارائی و اقتصاد: تنها وسیله تامین منابع مالی دولت، منابع ارزی و استقرار از بانگ است و این امر موجب افزایش نقدینگی و در نتیجه افزایش تورم می‌شود.

بیکاری و فقر، عقب ماندگی بیشتر کیفی و کمی تولید میشود و تداوم آن مدار شوم توسعه نیافتگی را شدت میبخشد.
۲۲ میلیون نفر در سال ۶۵ در یک یا دو اتاق زندگی می کردند و ۲۱/۵ میلیون نفر زیر سقف ۱۷۰ ریال هزینه روزانه.

۰۰۰ ۰۰۰٪ سرمایه گذاری در خدمات و ۲۵٪ آن صرف مضارف کالایی می شود و این ساختار اولین ریشه تورم است. اگر همه درآمد را در تولید صرف کنیم، چیزی جز شکست عاید ما نخواهد شد. زیرا با این میزان درآمد کم، سرمایه گذاری مقنناری تقاضا ایجاد می کند که جوابگوی عرضه نیست و موجب تورم می شود.

جنایت دولت ضد خلقی قبرس در حق آوارگان ایرانی

دولت ضد خلقی قبرس که در همکاری با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ید طولایی دارد و در تیرماه سال گذشته ۱۱۸ تن از ایرانیان پناهنجو مرکب از زن و مرد و کودک را که به این کشور پناهنده شده بودند، تحویل رژیم جمهوری اسلامی داده اخیرا دست به عمل جنایتکارانه دیگری زده و یک زوج ایرانی همراه با فرزندان سه ساله شان را که به قصد عزیمت به سوئد به آن کشور رفته بودند، دست بستد تحویل رژیم خون آشام جمهوری اسلامی داد.

زوج نامبرده از جمله میلیونها تن از تندهای رنجکیده، ایران بودند که با توجه به شرایط ترور و اختناق و اوضاع بسیار وخامت بار اقتصادی و اجتماعی که تحت سیطره رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بر جامعه ما حاکم گفته، با تحمل رنج و محنت زیاد از کشور خارج و موقتاً در قبرس بسر میبردند. ولی دولت جنایتکار قبرس ضمن آنکه اجازه اقامت به آنان در این کشور را نداد از اعزام آنها به کشورهای پناهنده پذیر که حداقل مأمنی برایشان باشد نیز خودداری نمود. این زن و مرد بهنگامی که متوجه مقصود دولت ضد خلقی قبرس در تحویل آنان به رژیم ددمنس جمهوری اسلامی شدند، اقدام به خودکشی نمودند. ولی نه این اقدام و نه حال نزار و مریض آنان در اثر خودکشی، باعث انصراف مزدوران قبرس از عمل جنایتکارانه خود نشد و بالاخره در شرایطی که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری

بهاء الدین نجفی استاد دانشگاه خیراز: افزایش واردات موجب افزایش قیمتها و کاهش مصرف سرانه بوده است و این امر همدار می دهد که در صورت عدم اتخاذ سیاستهای مناسب در آینده، نیبایست تمام ارز حاصل از منابع نفتی را صرف تهیه مواد غذایی از کشورهای خارجی کنیم.

مرتضی الویزی رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس: کشاورزی به شدت عقب رفته و خدمات افزایش یافته، به همین دلیل علاقه به کسب تحصیل نیز کاهش زیادی داشته است. وقتی احساس می شود که پس از ۱۲، ۱۶، ۲۰ سال تحصیل، سبزی فروش سرکوجه از او بیشتر پول درمی آورد، تحصیل را کنار می گذارد. در سال ۱۳۶۶ نو میلیون و سیصد هزار تن حقوق بگیر دولتی و خصوصی داشته ایم که این رقم نسبت به اول انقلاب هر سال ۶/۹٪ افزایش داشته است.

نعمت زاده وزیر صنایع: در جامعه ما تولید و صنعت جای خود را به "تجارت" و دلال بازی داده است. زیرا بسا مقرراتی که همه ضد تولید است نمی توان تولید را در کشور محور برنامه ریزی قرار داد. ۲/۵ میلیارد دلار فقط برای ورود کاغذ در برنامه پنجساله در نظر گرفته شده است و در حالی که فراهم آوردن تجهیزات کارخانه کاغذ سازی فقط به ۵۰۰ میلیون دلار نیازمند است.

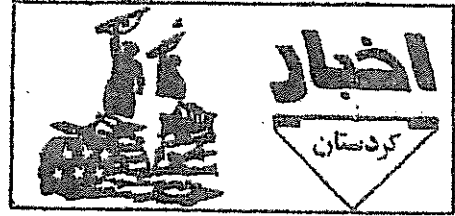
عظیمی رئیس دفتر آموزش سازمان برنامه و بودجه: تولید ناخالص ما در سال ۱۳۶۷ معادل تولید ناخالص سالهای ۵۴ و ۵۳ است. یعنی ۱۶ سال به عقب رفته ایم. بازهی سرانه تولید سال ۶۷ برابر سال ۴۷ است. در واقع ۲۱ سال به عقب رفته ایم بازهی سرانه نیروی کار در سال ۶۷ برابر با بازهی سرانه نیروی کار در سال ۱۳۴۸ یعنی ۲۰ سال پیش از این بوده است. مادوگونه وابستگی داریم. الف: وابستگی آشکار که با ارز خود کالاهای خارجی را می خریم ب: وابستگی پنهان که با خرید کالاهای خارجی تولید داخلی را از بین می بریم. بنا بر این هر مقدار ارز بیشتر داشته باشیم بیشتر وابسته می شویم. در کتاب برنامه در سال ۱۳۶۷ آمده است که ۲۴٪ از جمعیت ما بیکار و کم کار هستند و با نقشی در تولید ندارند و به مفهوم اقتصادی ۵/۸ میلیون نفر بیکار هستند و هر نفر شاغل باید ۶/۷ نفر را تأمین کند. در کشورهای پیشرفته این رقم برابر با ۲/۲ است. عدم تحرک در تولید موجب کاهش نسبی سرمایه، افزایش

را مورد پیورش و حیثیانه قرار دادند و ضمن آزار و اذیت دکانداران و کاروانچیان، به تفتیش منازل و اسبوال روستائیان پرداختند.

- روستائیان مبارز روستای دشنه واقع در منطقه کله سین در يك اقدام مبارزاتی فرمانده ضد خلقی پایگاه مستقر در این روستا و همراهانش را در حین تفتیش منازل و اموال اهالی روستای دشنه مورد تعرض قرار داده و چند تن از این مزدوران را زخمی نموده این اقدام از طسرف توده‌هایی صورت گرفت که جانفان از مظالم رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به لب رسیده و نایماً مسورد آزار و اذیت فرمانده پایگاه مستقر در این روستا قرار دارند - امام جمعه منخور سردشت در مراسم نماز جمعه روز دهم اسفند ضمن نشخوار اراجیف دیگر سران و کارگسزاران رژیم به هدف ایجاد تفرقه و جنائی فیما بین مردم ستمدیده کردستان با فرزندان انقلابیان و موکدا مردم رازهمکاری با بقول وی "ضدانقلاب" که در فرهنگ جمهوری اسلامی به نیروهای مبارز و انقلابی اطلاق می‌شود برخورد داشته و در مورد گسترش مقاومت توده‌های خلق کرد در مقابل قوانین ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم و قیحانه اظهار کرد که "برپائی مجلس جشن و عروسی و عملی است ضد اسلامی و مردم کردستان نباید به این امور بپردازند."

- در روز ۱۲ اسفند ایادی رژیم در شهرناری مریسوان به بهانه اینکه زمین برخی از خانه‌های ساخته شده در این محل جز "اراضی شهرست" مبادرت به تخت نمودن ۲ بساب خانه توده‌های ستمکشیده این شهر نمودند؛ ولی توده‌های آگاه این محله شب بعد از این واقعه مجدداً بم ساختن خانه در آن محل اقدام کردند.

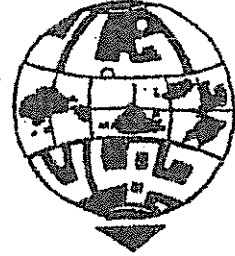
- مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در هراس از گسترش تظاهرات توده‌های رزمنده کردستان بر علیه رژیم و جهت تشدید فضای رعب و وحشت در شهرهای کردستان بر تعداد گشتیهای سرکوب خود افزوده‌اند. مطابق گزارشات دریافتی در شهرهای مهاباده، نقده و سنندج با افزایش تعداد پاسداران و دیگر نیروهای مسلح ضد خلقی، مسزوران به تفتیش و بازرسی بدنی مردم می‌پردازند. بخصوص تمرکز نیروهای سرکوب در میدان‌ها و خیابانهای اصلی شهر و مناطقی که طی هفته‌های اخیر مکانهای برپائی تظاهرات و اعتراضات متهورانه توده‌ها بر علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بوده است، بیشتر می‌باشد.



- در آستانه یازدهمین سال بقدرت رسیدن رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و کارگزاران رژیم در شهر سردشت به تکاپو برای جمع آوری اهالی منطقه جهت شرکت در يك مراسم نمایشی نموده و به روستائیان این منطقه ضمن تهدید و اخطار کردند که باید در آن مراسم شرکت نمایند و ولی علیرغم این تمهیدات توده‌های مبارز روستائی از شرکت در مراسم رژیم خودداری کرده و به این ترتیب تنفروانچار خویش را نسبت به رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ابراز نمودند. - طی روزهای آخر بهمن ماه و بهمن سنگینی از کوههای رنگال دوال سردشت رهزنی نموده و باعث آن شد که ۱۲۰ تن از اهالی روستاهای برمان آوه، سورجام و سوئی بان و ناری در زیر آوار مدفون شوند. آخرین خبر در این رابطه حاکی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هرچگونه کمکی به اهالی این روستاها برای بیرون آوردن مدفون شدگان در زیر بهمن و بحفظ نجات جان آنان بعمل نیاورده و روستائیان خود با کمترین امکانات و وسایل به این کار مبادرت نموده‌اند. - در تداوم سیاست تسلیح اجباری مردم ستمکش کردستان و وادار کردن آنان به نگهبانی از پایگاههای رژیم مزدوران جمهوری اسلامی از اهالی زحمتکش روستاهای قارنجه بزرگ و قلاغ رسول سیده، حاجی لك سرچناره، ده کلا کوهان و قباق کندی خواسته‌اند که از هر روستا ۵ نفر به حراست شبانه از پایگاه رژیم در آن روستا بپردازند. مزدوران رژیم همین درخواست را از اهالی روستاهای قم قلعه، دارلک و لچ و ایندرفاش نیز منتها به تعداد ۱۲ نفر مطرح نموده و آنها را تهدید کرده‌اند که چنانچه به خواستمان گردن ننهینده آنها را وادار به کوچ اجباری به نقاط دیگر خواهند کرد.

- در چهارچوب سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در کردستان قهرمان روز چهارم ماه جاری سرکوبگران گردان جوانی، مستقر در کانی زرد سردشت و اهالی زحمتکش روستاهای آسه دینه، بانیره، مره، بسی، ناره و باش تبران





مکزیک - ۲ فوریه (۱۳ بهمن) درمکزیکوسیتی ۸۰۰ کارگر کمپانی فورد برای ۱۲ درصد افزایش حقوق دست به اعتصاب زدند. کمپانی فورد پس از این اعتصاب اعلام کرد که چنانچه اعتصاب کارگران بیش از یک روز به طول انجامد، تمامی آنها را بیرون خواهد کرد.

آرژانتین - ۵ مارس (۱۴ اسفند) برای حل بحران اقتصادی موجود در آرژانتین دولت وابسته به امپریالیسم حاکم بر این کشور طرح جدیدی ارائه داده و مدعی حل بحران با اجرای این طرح شده است. طرح مزبور شامل موارد زیر می باشد.

- افزایش مالیات تا ۶۰۰ میلیون دلار

- حذف ۵۶ بخش از وزارت خانه ها

- کاهش بخش های کوچک وزارت خانه ها از ۱۱۲ به ۳۲

- افزایش قیمت بنزین تا ۱۲۴ درصد

لزم به یادآوری است که در ماه ژانویه قیمت اجناس ۸۰٪ و در ماه فوریه صد درصد افزایش داشته است.

السالوادور - ۱۱ فوریه (۲۲ بهمن) در این روز نیروی هوایی دولت ضد خلقی السالوادور یکی از مناطق فقیرنشین شهر سان سالوادور را بمباران کردند. طی این بمباران ۶ نفر کشته و ۲۰۰ نفر زخمی شدند. دولت السالوادور علت این اقدام جنایتکارانه را وجود یکی از پایگاههای چریکهای جبهه فارابوندومارتی در این منطقه ذکر نمود. اما طبق گزارشات خود دولت معلوم شد که چنان ادعائی کذب محض بوده و هیچ اثری از چریکها در این محله نبوده است.

گواتمالا - روز یکشنبه ۱۸ فوریه (۲۹ بهمن) نیروهای مسلح دولت گواتمالا جسد به نار آویخته شده یک زمینساز بزرگ امریکا را در مزرعه خویش در نزدیکی گواتمالایتی یافتند. نیروهای مسلح بلافاصله کارگران گواتمالائی را که برای این امریکائی کار می کردند، دستگیر و روانه زندان نمودند.

"مختصر اخبار انقلابی در پرو و هراس امپریالیسم امریکا از آن"

عملیات مسلحانه بر علیه مزدوران و سرسپردگان به رژیم وابسته به امپریالیسم گارسیا در پرو همچنان ادامه دارد. از جمله در روز ۲۶ ژانویه (۶ بهمن) چریکهای حزب کمونیست

ونزوئلا - ۲۳ فوریه (۴ اسفند) - تورم بسیار بالا و شرایط وخامت باری که بدلیل وابستگی اقتصاد این کشور به امپریالیسم و غری بودن آن در بحرانی شدید، بر زندگی توده ها مستولی گشته، باعث گردید که مردم مبارز دو شهر بارسلونا و پور تالاکروز در اعتراض به اوضاع وخیم زندگی خود به خیابانها بریزند. در این اقدام توده های معترض به مبارزه حمله کرده و اجناس مورد احتیاج خود را از آن مغازه ها ممانعه نمودند. در ۹ شهر دیگر نیز تظاهراتی علیه دولت صورت گرفته که توسط کنفدراسیون کارگران ونزوئلا سرانجام سازماندهی شده است. در ضمن لازم به یادآوری است که بنا به گزارش این کنفدراسیون در عرض ۲ ماه گذشته ۶۰ هزار کارگر در این کشور از کار خود اخراج و بیکار شده اند. غیر دیگری حاکی از تظاهرات ناخوشایان در بزرگترین دانشگاه ونزوئلا است که طی آن پلیس به تظاهر کنندگانی که صورت خود را با ماسک پوشانده بودند حمله کرده و باعث مجروح شدن چندین نفر شد. پس از آن چند نفر از تظاهر کنندگان نیز که مسلح بودند به پلیس حمله نمودند.

شیلی - ۲۱ ژانویه (۱۱ بهمن) ۴۹ چریک متعلق به یک گروه انقلابی بنام "جبهه میهن پرستان مانوئل رودریگز" که که از سال ۱۹۸۶ به اتهام وارد کردن ۳۰ تن اسلحه، مویک بازو و نارنجک به شیلی و سوء قصد به جان بنیوشه، دیکتا توریجلا شیلی در زندان بسر میبردند، با حفر یک تونل ۷۵ متری در زیر بند خود از زندان گریختند. ساختن این تونل بمسدت یکسال توسط ۲ نفر صورت گرفت. این تونل حتی مجهز به سیستم تهویه مطبوع نیز بود.

شیلی - اول فوریه (۱۲ بهمن) بدنبال فرار ۴۹ چریک از زندانی در شیلی که بر معافترین زندان این کشور شمرده میشود، تضاد در کابینه جدید دولت مزدور تازه روی کار آمده شیلی شدت گرفته و باعث استعفای رئیس زندانهای شیلی شد.

تجهیزات نظامی از جمله هواپیماها و جت‌ها و تپه شبکه رادار و فراهم آوردن ساز و برگ نظامی ۶ هنگ نیروهای مسلح پرو که در مناطق بلند کوههای هوالاگا (محل فعالیت مبارزاتی چریکها راه درخشان) بر علیه نیروهای انقلابی می‌جنگند را به عهده گرفته است. در عین حال از بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در امریکای جنوبی که تحت عنوان "رهبری جنوبی" در پاناما مستقر می‌باشد، متخصصینی به پرو آمده و به سربازان تعلیم میدهند. یک نیروی ویژه نیز بنام "نیروی ویژه جنگل" تعلیم داده خواهد شد.

در توجیه کمک‌های مالی و نظامی بیدریغ دولت امپریالیستی آمریکا به رژیم مزدور دست نشانده خود در پرو یکی از مقامات امریکائی اظهار نارضایتی کرده که اگر آمریکا از پرو میخواهد که برای مبارزه با مواد مخدر به او کمک کند در عوض آمریکا باید برای مبارزه علیه چریکهای حزب کمونیست پرو به دولت این کشور کمک کند. با اینحال دیگر مقامات دولت آمریکا در تبلیغات خود می‌گویند کمک‌های نظامی دولت آمریکا به رژیم مزدور گارسیا را صرفاً بدلیل کمک به مبارزه این رژیم با قاچاقچیان مواد مخدر جابزنند. آنها می‌گویند از آنجاکه هم قاچاق فروشان مواد مخدر و هم چریکهای حزب کمونیست هر دو در مناطق بلند هوالاگا فعالیت دارند حرکت اصلی ما نیز در این مناطق خواهد بود. ولی باید به دولت پرو قبولاند که از نیروهای آمریکا بعنوان کمک در زمینه مبارزه علیه مواد مخدر استفاده کند تا جای شبهه‌ای نباشد که آمریکا به جنگ ضد چریکی پرو کمک می‌کند. ولی اخیراً یک مقام پروسی طی سخنانی پته این اظهارات ریاکارانه مزدوران امریکائی را روی آب ریخته و با تاکید به اینکه تنها در سال ۱۹۸۹ و ۲۲۰۰ نفر در جنگ فیما بین چریک‌ها و نیروهای دولتی کشته شده‌اند، گفت: اینکه آمریکا حتی در مورد محافظت منطقه به ما کمک نمی‌کند، بواقع خیلی زیاد به مبارزه علیه چریک‌ها کمک کرده است. این امر حداقل باعث عدم تعادل به ضرر آنها میشود یکی از دلایلی که آمریکا کمک‌های نظامی خویش جهت تقویت رژیم دست نشانده‌اش در مقابل قدرت انقلابی مبارزین چریک را تحت عنوان کمک نظامی علیه مواد مخدر به دولت مزدور پرو تحویل می‌دهد، اینست که در این صورت از یک طرف دولت پرو مجبور به پرداخت ما به ازای این کمک‌ها به دولت آمریکا نخواهد شد و از طرف دیگر برای کشور آمریکا نیز جهت تصویب کمک‌های نظامی جدید

پرو (راه درخشان) طی یک حمله غافلگیرانه به خانه مسئول آزادس رعد و بازسازی، او را با دو گلوله در مغز بی‌هلاکست رساندند. در طی ۵ روز این تهمین مقام وابسته به رژیم پرو بود که توسط نیروهای مسلح راه درخشان به سزای اعمال ضد خلقی خود رسید. همچنین باید از عملیات بمب‌گذاری چریک‌های راه درخشان در سفارتخانه‌های پاناما و آمریکا نام برد که منجر به مجروح شدن چند تن از مزدوران مستقر در این سفارتخانه‌ها شد. در عین حال نیروهای مسلح "راه درخشان" در اوائل ماه جاری (۲۳ فوریه) به چند پایگاه نظامی دولتی واقع در بلندیهایی کوه‌های اندی حمله کرده و طی نبرد شدیدی که بین نیروهای مزدور دولتی و چریک‌های راه درخشان پیش آمده چریکها موفق به کشتن ۵۰ تن از نیروهای دشمن و مجروح کردن تعدادی از آنها شدند.

از طرف دیگر مبارزات توده‌ای به اشکال مختلف در پسر و جریان دارد. از نمونه برجسته این مبارزات مربوط به یک اعتصاب همگانی است که از روز ۱۹ فوریه (۲۰ بهمن) کارگران بسیاری از کارخانه‌جات و همچنین کارمندان اداری به آن دست زدند. در این اعتصاب کارگران ساختمان و حتی کارگران مرده شورخانه‌ها نیز شرکت داشتند و همچنین از ملوانان گرفته تا کارکنان زندانها در این اعتصاب شرکت نمودند. در عین حال "کنفدراسیون کارپرو" از بزرگترین اتحادیه‌های کارگران معدن در تاریخ مذکور ۳ روز اعتصاب نمود.

غرق بودن اقتصاد وابسته به امپریالیسم پرو در بحران جدید در حالیکه تورم به ۲۷۷۰ درصد در این کشور رسیده است و تأثیرات این امر در رشد و اوج گیری مبارزات توده‌های تحت ستم پرو در شرایطی که یک جنبش مسلحانه که دارای پشتیبانی توده‌های ست در این کشور جریان دارد (جنبشی که در آن نیروهای انقلابی مسلح موفق به آزاد سازی مناطقی از کشور گشته‌اند) موجب وحشت و هراس روزافزون نه تنها رژیم مزدور گارسیا بلکه اربابان امپریالیست او شده است. بر این اساس اخیراً کنگره آمریکا اعطای کمک‌های نظامی هرچه بیشتری را به دولت مزدور پرو تصویب کرد و در ابتدا ۲۶/۵ میلیون دلار کمک نظامی در اختیار آن دولت قرار داد. ۳۵ میلیون دلار دیگر در اکتبر ۱۹۹۰ به پرو داده خواهد شد. همچنین دولت امپریالیستی آمریکا مسئولیت مالی نیرومندتر کردن نیروی دریائی (رودخانه‌ای) و تعمیر

رئیس جمهوری اسبق آمریکا که در دوران ریاست جمهوری وی، مصر و اسرائیل به امنیت پیمان ننگین و خائنانه کمپ دیوید مبارت نمودند، به خاورمیانه سفر کرد و طی يك کنفرانس خبری در قاهره پیرامون تغییر و تحولات در هیئت حاکمه اسرائیل اعلام نمود که به باور وی يك دولت لیکود و يك دولت کارگر بمراتب بیشتر از يك دولت ائتلافی خواهد توانست روند صلح را در خاورمیانه میان فلسطینیان و اسرائیل پیش ببرد. جیمی کارتر همچنین طی دیدار با مبارک رئیس جمهور مصر که از طرفداران طرح صلح امپریالیسم آمریکا و "حزب کارگر" اسرائیل می باشد، اعلام داشت که نزاع در خاورمیانه نیسی از راه راطی کرده و باید اقدامات لازم برای پیمودن باقی این راه به عمل آید.

افریقای جنوبی - نلسون مندلای پس از آزادی از زندان، در يك سخنرانی در رابطه با شرایط افریقای جنوبی گفت: "کنگره ملی افریقا" بدنبال راه حلی است که هم برای سیاهان و هم برای سفیدپوستان مفید باشد" وی از سفیدپوستان بخطر اینکه "به آباد شدن کشور کمک کرده اند" قدرناسی نموده و از آنها خواست که احساس امنیت نمایند و تاکید نمود که ما حاضریم در رابطه با پیسندا کردن راه حلی صلح آمیز با سفیدپوستان برسر میز مذاکره بنشینیم.

گفته می شود در بین نیروهای "کنگره ملی" در رابطه با چگونگی برخورد به دولت نژاد پرست افریقای جنوبی دو نظر وجود دارد، گروهی که شامل مندلای تمبو (رهبر اصلی "کنگره ملی") کمیته سه نفره (بدلیل مریضی تمبو در حال حاضر رهبری کنگره ملی افریقا را بدست گرفته اند) می شود خواهان مذاکره با دولت و "همزیستی مسالمت آمیز" با آن هستند و گروهی دیگر مخالف مذاکره و طرفدار تداوم مبارزه مسلحانه بر علیه رژیم آپارتاید می باشند. در خسارچ از "کنگره ملی افریقا" و "جنبش آگاهان سیاهان زولو" و "کنگره بان افریقای" نیز طرفدار مبارزه بر علیه دولت هستند.

اتیوپی - ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) "جبهه رها بیخس خلق اریتره" اعلام کرد که طی يك درگیری گسترده با نیروهای دولتی صدها تن از آنان را کشته و صدها تن دیگر را مجروح ساخته است. از طرف دیگر "جبهه رها بیخس خلق تیگره" نیز که در منطقه "ولو" *Wollo* علیه دولت ضد خلقی اتیوپی می جنگند، اعلام نمود که در طی نبردی مسلحانه ۱۸۰۰ نفر از

مشکلاتی بوجود نخواهد آمد. در این رابطه چند گواهی برای رعایت "حقوق بشر" و بهدرفت در جنگ "علیه مواد مخدر" کافی خواهد بود!!



فلسطین - در اوایل اسفند ماه، "سازمان آزادی بخش فلسطین" در چار چوب تدارک جهت دیدار مستقیم با مقامات دولت اسرائیل، با سران رژیم مصر، حول ترکیب هیئت نمایندگی سازمان آزادی بخش فلسطین در این دیدار، به توافق رسیدند. همچنین پیرامون دستور کار اجلاس صلح بین سازمان آزادی بخش فلسطین و دولت اسرائیل نیز که قرار است بعد از مقدمات لازم در مصر برگزار گردد، توافق حاصل شد. در پی این امر یاسر عرفات برای اولین بار پیام ویژه ای را به کنفرانس سیاسی مرکب از مقامات اسرائیلی که در اورشلیم برگزار شده بوده، ارسال داشت و طی آن ضمن برحق شمردن بازگشت فلسطینیان به موطن خویش پس از تشکیل يك کسور فلسطینی، از مقامات اسرائیل خواست که جهت هموار ساختن راه برای برگزاری کنفرانس بین المللی صلح در خاورمیانه و حل مسئله فلسطین بکوشند. یاسر عرفات در پیام خود به کنفرانس مزبور افزوده است که "طرفین باید در این راه در جهت ایجاد فضای اعتماد و ایمان به یکدیگر گام بردارند".

اسرائیل - در اوایل اسفند ماه اعلام شد که "حزب کارگر" اسرائیل، حزب رقیب خود در دولت ائتلافی اسرائیل را مورد تهدید قرار داده که اگر تا دو هفته آینده فرمول پیشنهادی آمریکا، مصر و "حزب کارگر" پیرامون گشودن باب گفتگو با نمایندگان سازمان آزادی بخش فلسطین را نپذیرد، از دولت ائتلافی اسرائیل استعفا خواهد داد. بدنبال شدت گیری اختلافات، سرانجام اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل که از سران حزب لیکود می باشد، در اجلاس روز بیست و دوم اسفند ماه کابینه اسرائیل، شیمون پسرز وزیر دارائی و معاون نخست وزیری و رهبر "حزب کارگر" را از کار برکنار نمود. در پی عزل شیمون پسرز سایر اعضای کابینه نیز که وابسته به "حزب کارگر" بودند از سمتهای خود استعفا دادند. همچنین در پارلمان اسرائیل (کنیسیت) نمایندگان حزب کارگر که تعداد آنها برابر با نمایندگان حزب لیکود بوده به دولت رای عدم اعتماد داد و بدین وسیله موجب سقوط آن شدند.

شایان توجه است که در همین اثنا، جیمی کارتر

سازماندهندگان این تظاهرات، «جبهه متحد کارگران روسیه» (United Front of Workers of Russia) بود. تظاهرکنندگان ضمن اعلام این امر که «گورباچف طبقه کارگر را فراموش و به ثروتمندان توجه میکند» به سیاست گسترش موسیقی مبتذل غربی، توهین به انقلابیون و قهرمانان شوروی و بدلور مشخص توهین به انقلابیون بلشویک و آنها که در جنگ جهانی دوم دست به بنای سوسیالیسم زدند، اعتراض نموده و اظهار داشتند که هر چه رابطه شوروی با آمریکا بهتر میشود، وضع مردم شوروی بیشتر رو به وخامت میرود. آنها گفتند که از گورباچف برای خرابی پاسخ میخواهیم.

(۱۹ فوریه) - نهمین هزار نفر از مردم تاجیکستان در اعتراض به شرایط بد زندگی و افزایش قیمت اجناس دست به تظاهرات گسترده ای زدند.

نیروهای مسلح دولت کشته و ۲۵۰۰ تن از آنها مجروح و ۱۰۰۰ نفر نیز توسط نیروهای این جبهه دستگیر شدند.

سومالی - دولت جنایتکار این کشور در طی اقدامات ضد خلقی خود بر علیه نیروهای چریکی در طی چند ماه اخیر ۵۰ هزار نفر از مردم را قتل عام نموده است.

یونان - ۲۶ ژانویه (۶ بهمن) در اثر يك اعتصاب ۲۴ ساعته که ۱/۲ میلیون کارگر یونانی بخاطر افزایش دستمزد در آن شرکت جستند، روال عادی بسیاری از امور در این کشور بحال تعلیق درآمد.

شوروی - مسکو طبق گزارش آسوشیتدپرس نهمین هزار نفر از ملیتهای مختلف در شوروی در اعتراض به سیاستهای گورباچف و همکاری او با آمریکا دست به تظاهرات زدند. از زمره



- در اول فوریه کنگره آمریکا پیشنهاد جرج بوش را که خواستار ۷ میلیون دلار برای ترمیم اتاقهای کاخ سفید گفته بود، پذیرفت. اختصاص این مبلغ کلان برای منظور فوق در شرایطی است که حدود ۶ میلیون نفر در سراسر آمریکا از داشتن خانه محروم بوده و ۲۵ میلیون نفر دیگر نیز در آستانه بی خانمان شدن قرار دارند.



دولت آمریکا پس از آزمایش کردن این آلونک هارسما آن را بعنوان منزل بی خانمانهای آمریکا تعیین کرده است.

The Porta Sleeper is being tested in Phoenix, Ariz.

کمکهای مالی

هلند	
فرهاد یک - اترخت	۱۰۰ فلورن
موسی - رتردام	۱۰۰ فلورن
راديو چریکها - شیمیخن	۵۰ فلورن
پیام فدائی - آمستردام	۵۰ فلورن
یویان - دلفت	۵۰ فلورن
کزال - لاهه	۵۰ فلورن
رفیق مادر - رتردام	۵۰ فلورن
دادائی - رتردام	۵۰ فلورن
صمدبهرنگی - آمستردام	۵۰ فلورن
دانشیان - دلفت	۵۰ فلورن

آلمان

۱۹ بهمن	۲۵۰ مارک
نامه	۱۰ مارک

نیروژ

ج	۱۳۰ یوند
ن	۲۰ یوند

دانمارک

سپنوش آذربان	۵۰۰ کرون
--------------	----------

کردستان

اکبر	۸۰۰۰ تومان
------	------------

صنعتی و تولیدی بوده‌اند، تحت عنوان "عدم نیاز" از محصل کار خود اخراج شده‌اند.

- رئیس سازمان جنگل‌ها و مراتع جمهوری اسلامی در يك مصاحبه رادیو-تلویزیونی در ماه جاری اعتراف کرد که: در طول ده سال گذشته يك میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار از جنگلهای کشور نابود شده است. لازم به یادآوری است که در سال جاری فقط در سطح ۲۸ هزار هکتار از اراضی کشور جنگل کاری شده که ۶ هزار هکتار آن با همکاری مردم بوده است. در ضمن طبق گفته این مزدور تهرانی بعنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان، نیاز به ۴۸ هزار هکتار فضای سبز دارد.

- تولید ناخالص داخلی سرانه کشور نسبت به ده سال قبل به قیمت ثابت به نصف تقلیل یافته.

همچنین تراش رشد و تعمیق بحران اقتصادی سرمایه‌داری جهانی وانعکاسات بلاواسطه آن بر اقتصاد وابسته کشورها، اقسام سرمایه‌گذاریهایی ثابت در رشته‌های مختلف نسبت به ده سال قبل به کمتر از یک نزول کرده است. سرمایه‌گذاری در رشته‌هایی نظیر برق، صنعت و مین و صنایع سنگین به یک تا یک پنجم سرمایه‌گذاریهایی ده سال پیش رسیده است. در همین حال قیمت ریال نیز تا $\frac{1}{8}$ و پیل ارزهای مختلف سقوط کرده است.

- روزنامه جمهوری اسلامی بتاريخ ۱۰ اسفند تعداد پاسناران کشته شده در جنگ ارتجاعی ایران و عراق را ۸۰ هزار نفر قید نمود. مطابق آمار رژیم تعداد بسیجیان کشته شده نیز در جنگ ۶۰ هزار نفر بوده است.

ایران از دریچه آمار

- در حالیکه رژیم از اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی در روستاها و شهرهای میهنمان به هزینه دولت ناد سخن می‌دهد و تر شرایط سطره فقر و فلاکت بیحد بر زندگی توده‌های زحمتکش روستائی در طی ماه جاری مزدوران جمهوری اسلامی، از مردم روستای "خده جان" از توابع تبریز ۳ میلیون تومان تحت عنوان مخارج احسانت منبع آب و ۱/۵ میلیون تومان بعنوان هزینه انصاب، اخاذی نمودند. همچنین مبلغ يك میلیون و ۲۰۰ هزار ریال از مردم روستای آقا قاسم‌لو از توابع مشکین شهر به جهت ساختن حمام اخذ کرده‌اند.

- مطابق آمار دولتی تعداد بیمکاران در استان خوزستان به ۱۵۰ هزار نفر بالغ گشته است.

- اخیراً رژیم بیش از ۲۵۰۰ راس گاو از کانادا خریداری نموده است. بنا به اعتراف رئیس سازمان نامبروری در سال گذشته نیز رژیم ۱۵۰۰ راس گاو از دولت کانادا خریده بود. - در حالیکه در برنامه رژیم جهت طرح‌های عمرانی در سال ۶۹ فقط ۲۲۰ میلیون تومان اختصاص داده شده، رژیم سرکوبگر جهت تجهیز و مدرنیزه کردن ارگانهای مسلح خویش ۱۰ میلیارد دلار اختصاص داده است.

- بر طبق برخی از آمارهای نیروی رژیم، تعداد معتادین در شهر باختران از حدود ۶۰ هزار نفر در سال ۶۳ به ۸۲ هزار نفر در سال ۶۵ افزایش یافت. این رقم در سال ۶۸ یعنی حدود یکسال پس از آغاز دور جدید به اصطلاح مبارزه رژیم با قاچاق مواد مخدر و ریفه کن سازی اعتیاد به بیسی از ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. تنها تریکی از مدارس شهر بنام مدرسه جلال آل احمد بهی از ۲۰ دانش‌آموز معتاد وجود دارد. - در مدرسه فرهنگ و ادب هرسین از ۴۰۰ نفر دانش‌آموز ۱۰۰ نفر آنان معتاد به مواد مخدر می‌باشند.

- مدیر کل اداره کار و امور اجتماعی خوزستان با اذعان به اعمال ضدکارگری سرمایه‌داران وابسته در اخراج بدون مسئولیت کارگران اعلام کرد که تنها در سه ماهه اول سال جاری ۱۲۲۸ نفر از کارگران که در استخدام رسمی واحدهای

جنايت دولت ضد خلقی قبرس

از صفحه ۴۰

اسلامی هر روز به اقدامات سرکوبگرانه خود در حق توده‌ها ابعاد تازه‌ای بخدهیده و کوس رسوائی فجایع ننگینی که بدست این رژیم آفریده شده در همه جا طنین انداز است. زوج ایرانی و فرزند سه ساله شان تحویل جلاان جمهوری اسلامی داده شده. امری که ناخ‌ننگ دیگری بر پشه‌انسی یکی دیگر از رژیمهای مزدور امپریالیسم یعنی رژیم قبرس می‌گوید.

مرگ بر رژیمهای ضد خلقی حاکم بر ایران و قبرس و نابود باد همکاری جنايت‌بار این دو رژیم



نگاهی به اوضاع مشقت بار کارگران در تولیدارو

نگاهی به وضع کارگران و شرایط کارآنان در "تولیدارو" بمثابه يك موسسه سرمایه‌ناری نشانگر گوشه کوچکی از بار ستم و مظلومی است که در جامعه تحت سلطه ما به کارگران وارد می‌شود. جامعه‌ای که در آن هیچ قانون معتبری برای دفاع از حقوق کارگران وجود ندارد، جامعه‌ای که دیکتاتوری امپریالیستی حاکم بر آن مانع از تضمین کمترین حقی برای آنان می‌باشد، جامعه‌ای که بواقع باید گفت کارگران مادران در بی حقوقی کامل بسر می‌برند.

کارخانه "تولیدارو" واقع در جاده مخصوص کسرج سازنده انواع دارو نظیر قرص، شربت، قطره، کپسول، پودر و غیره می‌باشد. این کارخانه که در اساس توسط سرمایه‌داران آمریکائی تاسیس گشته و تا قبل از سال ۵۷ (مقطع قیام توده‌ها بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه) توسط آنان اداره می‌گشت، هم اکنون تحت نظارت "صنایع ملی" قرار دارد. کارگران این کارخانه که اکثر آنان از زنان تشکیل شده (۱) به دو گروه تقسیم می‌شوند، کارگران ساده و کارگران ماشین‌کار. بخش‌های متفاوت کار عبارتست از: قسمت جامدات که تولید انواع پودر، کپسول، قرص، را در بر می‌گیرد، قسمت مایعات که شامل تولید انواع شربت و قطره‌های داروئی است و بالاخره قسمت‌های چک و بسته بندی، آزمایشگاه و کارگاه فنی. در این قسمت‌ها کارگران طبق برنامه مدیریت بدلیلی که در زیر توضیح داده خواهد شد بطور چرخشی کار می‌کنند و هیچگاه در يك بخش بطور ثابت بکار نمی‌پردازند.

ساعت شروع کار ظاهراً هفت و سی دقیقه صبح می‌باشد ولی کارتها در ساعت هفت و بیست دقیقه ساعت زده می‌شوند، بنابراین کارگران عملاً از ساعت ۷/۱۰ شروع بکار می‌نمایند آنها معمولاً ساعت ۲ صبح وارد کارخانه می‌شوند و در فاصله

۱ - بطور کلی عمده کارگران، سرپرست‌ها و کارمندان این کارخانه را زنان تشکیل می‌دهند.

۲۰ دقیقه به آماده کردن خود و خوردن صبحانه که اغلب فقط يك چای تلخ می‌باشد می‌پردازند. در این میان زنان کارگری که دارای فرزند خردسال هستند و بالاچاره هر روز باید فرزند خود را به مهد کودک کارخانه ببرند، همواره با مشکل کمبود وقت مواجه می‌باشند ولی صاحبان کارخانه بدون توجه به این امر و اختصاص زمانی برای تحویل کودکان به مهد کودک، همراه به نسبت مدت زمانی که کارت مادران با تاخیر ساعت زده شده، از حقوق آنان کسر می‌نمایند. حال نکته قابل توجه اینست که مکانی که کودکان کارگران در آنجا نگهداری می‌شوند هم، تنها اسما مهد کودک شمرده می‌شود و الا این مکان فاقد مربی کودک، امکانات تربیتی و حتی غذای مکفی برای کودکان می‌باشد. مادران در طی روز تنها یکبار فرصت می‌یابند که به کودکان خویش سر بزنند و آن فرصت ۴۵ دقیقه‌ای است که در واقع برای صرف نهار و استراحت می‌باشد. بواقع باید گفت که صاحبان کارخانه جهت دیدار کارگران مادر با عزیزان خردسال خود هیچ حقی برای آنان قائل نیستند و این کارگران باید از وقت نهار و استراحت خود به منظور فوق استفاده نمایند و تازه برای روشن شدن هرچه بیشتر ابعاد استثمار و ستمگری در حق کارگران باید به این واقعیت اشاره کرد که از ۴۵ دقیقه وقت برای صرف نهار و استراحت، تنها ۱۵ دقیقه آن جزو ساعات کار محسوب می‌شود.

با توجه به نوع تولیدی که در این کارخانه صورت می‌گیرد و کارگران را بالاچاره با انواع مواد شیمیائی در تماس مستقیم قرار می‌دهد، برخورداری از امکانات پیشگیری کننده از اثرات ناگوار این مواد و وسایل ایمنی و بهداشتی یکی از اساس‌ترین مسایل این کارخانه می‌باشد که فقدان آن سلامتی کارگران را بطور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. براین مبنا لازم است وضعیت کارخانه و کارگران را از این جنبه از مد نظر بگیرانیم.

غیری را که در هفته به آنها تملق گرفته برای قوت
فرزندانشان به خانه می‌برند.

زمان استراحت نیز در کارخانه علی‌رغم نیاز شدید
کارگران به این امر، بیشتر از ۱۵ دقیقه نمی‌باشد. بارها
کارگران، بخصوص با توجه به سختی شرایط کار در بخش
ساختن پورته به این امر اعتراض کرده و خواهان افزایش
مدت زمان استراحت حداقل از ۱۵ دقیقه به نیم ساعت
گردیده‌اند ولی این درخواست همانند دیگر درخواستهای آنان از
جمله قرار دادن ماسک‌های نوع مرغوب و مکفی در اختیار کارگران
از طرف سرمایه‌داران زالو صفت کارخانه بی جواب مانده
است. چنین است که اغلب کارگران زخم‌تکثر کارخانه "تولید
دارو" در حصار شرایط کار نامطلوب و طاقت فرسای کارخانه
به انواع بیماری‌های پوستی و تنفسی مبتلا بوده و از این
بیماریها در رنج و عذاب می‌باشند.

همانطور که اشاره شد مدیریت، کارگران رنج‌دید را بصورت
چرخشی در بخش‌های مختلف کارخانه به کار می‌گمارد. دلیل
این اقدام ظاهراً اجتناب از کار مداوم کارگران در یک
بخش و تأمین سلامتی آنان (!!) ذکر شده است ولی واقعیت
اینست که مدیریت ضدکارگر این اقدام را جهت محروم ساختن
کارگران از دریافت مزایای ناچیز کار در شرایط سخت
و پرداخت مزد بطور یکسان برای کار در بخش‌های متفاوت
و یا بعبارت دیگر به منظور باز گذاشتن دست‌خود بر پائین
نگاه داشتن سطح دستمزدها در جهت استثمار هرچه شدیدتر
کارگران انجام داده است.

در همین جا باید متذکر شد که حقوق و مزایای کارگران
ساده و ماشین کار تقریباً یکسان بوده و سرمایه‌داران در
پرداختن مزد تفاوت چندانی بین آنها قائل نیستند.
حقوق کارگران بطور کلی بین ۴ تا ۶ هزار تومان در ماه
می‌باشد. البته ۶ هزار تومان به کارگرانی تعلق می‌گیرد که
دارای ۱۴ سال سابقه کار بوده و دارای دو فرزند باشند.
با توجه به نوع کار در این کارخانه در هر ۶ ماه یک عدد
روپوش، یک جفت کفش، یک مقنعه، هردوماه یکبار یک سهمیه
بهداشتی شامل ۲ عدد پودر شوماو دو عدد صابون برای
استفاده در محل کار به کارگران داده می‌شود ولی این اقلام
بهبوجه حداقل نیازهای ضروری کارگران را در محیط کار
برطرف نمی‌کند. بخصوص که گاه اقلای چون کفش یا روپوش
در اندازه و قد آنها تعیین نمی‌شوند. کفشیها یا کوچکند یا
بزرگ و روپوش‌ها هم بهمین ترتیب با قد و سایز آنها هم خوانی
در صفحه ۲۸

اگر برای مصون ماندن از اثرات گازهای مختلف
شیمیائی که فضای کارخانه را آلوده می‌سازند استفاده از
ماسک‌های مناسب، امری حیاتی و بسیار ضروری است و
اگر برای اجتناب از تماس مست با مواد شیمیائی لازم است
دستکشهای مخصوص مواد استفاده قرار گیرند و غیره، هیچ‌یک از
این وسایل ضروری در اختیار کارگران قرار ندارد. حتی
کارگران بخش‌های سازنده پورته قرص و کپسول که از دیگر
کارگران بیشتر نیازمند استفاده از این وسایل هستند از در
اختیار داشتن آنها بطور کامل و مکفی محرومند. بواقع تنها
به کارگران پورته‌کار نوعی وسیله بنام ماسک می‌بهند ولی
این ماسک‌های کذائی از کارائی لازم برخوردار نیستند.
اولاً این ماسکها همه صورت را محافظت نمی‌کنند. ثانیاً
بعلت آنکه جنس آنها کاغذی می‌باشد با یک بار تنفس پاره
می‌شوند. بقول یکی از کارگران این کارخانه خاصیت این
نوع ماسکها آنست که هوا را تصفیه میکند تا گرد و غبار
راحتتر به حنجره کارگران فرورود (!!).

جالب است بنائیم که در انبار کارخانه به تعداد
لازم ماسک‌هایی از نوع مرغوب و قابل استفاده وجود دارد
ولی از نظر مدیریت ضدکارگر کارخانه، مورد استفاده آنها
فقط بهنگام نمایش مسخره بازدیدها از چندگاه یکی از مقامات رژیم
از کارخانه می‌باشد. تاکنون بارها این نمایش مسخره به مرحله
اجرا درآمده و هر بار در روز بازدید این یا آن مقام مزدور
رژیم و همپالگی صاحبان استثمارگر و زالوصفت کارخانه،
ماسکها از انبار بیرون کشیده شده و در اختیار کارگران
قرار گرفته است ولی بلافاصله روز بعد آنها را از کارگران
پس گرفته‌اند.

استحمام هرروزه، استراحت به حد کافی و خوردن شیر
بطور روزمره از دیگر نیازهای کارگران کارخانه "تولید
دارو" برای پیشگیری از ابتلا به انواع بیماری‌های
ریوی و تنفسی است. ولی در این کارخانه برای استحمام
کارگران در طی هفته فقط ۵ دقیقه وقت در نظر گرفته شده،
لجرم کارگران حداکثر هفته‌ای یکبار امکان حمام کردن دارند.
شیر نه بطور روزمره بلکه تنها هفته‌ای یکبار آنها به مقدار
اندک که تازه گاه شامل همه کارگران نیز نمی‌شود توزیع
می‌گردد و تاسف بار آنکه با توجه به شرایط معیشتی و مختار
کارگران و عدم تکافوی هزینه زندگی بدلیل پائین بودن
سطح دستمزدها در این کارخانه، کارگران مانع اغلب سهم

روز شمار

اسفند ماه



"هزاران هزار شهید، جان خود را در راه مسافع خلق
قهیرمانانه فدا کرده اند، بگذار درفش آنها را
برافرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است،
به پیش رویم!"

(ما توتسه دون)

شهدای اسفند ماه

چریکهای فدائی خلق ایران

- ۱۲/۱۱ تکمیل کنگره موسس
انترناسیونال سوم ۱۹۱۶
- ۱۳۵۰/۱۲/۱۱ شهادت چریکهای فدائی
خلق رفقای کبیر: سعید احمدزاده هروی
و عباس مفتاحی (از بنیانگذاران سازمان)
- ۱۳۵۲/۱۲/۱۲ اعدام انقلابی سروان
نوروزی رئیس گارد دانشگاه توسط چغنا
- ۱۲/۱۳ درگذشت رفیق استالین ۱۹۵۲
- ۱۳۴۵/۱۲/۱۴ درگذشت دکتر محمد مصدق
- ۱۳۵۷/۱۲/۱۴ شکستن اعتصاب کارگران
نفت
- ۱۲/۱۴ تولد روزا لوگزا امبورگ ۱۸۲۱
- ۱۳۵۳/۱۲/۱۵ اعدام انقلابی عباس
شهریاری خائن توسط چریکهای
فدائی خلق ایران
- ۱۲/۱۷ روز جهانی زن (۸ مارس)
- ۱۲/۲۳ درگذشت کارل مارکس اندیشمند
کبیر پرولتاریا ۱۸۸۳
- ۱۳۳۲/۱۲/۲۴ شهادت روزنامه نگار
مردمی کریم پور شیرازی
- ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ ملی شدن صنعت نفت
- ۱۲۹۹/۱۲/۱۳ کودتای رضاخان مزدور
- ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ ملی شدن صنعت نفت

تاریخ شهادت	نام شهید	تاریخ شهادت	نام شهید
۵۰/۱۲/۱۳	عبدالکریم حاجیان سهله	۴۹/۱۲/۱	مهدی اسحاقی
۵۰/۱۲/۱۳	مهدی سوالونی	۴۹/۱۲/۱	محمد رحیم شمائی
۵۰/۱۲/۲۲	علیرضا تابدل	۴۹/۱۲/۲۶	علی اکبر فراهانی (فرمانده دسته بار تیزران جنگل)
۵۰/۱۲/۲۲	یحیی امین نیا	۴۹/۱۲/۲۶	احمد فرهودی (معاون فرمانده)
۵۰/۱۲/۲۲	جعفر اردبیلی	۴۹/۱۲/۲۶	محمد علی محدث قندی
۵۰/۱۲/۲۲	مناف فلکی	۴۹/۱۲/۲۶	ناصر سیف ذلیل صفائی
۵۰/۱۲/۲۲	محمد تقی زاده	۴۹/۱۲/۲۶	غفور حسن پورا صیل، شیرجویمتی
۵۰/۱۲/۲۲	اصغر عرب هریمی	۴۹/۱۲/۲۶	محمد هادی قاضی
۵۰/۱۲/۲۲	اکبر موید	۴۹/۱۲/۲۶	عباس دانش بهزادی
۵۰/۱۲/۲۲	علی نقی آرش	۴۹/۱۲/۲۶	هورنگ نیری
۵۰/۱۲/۲۲	حسن سرکاری	۴۹/۱۲/۲۶	جلیل انفرادی
۵۲/۱۲/۱۲	مجتبی خرم آبادی	۵۰/۱۲/۱۱	سعید احمدزاده هروی
۵۵/۱۲/۹	صبا بیژن زاده	۵۰/۱۲/۱۱	اسدالله مفتاحی
۵۵/۱۲/۹	بهنام امیری دوان	۵۰/۱۲/۱۱	غلامرضا گلوی
۵۵/۱۲/۱۸	عبدا لرضا کلاتر نیستانی	۵۰/۱۲/۱۱	حمید توکلی
۵۵/۱۲/۱۶	رضا حمت زاده	۵۰/۱۲/۱۳	بهمن آرنک
۶۴/۱۲/۱۹	حمید آقاوردی زاده (کاک کا ووس) ترک درستان عراق	۵۰/۱۲/۱۳	سعید آریان

هر چه برافراشته تر باد پرچم خونین چریکهای فدائی خلق

جاودان باد خاطره رهبران کبیر
چریکهای فدائی خلق ایران

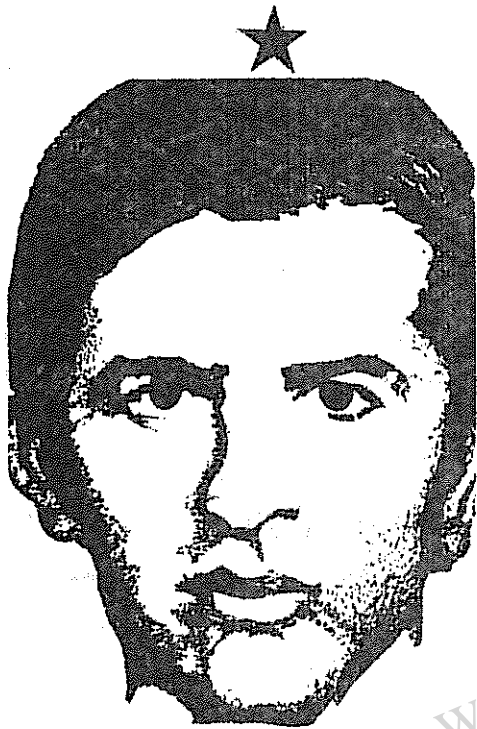


بهاران خجسته باد

در آستانه سالی جدید قرار داریم. سرفصل نوئی در زندگی طبیعت شروع به آغازیدن کرده است. شبهای سیاه و طولانی زمستان، مغلوب انوار زرین خورشید فروزان میشود و بهار با طبیعت زیبا و طربانگیزش از راه میرسد و سبزی و خرمی بهاره نسیم فرحبخش آن و طراوت گلهای نورس بهاری نوید پایان زمستان سرد و سخت را میدهند. در این بهار و در آغاز سال جدید برای خلقهای دریند ایران بخصوص برای کارگران و زحمتکشان که مبارزات سترگشان بر علیه امپریالیسم و سگهای زنجیریش نوید بخش پایان زمستان تاریک و خفقان آوری است که بدست این دشمنان بر سر زمین ما حاکم گشته، آرزوی موفقیت و پیروزی میکنیم.

بعد که سال نو سال پیشرفت و موفقیتهای مبارزاتی هر چه بیشتر خلقهای ستمدیده مان بر علیه امپریالیسم و سگ زنجیریش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد.

با ایمان به پیروزی راهمان
چریکهای فدائی خلق ایران
اسفند ماه ۶۸



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید
عباس مفتاحی



چریک فدائی خلق رفیق کبیر شهید
مسعود احمدزاده

با کتکهای مائی خود
چریکهای فدائی خلق ایران
را یاری رسانید

در تکمیل آثار سازمانی مکتوبین

ساعات پخش:
۹ شب و
۶ ر۵ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد
دریغ ۷۵ متر
صدای
چریکهای فدائی خلق ایران

برای تماس با چریکهای فدائی خلق ایران
یا نطانیهای زیر بکاتبه کنید:

انگلستان فرانسه

F. S	BM BOX 5051
B. P _ 181	LONDON
75623 PARIS	WCIN 3XX
CEDEX 13	ENGLAND
FRANCE	

برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!